# لجنة تنفيذ أمر الإمام - ويكيبيديا

ستاد اجرائی گام دوم انقلاب اسلامی ؛ نهادشتابدهنده پلتفرم های حکمرانی نوین

نقش و جایگاه نهادهای انقلابی در ادبیات حکمرانی

**1401**

**اندیشکده سروا**

# بسم الله

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی): امام، امام تحول بود ... این برای درس گرفتن است؛ باید از امام درس بگیریم. هر جامعه‌ زنده و پویایی به تحول احتیاج دارد؛ ما امروز به تحول احتیاج داریم، در بخش‌های مختلف.

14/03/1399

**شناسنامه اثر**

نام اثر: **سند راهبردی ستاد اجرایی فرمان امام (ره) گام دوم انقلاب اسلامی؛ نهاد شتابدهنده پلتفرم‌های حکمرانی نوین/ بخش نخست ؛ نقش و جایگاه نهادهای انقلابی در ادبیات حکمرانی انقلاب اسلامی**

پژوهش، گردآوری و تنظیم: اندیشکده سروا

ناظر علمی تخصصی: حامد ملک‌زاده

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی- حکمرانی- پلتفرم- تحول اجتماعی- ستاد اجرائی فرمان امام (ره)

نسخه پیشنویس ؛ غیرقابل استناد

# فهرست

[*دیباچه؛* 5](#_Toc103785994)

[فصل اول :](#_Toc103785995)[افق نمایی انقلاب اسلامی؛ ساخت الگو برای جوامع اسلامی و همه‌ی جوامع بشری 7](#_Toc103785996)

[1. هدف از بعثت انبیاء؛ هدایت جامعه بشری 8](#_Toc103785997)

[1.1. اصلی‌ترین مقصد تمامی انبیاء؛ تحقق مکتب الوهیت و ایدۀ توحید 8](#_Toc103785998)

[1.1.1. دین اسلام (توحید)؛ یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به‌جز خدا 8](#_Toc103785999)

[1.2. غفلت از توحید؛ سپردن سرنوشت کشورهای مسلمان به دست غارتگران 9](#_Toc103786000)

[1.3. نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی بزرگ دوران، حضرت امام خمینی (رضوان‌الله)؛ بازگشت به توحید 9](#_Toc103786001)

[2. انقلاب اسلامی؛ به دنبال ایجاد یک الگو برای جوامع اسلامی و همه‌ی جوامع بشری 10](#_Toc103786002)

[2.1. فهم جهت حرکت انقلاب اسلامی؛ لازمه حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی 10](#_Toc103786003)

[2.1.1. مبنای انقلاب اسلامی؛ پاسخگوی چگونگی تحقق اهداف انقلاب اسلامی 11](#_Toc103786004)

[2.1.2. سه جریان اصلی مدعی نظریه‌پردازی در مبنای فکری انقلاب؛ جریان روشنفکری، جریان اسلام سنتی و جریان اسلام ناب 11](#_Toc103786005)

[2.1.2.1. مبنای جریان توسعه؛ اصلاح هویت اسلامی 12](#_Toc103786006)

[2.1.2.2. مبنای جریان فهم سنتی؛ تبلیغ هویت اسلامی 13](#_Toc103786007)

[2.1.2.3. مبنای جریان اسلام ناب؛ نظام‌سازی اسلامی 14](#_Toc103786008)

[3. مراحل تکامل انقلاب اسلامی؛ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعۀ اسلامی و تمدن اسلامی 15](#_Toc103786009)

[3.1. مرحله انقلاب اسلامی؛ انتقال اختیارات اجتماعی از غیر معتقدین، به دست معتقدین برای پیاده‌سازی شاخصهای هویت اسلامی بر اساس اسلام ناب 16](#_Toc103786010)

[3.2. مرحله نظام اسلامی؛ تعریف هویت اجتماعی برای حضور در ساختارها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی 17](#_Toc103786011)

[3.3. مرحله دولت اسلامی؛ دستیابی به دولت اسلامی یعنی تغییر ساختارهای اداره جامعه بر مبنای دین 18](#_Toc103786012)

[3.4. مرحله جامعه اسلامی؛ تشکیل جامعهای بر مبنای اسلام 18](#_Toc103786013)

[3.5. مرحله تمدن نوین اسلامی؛ نمایش کارآمدی الگوی اسلامی اداره جامعه در جهان و تکثیر این الگو در دنیا در مرحله امت اسلامی 19](#_Toc103786014)

[4. موضوعات انتقال انقلاب اسلامی؛ شناسایی و تشخیص اولویت‌های هر مرحله و تمرکز بر آن‌ها 19](#_Toc103786015)

[4.1. تئوری مترقی ولایت‌فقیه، اولین موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی 20](#_Toc103786016)

[4.2. دفاع مقدس؛ موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی 21](#_Toc103786017)

[4.3. تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ترمیم نظام برنامه‌ریزی، موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی 22](#_Toc103786018)

[4.4. بانک اطلاعات اسلامی، موضوع انتقال از مرحله جامعه اسلامی به مرحله امت (تمدن) اسلامی 23](#_Toc103786019)

[فصل دوم:](#_Toc103786020) [دوران تحول و شکل‌گیری جریان نوین حکمرانی؛ چالش ها و لوازم تحول در دوران حساس کنونی 25](#_Toc103786021)

[مقدمه 26](#_Toc103786022)

[1. حیاتی‌ترین نیاز انقلاب اسلامی در موقف کنونی؛ ایجاد یک تحول بنیادین در بدنه اجتماعی و سپس حاکمیتی مبتنی بر ذات تحول‌خواهی انقلاب اسلامی 26](#_Toc103786023)

[2. زمینه‌های ایجاد تحول و لوازم آن 27](#_Toc103786024)

[2.1.حلول سده جدید شمسی 28](#_Toc103786025)

[2.2. ابلاغ بیانیه گام دوم و تثبیت انقلاب اسلامی 28](#_Toc103786026)

[2.3. فراخوان امام خامنه‌ای برای اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از آغاز قرن پانزدهم 28](#_Toc103786027)

[2.4. ناامیدی از کارآمدی تجدد و توسعه غرب‌گرا 29](#_Toc103786028)

[2.5. آمادگی نسل جدید انقلاب برای قیام 29](#_Toc103786029)

[2.6. فرسودگی و احتضار تمدن غرب 30](#_Toc103786030)

[3. چالش‌های امروز انقلاب اسلامی و الزام تحول در حکمرانی 31](#_Toc103786031)

[3.1. آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه 31](#_Toc103786032)

[3.2. القاء ناکارآمدی انقلاب اسلامی در امر مدیریت کشور 31](#_Toc103786033)

[3.3. فاصله گرفتن حاکمیت از بدنه عمومی جامعه 32](#_Toc103786034)

[4. جمع بندی و طرح مسئله 32](#_Toc103786035)

[فصل سوم :](#_Toc103786036)[ارتقاء حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی؛ استخراج و تبیین مدل مفهومی ارتقاء حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی 34](#_Toc103786037)

[مقدمه 35](#_Toc103786038)

[1.تکامل حکمرانی در ادبیات جهانی 35](#_Toc103786039)

[1.1.خلق و تطور مفهوم حکمرانی 35](#_Toc103786040)

[1.2.نظریه حکمرانی خوب 36](#_Toc103786041)

[1.2.1.اصول حکمرانی خوب 37](#_Toc103786042)

[1.2.2.ارکان حکمرانی خوب 39](#_Toc103786043)

[1.2.3.بازیگران عرصه حکمرانی خوب 40](#_Toc103786044)

[1.3.دولت تنظیم گر 41](#_Toc103786045)

[1.4.ظهور حکمرانی پلتفرمی 42](#_Toc103786046)

[1.4.1.بازیگران اصلی پلتفرم 44](#_Toc103786047)

[1.4.2.ابعاد و مصادیق بکارگیری رویکرد دولت به مثابه پلتفرم 46](#_Toc103786048)

[1.4.5.جمع بندی و نقد حکمرانی پلتفرمی 47](#_Toc103786049)

[1.5.نقش نهادهای اجتماعی در حکمرانی نوین 47](#_Toc103786050)

[1.5.1.مفهوم نهاد 48](#_Toc103786051)

[1.5.2.تعریف نهادهای اجتماعی 49](#_Toc103786052)

[1.5.3.تفاوت نهاد با سازمان 50](#_Toc103786053)

[1.6.آینده نگاری 51](#_Toc103786054)

[1.6.1.شیوه های رویایی با آینده 51](#_Toc103786055)

[1.6.2.آینده نگری یا آینده نگاری؟ 52](#_Toc103786056)

[1.7.جمع بندی و نتیجه گیری 53](#_Toc103786057)

[2. حکمرانی در ادبیات انقلاب اسلامی 55](#_Toc103786058)

[2.1.نظام سازی اجتماعی؛ مبنای حکمرانی در گفتمان انقلاب اسلامی برای رسیدن به جامعه ای سالم و متعالی 56](#_Toc103786059)

[2.1.1. فرایند نظام‌سازى و جامعه پردازی؛ تولید نرم افزار و سوخت نظرى براى حركت، نهادسازى و كادرسازى 56](#_Toc103786060)

[2.1.2.فرآیند 5 مرحله ای تحقق اهداف اسلامی؛ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی 57](#_Toc103786061)

[2.1.3.نهادهای انقلابی مولود نظام سازی های نمونه ای در مرحله نظام اسلامی 58](#_Toc103786062)

[2.1.4. مرحله دولت اسلامی؛ نظام‌سازی اسلامی همه‌جانبه حاکمیت مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت 60](#_Toc103786063)

[2.1.4.1. اصول نظام سازی؛ توانمند سازی ساختارهای متکفل اداره جامعه متناسب با تحولات جامعه 61](#_Toc103786064)

[2.1.4.2. اصل اول ؛ ظرفیت سازی برای ارتقاء ساختارها 61](#_Toc103786065)

[2.1.4.3. اصل دوم؛ تدوین شاخص‌های هویت اسلامی 62](#_Toc103786066)

[2.1.4.4. اصل سوم؛ ایجاد ادبیات گفتمانی مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی 62](#_Toc103786067)

[2.1.5.نقطه آغاز نظام سازی؛ کنترل و هدایت موضوعات موثر بر جامعه 63](#_Toc103786068)

[2.2. لوازم و پایه‌های اصلی حکمرانی در ادبیات انقلاب اسلامی 63](#_Toc103786069)

[2.2.1. مردم‌سالاری دینی 63](#_Toc103786070)

[2.2.1. خلق اراده ملی 64](#_Toc103786071)

[2.2.3. نقش‌آفرینی حلقه های میانی 65](#_Toc103786072)

[2.3. بیانیه گام دوم به عنوان سند تمدنی پیش روی انقلاب اسلامی 66](#_Toc103786073)

[2.4. جمع بندی و نتیجه گیری از ادبیات حکمرانی انقلاب اسلامی 69](#_Toc103786074)

[3.جمع بندی و استخراج و تبیین مدل مفهومی ارتقاء حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی 71](#_Toc103786075)

*دیباچه؛*

ورود در چله دوم انقلاب اسلامی و ابلاغ بیانیه گام دوم توسط امام خامنه ای (مدظله العالی) در عصری که بستر تحولات گوناگونی است فرصتی است تا آرمانهای انقلاب اسلامی بازخوانی و سیر حرکت تمدنی انقلاب اسلامی مرور گردد. مرحله حساس دولت سازی در سیر تمدنی انقلاب اسلامی و بازتعریف ساختارهای جمهوری اسلامی به غرض تحقق آرمان های انقلاب اسلامی نکته محوری دوران حاضر است. از سویی، عصر گام دوم به عنوان موقف تحولی انقلاب اسلامی از جهاتی از جمله؛ ورود به قرن جدید هجری شمسی، نمایان شدن ناکارآمدی تجدد و توسعه تمدن غربی، بسترسازی برای تدوین و اجرای الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی با فراخوان مقام معظم رهبری و از همه مهمتر تربیت و آمادگی نسلی نو ، محسوب می گردد.

دوران 43 ساله انقلاب اسلامی با فراز و فرودهای زیاد در باب حکمرانی و آزمون و خطاهای صورت گرفته و بعضاً بهره‌مندی از نظریات التقاطی از مکاتب اقتصادی و سیاسی غرب و شرق همراه بوده است . جمهوری اسلامی در این دوران، ناگزیر به بازآرایی نهادهای حکومت‌داری خود به غرض دولت سازی اسلامی است.

از سویی دیگر در موقف کنونی در مرحله دولت‌سازی وجود و ادامه چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه و تا حدودی فاصله گرفتن مردم از بدنه حاکمیت، این امر را موجب می شود تا بسترسازی‌های لازم و تحولات حکمرانی در جامعه بیش از پیش به سمت افق مطلوب سرعت بگیرد .

نهادهای دولتی در این عصر به دلیل درگیری با فرایندهای بروکراتیک و سیستم معیوب چندین ساله خود توان راهبری و ایجاد تحولات مناسب در جامعه را دارا نبوده و از اقبال عمومی برای همکاری و در نتیجه مشارکت مردمی کمتری نیز برخوردار هستند. نهادهای انقلابی که مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی و برای پیشبرد آرمان های انقلاب اسلامی شکل گرفته‌اند بار دیگر به دلیل جهت گیری مناسب اندیشه ای با انقلاب و فارغ بودن از معایب سیستم های معمول، البته نه به عنوان جایگزین دولت و بخش خصوصی، بلکه به عنوان یک پیشران و موتور محرک و یک الگوساز و جهت دهنده قابلیت ایجاد تحولات لازم در حوزه حکمرانی و ایجاد مشارکت اجتماعی را داراست.

در بین نهادهای انقلابی ، ستاد اجرائی فرمان امام (ره) با عبور از نقش آفرینی های صرف اقتصادی و ورود به عرصه‌های نوین اجتماعی خصوصاً محرومیت‌زدایی، تاکنون ماموریت‌های مهمی را بر عهده گرفته و توانسته در بخشی‌هایی نیز پیشران و الگوساز نظام حاکمیتی باشد.

اکنون در عصر گام دوم و با توجه به طی شدن دوره بلوغ و شایستگی این نهاد، لازم است ستاد اجرائی فرمان امام (ره) با تعریف و تصویر دقیق ماموریت‌های تحولی خود مبتنی بر اندیشه امام جامعه و گفتمان گام دوم انقلاب اسلامی ، مسیر پیش روی خود در کوتاه مدت(برنامه سوم) و بلند مدت ترسیم نماید .

بخش نخست از اندیشه فوق به بازخوانی حکمرانی انقلاب اسلامی و تعریف درست نقش و جایگاه نهادهای انقلابی در این عرصه می پردازد سرفصل های این بخش به شرح ذیل می باشد:

فصل اول؛ افق نمایی انقلاب اسلامی؛ ساخت الگو برای جوامع اسلامی و همه‌ی جوامع بشری

فصل دوم؛ دوران تحول و شکل‌گیری جریان نوین حکمرانی؛ چالش ها و لوازم تحول در دوران حساس کنونی

فصل سوم ؛ ارتقاء حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی؛ استخراج و تبیین مدل مفهومی ارتقاء حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی

# فصل اول :

# افق نمایی انقلاب اسلامی؛ ساخت الگو برای جوامع اسلامی و همه‌ی جوامع بشری

# 1. هدف از بعثت انبیاء؛ هدایت جامعه بشری

بدون شک هدف از بعثت انبیاء و ارسال رسل، هدایت جامعه بشری است و این هدایت در دو بعد انجام می‌شود اول هدایت به معنی «ارائه طریق» (نشان دادن راه) یعنی همان چیزی که وظیفه هر پیامبری از پیامبران خداست، دوّم «ایصال به مطلوب» (رساندن به مقصود) است که آن نیز دو شاخه دارد شاخه اول؛ هدایت تشریعی، تحقّق بخشیدن به برنامه‌های دینی، خواه از طریق تشکیل حکومت و اجرای حدود و احکام الهی و عدالت اجتماعی باشد و خواه از طریق تربیت و پرورش نفوس به‌طور عملی و این هر دو، سبب تحقّق یافتن اهداف پیامبران می‌شود و برنامه‌ای بسیار سخت و سنگین و نیاز به ویژگی‌های فراوان از نظر علم و تقوا و شجاعت و مدیریت دارد.[[1]](#footnote-1)

شاخه دیگر، هدایت تکوینی و رساندن به مقصود از طریق تأثیر و نفوذ معنوی و روحانی و تابش شعاع هدایت در قلب انسان‌های آماده است و این‌یک سیر معنوی و درونی است علاوه بر آن سیر ظاهری و برونی که انبیای بزرگ و پیشوایان الهی نسبت به پیروان خود داشتند و به‌یقین چنین برنامه‌ای صفات و ویژگی‌ها و آمادگی‌های بیشتری را می‌طلبد.[[2]](#footnote-2)

# 1.1. اصلی‌ترین مقصد تمامی انبیاء؛ تحقق مکتب الوهیت و ایدۀ توحید

‏تحقق مکتب الوهیت و ایدۀ توحیدوالاترین و بالاترین و ارزشمندترین مقصد و مقصودی‏‎ ‎‏است که از صدر عالم در ازل و از پس این جهان تا ابد عرضه‌شده‏‎ ‎‏است و خواهد شد؛ و آن مکتب الوهیت به معنی وسیع آن و ایدۀ‏‎ ‎‏توحید با ابعاد رفیع آن است که اساس خلقت و غایت آن در پهناور‏‎ ‎‏وجود و در درجات و مراتب غیب و شهود است؛ و آن در مکتب‏‎ ‎‏محمدی صلی‌الله‌ علیه و آله و سلم به تمام معنی و درجات و‏‎ ‎‏ابعاد متجلی شده؛ و کوشش تمام انبیای‏‎ ‎‏عظام علیهم سلام‌الله‌ و‏‎ ‎‏اولیای‏‎ ‎‏معظم سلام‌الله‌ علیهم برای تحقق آن بوده و راه‌یابی به‏‎ ‎‏کمال مطلق و جلال و جمال بی‌نهایت جز با آن میسر نگردد. آن‏‎ ‎‏است که خاکیان را بر ملکوتیان و برتر از آنان شرافت داده و آنچه‏‎ ‎‏برای خاکیان از سیر در آن حاصل می‌شود برای هیچ موجودی در‏‎ ‎‏سراسر خلقت در سرّ و عَلن حاصل نشود.[[3]](#footnote-3)

# 1.1.1. دین اسلام (توحید)؛ یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به‌جز خدا

در مکتب‏‎ ‎‏محمدی صلی‌الله‌ علیه و آله و سلم؛ اسلام، دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به‌جز خدا، یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظام‌های بشری، یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی، یعنی اعتماد به وعده‌ی الهی در پیروزی مستضعفین بر ستمگران و مستکبرین به‌شرط قیام و مبارزه و استقامت، یعنی دل بستن به رحمت خدا و نهراسیدن از احتمال شکست، یعنی استقبال از زحمات و خطراتی که در راه تحقق وعده‌ی الهی، آدمی را تهدید می‌کند، یعنی مبارزه، یعنی در مبارزه، چشم به هدف عالی که نجات جامعه از هرگونه ستم و تبعیض و جهل و شرک است دوختن و عوض ناکامی‌های شخصی و میان راهی را نزد خدا جستن و خلاصه یعنی خود را مرتبط و متصل به اقیانوس لایزال قدرت و حکمت الهی دیدن و به سمت هدف اعلی، با امید و بی‌تشویش شتافتن. همه‌ی عزت و اعتلایی که به مسلمین وعده داده‌شده، در سایه‌ی چنین ایمان و درک روشن و عمیقی از توحید است. بدون فهم درست و پایبندی عقیدتی و عملی به توحید، هیچ‌کدام از وعده‌های الهی درباره‌ی مسلمانان عملی نخواهد شد[[4]](#footnote-4).

# 1.2. غفلت از توحید؛ سپردن سرنوشت کشورهای مسلمان به دست غارتگران

در دوران سلطه‌ی استکبار، غفلت از توحید ناب اسلامی و مفهوم زندگی شمول آن بود که صحنه را برای بُتهای استعمار باز گذارد و به خداوندان زر و زور، فرصت تاخت‌وتاز داد. دشمنان با نقشه‌های از پیش آماده‌شده، دین را در کشورهای اسلامی از صحنه‌ی زندگی راندند و شعار جدایی دین از سیاست را در این کشورها تحقق بخشیدند. نتیجه این شد که پیشرفت علمی غرب بتواند این کشورها را یک‌باره به‌صورت تابعی از کشورهای صنعتی درآورد و سرنوشت سیاسی و اقتصادی آن را برای مدت‌های طولانی و جبران‌ناپذیر، به دست غارتگران غربی بدهد.[[5]](#footnote-5)

# 1.3. نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی بزرگ دوران، حضرت امام خمینی (رضوان‌الله)؛ بازگشت به توحید

راه علاج آن است که مسلمانان به اسلام ناب -که در آن، توحید و نفی عبودیتِ غیر خدا، از هر چیز برجسته‌تر و درخشنده‌تر است- برگردند و عزت و قدرت خود را در اسلام بجویند؛ و این چیزی است که طراحان توطئه‌های ضد اسلامی، همیشه از آن بیمناک بوده و در راه پیدایش آن، موانع جدی می‌نهاده‌اند.

نهضت اسلامی در ایران به رهبری منجی بزرگ دوران، حضرت امام خمینی (رضوان‌الله)، به پیروی از شیوه‌ی نبی‌اعظم و رسول خاتم و قله‌ی آفرینش عالم و آدم، حضرت محمّد مصطفی (صلّی‌الله‌علیه‌واله‌وسلّم)، در قالب یک انقلاب تمام‌عیار ظاهر شد و این طبیعت انقلاب است که اگر بر پایه‌ای درست و منطقی استوار باشد، همچون آتشفشان، زلزله در تمام ارکان محیط پدید می‌آورد و همه‌چیز و همه‌جا و همه‌کس را از گرمی و اشتعال خود متأثر می‌سازد.[[6]](#footnote-6)

# 2. انقلاب اسلامی؛ به دنبال ایجاد یک الگو برای جوامع اسلامی و همه‌ی جوامع بشری

پیدایش انقلاب اسلامی در ایران توسط یک فقیه شیعی یکی از عظیم‌ترین و تأثیرگذارترین پدیده‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر حاضر در این زمینه محسوب می‌شود که از همان ابتدا به دنبال به چالش کشیدن معادلات سیاسی جهانی و مبانی نظری و فکری حاکم بر جوامع بین‌المللی بوده است. مبنای انقلاب اسلامی در راستای بعثت تمامی انبیا و در صدر آن‌ها بعثت نبی مکرم اسلام «ایجاد یک جامعه فاضله و تمدن است»[[7]](#footnote-7). انقلاب اسلامی هدف خود را ابتدائا «ساخت ایرانی مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره‌مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه‌ی جامعه‌ی عظیم بشری در علم و بقیه‌ی دستاوردها دانسته و در ادامه به دنبال ایجاد یک الگو برای جوامع اسلامی در درجه‌ی اول و همه‌ی جوامع بشری در درجه‌ی بعدی است»[[8]](#footnote-8). لذا از نظر‌گاه فلسفه‌ی تاریخی، انقلاب اسلامی مأموریت تاریخی خود را تأسیس این تمدن نوین دانسته و این تمدن نوین اسلامی را زمینه‌ساز ظهور حضرت حجت‌ابن‌الحسن (عج) تلقی می‌کند[[9]](#footnote-9).

# 2.1. فهم جهت حرکت انقلاب اسلامی؛ لازمه حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی

‏‏ فهم جهت حرکت انقلاب اسلامی موضوعی است که بدون آن هر اقدامی در جمهوری اسلامی اقدامی ابتر بوده و در بهترین حالت، در کوتاه‌مدت شاید برخی از امور را بتواند سامان بخشد ولی نهایتاً به اهداف عالی نخواهد رسید[[10]](#footnote-10). ازاین‌رو بازخوانی مفاهیم و تعاریف اصلی انقلاب اسلامی به محوریت جهت حرکتِ انقلاب اسلامی، امری است بسیار دقیق و حائز اهمیت که غفلت از آن منجر به ایجاد انحراف از آرمان‌های اصلی نظام خواهد شد. انقلاب اسلامی نشان داد که دین در فضای پیچیده قرن معاصر توانایی اداره جامعه را دارد. استمرار این توانایی مستلزم بازخوانی صحیح و نظام‌مند از مبنای ایجاد انقلاب اسلامی است.

# 2.1.1. مبنای انقلاب اسلامی؛ پاسخگوی چگونگی تحقق اهداف انقلاب اسلامی

اولین محور در فهم ادبیات انقلاب اسلامی سؤال از چگونگی تحقق اهداف و رسیدن به آرمان‌های اسلامی است. به معنای بهتر مبنای انقلاب اسلامی برای تحقق شاخص‌های هویت دینی و رسیدن به مقصد مدنظر چیست و چگونه محقق می‌شود. مبنای انقلاب اسلامی به معنای تفکر محوری است که انقلاب، اهداف خود را به‌وسیله آن تفکر محوری محقق می‌کند؛ بنابراین مبنا به معنای تفکر محقق کننده‌ی اهداف یک پدیده است. نظام مبارک جمهوری اسلامی و مردم مسلمان ایران، اهدافی را مدنظر دارند که یک فکر محوری به‌مثابه نرم‌افزار درصدد تحقق این اهداف است.

نگاه تمدنی انقلاب اسلامی ایجاب می‌کند تا مبنایی که به‌مثابۀ تفکر محوری تعریف می‌شود ویژگی‌های منحصر‌به‌فردی داشته باشد که بتواند اهداف انقلاب اسلامی را محقق کند. اولین ویژگی تفکر محوری انقلاب این است که باید فارغ از مرزها و مکان‌ها قابلیت اجرا داشته باشد. چون تشکیل یک تمدن منحصر در یک مرز جغرافیایی مشخص نمی‌شود. دومین ویژگی باید این باشد که بتواند در همۀ زمان‌ها اجراشدنی باشد؛ مبنایی که محدود به زمان خاصی باشد تاریخ انقضا دارد و از بین می‌رود. ویژگی سوم این است که بتواند در تمامی شئون اداره و مدیریت جامعه ترجمه شود. به عبارت بهتر، تفکر محوری جامعه باید بتواند همۀ ارکان جامعه را در یک نظام کلی ببیند و از پرداخت بخشی به متغیرهای اداره‌‌کننده جامعه به دور باشد.

# 2.1.2. سه جریان اصلی مدعی نظریه‌پردازی در مبنای فکری انقلاب؛ جریان روشنفکری، جریان اسلام سنتی و جریان اسلام ناب

در تبیین مبنای انقلاب اسلامی و در پاسخ به سؤال «چگونگی تحقق اهداف انقلاب اسلامی؟» سه جریان فکری به امر نظریه‌پردازی مبادرت ورزیده‌اند و مبتنی بر نظریه خود، به مدیریت تحولات اجتماعی انقلاب اسلامی پرداخته‌اند.

نخستین نظریه متعلق به جریانی است که در ادبیات جامعه‌شناسی و تاریخی معاصر از آن به‌عنوان جریان روشنفکری یا جریان توسعه یاد می‌شود. جریان روشنفکری در مورد چگونگی اداره جامعه، خود را صاحب سخن می‌داند.

نظریه دوم اداره جامعه متعلق به جریانی است که از آن به‌عنوان جریان فهم سنتی از اسلام یاد می‌شود. این جریان در فهم اسلام به عنصر زمان و مکان توجه کمتری دارد. جریان فهم سنتی نیز سعی در مدیریت و تحلیل تحولات اجتماعی دارد.

سومین نظریه مربوط به جریان اسلام ناب یا جریان مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی است. محور اصلی نظریات جریان اسلام ناب در اداره جامعه ملاحظه عنصر زمان و مکان در استنباط از کتاب و سنت است. در ادامه مبنای هر یک از جریان‌ها بررسی و اصول حاکم بر مبنای آن‌ها تشریح خواهد شد.

# 2.1.2.1. مبنای جریان توسعه؛ اصلاح هویت اسلامی

جریان روشنفکری «اصلاح هویت اسلامی» را مبنای تحقق اهداف انقلاب اسلامی می‌داند. مبنای جریان روشنفکری برای تحقق اهداف و شاخص‌های اسلامی آن است که با توجه به شرایط امروز جامعه و جهان و بسط و سیطره تمدن مدرن بر تمامی شئون و متغیرهای اداره جامعه و تبعیت تمام ساختارهای اداره جامعه در سطح کلان از این تمدن و درنهایت تعارض بخشی از احکام و شاخص‌های اسلامی با متغیرهای این تمدن مدرن، بستر پیاده‌سازی و اجرای شاخص‌های هویت دینی وجود نداشته و درنتیجه باید بتوان از طریق حذف شاخص‌ها و احکام دینیِ غیرقابل اجرا و تطبیق شاخص‌های باقی‌مانده با موازین تمدن مدرن اقدام به اصلاح شاخص‌های هویت اسلامی به محوریت تمدن غرب نمود تا بتوان با برنامه‌ریزی‌های تمدن مدرن هم‌راستا و هماهنگ شد.

جریان روشنفکری جهت تئوریزه نمودن مبنای خود 3 اصل را به‌عنوان محور تفکر اصلاح هویت دینی بیان می‌کند. اولین اصل جریان روشنفکری لزوم پذیرش مفاهیم تمدن مدرن به‌عنوان یک اصل اجتناب‌ناپذیر در مسیر دستیابی به زندگی بهتر است. روشنفکران معتقدند زندگی بهتر و مرفه‌تر در سایه پذیرش مفاهیم و الزامات تمدن مدرن شکل می‌گیرد.

اصل تولید صنعتی و در دسترس بودن تمامی حاجات جامعه فارغ از تغییر فصول و زمان‌ها و مکان‌ها، ارضای تمامی نیازهای بشری و آسوده ساختن زندگی انسان‌ها ازجمله دلایل جریان روشنفکری در لزوم پذیرش تمدن مدرنیته است. هم‌چنین این جریان در بخش سیاست‌ها با رهاورد دموکراسی به‌عنوان یگانه راه رهایی از ظلم و حکومت سلطنتی و استبدادی اصلِ پذیرش مفاهیم مدرن را تثبیت می‌کند.

جریان روشنفکری در اصل اجتناب‌ناپذیر دوم خود عنوان می‌دارد که رسیدن به تمدن مدرن و سوق جوامع به سمت مدرنیته و درنتیجه سعادت و رفاه آن‌ها نیازمند طی فرایندی تحت عنوان مدرنیزاسیون است. به عبارت بهتر نباید تصور شود که روند مدرن شدن جوامع امری سهل‌الوصول و آسان بوده و نیازمند هیچ نوع تلاش و تکاپو نیست؛ بلکه نخبگان و متفکران جوامع باید همت گمارده و شبانه‌روز برای رسیدن به تمدن مدرن به فعالیت بپردازند و بر اساس یک برنامه‌ریزی علمی و دقیق روند مدرن شدن جوامع خود را تسریع بخشند؛ بنابراین اصل دوم مبنای جریان روشنفکری بیان می‌دارد که مدرن شدن جوامع نیازمند طی فرایند مدرنیزاسیون است و فرایند مدرنیزاسیون نیز محتاج برنامه‌ریزی علمی و دقیق است که این برنامه‌ریزی در قالبی با عنوان توسعه غربی تدوین و فراهم‌شده و باید مورداستفاده دول و ملل مختلف قرار گیرد.

جریان روشنفکری مبتنی بر این اصول دوگانه، اصل سومی را ترسیم می‌کند. اصلی‌ترین لازمه برنامه‌ریزی علمی و دقیق برای دستیابی به فرایند مدرنیزاسیون تغییر فرهنگ فعلی جوامع به محوریت مفاهیم مدرن است؛ زیرا اصلی‌ترین مانع پیاده‌سازی مفاهیم مدرن، وجود فرهنگ فعلی جوامع است. فرهنگ‌های جوامع همواره مانعی بر سر راه برنامه‌ریزی برای رسیدن مدرنیته هستند. نکته اصلی روشنفکران در اصل سوم خودشان این است که فرهنگ جوامع همواره مانعی بر سر راه سعادت و رفاه ملت‌ها بوده‌ است. به عبارت واضح‌تر هرچند مفاهیم مدرن و ساختارهای مبتنی بر توسعه مشکلات جامعه را حل می‌کنند؛ اما نیل به مدرنیزاسیون، راهی پر سنگلاخ و پیچیده است و نباید توقع داشت که بدون مبارزه و اصلاحات، جامعه مدرن شود. ایجاد اصلاحات در فرهنگ‌ها و باورهای بنیادین جامعه جهت بسط و تحقق اهداف تمدن مدرن و توسعه‌یافتگی امری الزامی است.

جریان روشنفکری با توجه به اصول سه‌گانه فوق بر این نکته تأکید می‌کند که؛ میانگین جامعه ایران دوستدار مدرنیته هستند و برای دستیابی به تمدن مدرن باید فرهنگ‌ رایج جامعه اصلاح شود. فرهنگ رایج جامعه ایران چیست؟ فرهنگ اسلام و تشیّع؛ بنابراین جریان روشنفکری به «اصلاح هویت اسلامی» -که مبنای اصلی این جریان است- رأی می‌دهد. البته باید دقت نمود که اصلاح هویت اسلامی یک مبنا است و پیش‌تر گفته شد که یکی از ویژگی‌های مبنا قابلیت ترجمه‌ی آن به‌تمامی ارکان اداره جامعه اعم از فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ... است. درنتیجه تعارض میان مفاهیم تمدن مدرن و مفاهیم تمدن اسلامی به نفع تمدن مدرن ختم خواهد شد.

# 2.1.2.2. مبنای جریان فهم سنتی؛ تبلیغ هویت اسلامی

مبنای دوم پیشنهادی جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی متعلق به جریان فهم سنتی از اسلام است. مبنای جریان فهم سنتی «تبلیغ هویت اسلامی» است. این جریان معتقد است که برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی باید تبلیغ هویت اسلامی را بسط داد. پاسخ این جریان به ناهماهنگی‌ها و نوسانات موجود در اداره جامعه اعم از حوزه فرهنگ، سیاست و اقتصاد عدم تبیین مفاهیم دینی در آن حوزه‌هاست. به‌عنوان‌مثال پاسخ این جریان در برابر نوسانات و به‌هم‌ریختگی بازار ارز، عدم تبیین مفاهیم حلال و حرام و عدم رعایت این مفاهیم است که با تبلیغ این مفاهیم و رعایت آن‌ها توسط آن بخش مشکل مرتفع خواهد شد. درنتیجه ضعف در تبلیغ، علت به وجود آمدن ناهماهنگی‌ها در اداره جامعه بوده و تبلیغ شاخص‌های هویت اسلامی مبنای این جریان در پیاده‌سازی اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی خواهد بود.

پایه‌های اصلی مبنای جریان فهم سنتی از اسلام نیز به 3 بخش تقسیم می‌شود: اصل اولِ مبنای جریان فهم سنتی از اسلام درست در نقطه مقابل اصل اول جریان روشنفکری است. این اصل بیان می‌دارد که برای نیل به زندگی بهتر باید به شاخص‌ها و ارزش‌های دینی و هویت اسلامی دست‌یافت. رعایت احکام اسلامی تجویز این جریان برای نیل به سعادت است.

اصل دوم مبنای جریان فهم سنتی از اسلام ناظر بر فرایندهای جاری جامعه است. این جریان معتقد به وجود دو فرایند در جریان تکامل جامعه است. یکی از این دو فرایند مربوط به تکامل معنوی جامعه است که مسئول تبیین و پیاده‌سازی این فرایند بخش روحانیت است و نهاد پشتیبانی‌کننده‌ی این فرایند حوزه‌های علمیه هستند. فرایند دوم مربوط به توسعه مادی جامعه است و مسئول پیاده‌سازی این فرایند نظام علمی جامعه به پشتوانه نهاد دانشگاه است.

از دو اصل فوق، اصل سوم متولد می‌شود؛ جریان فهم سنتی در تحولات و حوادثی که در جامعه رخ‌داده و مبتنی بر توسعه‌ی مادی‌ است دخالت نداشته و سعی آن بر این است که در تحولات اجتماعی، خط تبلیغ هویت اسلامی را حفظ نماید؛ بنابراین به علت موضوعیت تکامل معنوی برای دین و موضوعیت تبلیغ به‌عنوان مبنای جریان فهم سنتی، لازم است تا در مقام استنباط، مناسک تکامل معنوی از متون دینی استخراج گردد؛ به عبارت بهتر هنگام رجوع به آیات و روایات، استنباط باید ناظر بر احکام تکامل معنوی باشد. درنتیجه اکثر درس‌های خارجِ حوزه علمیه قم مربوط به مناسک تکامل معنوی هستند؛ بنابراین مبنایی که جریان فهم سنتی از اسلام مبتنی بر اصول خود پیشنهاد می‌کند تبلیغ هویت اسلامی و استنباط احکام تکامل معنوی از آیات و روایات است.

این جریان ضعف‌های موجود در جامعه را ناشی از ضعف در محتوا و روش‌های تبلیغی می‌داند و فعالیت‌های کم و غیرمتمرکز خود را به‌عنوان سرمنشأ این ضعف معرفی می‌کند. درنتیجه اخیراً ایجاد حلقه‌های فکری و تأسیس کانون‌ها و مؤسسات جهت رفع معایب تبلیغ در دستور کار حوزه‌های علمیه و دانش‌آموختگان قرارگرفته است.

# 2.1.2.3. مبنای جریان اسلام ناب؛ نظام‌سازی اسلامی

سومین مبنا برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی متعلق به جریان اسلام ناب یا همان جریان انقلاب است. مبنای متخذ جریان اسلام ناب برای تحقق اهداف انقلاب «نظام‌سازی اسلامی» است. به عبارت بهتر امام خمینی (قدس سره) در عرصه اهداف اسلامی نوآوری نکرده و اهداف جدیدی را مطرح ننمودند، اهداف و شاخص‌های اسلامی از پیش در حوزه‌های علمیه به‌صورت مبسوط مورد جرح و بحث قرارگرفته و مشخص‌شده بود. تفاوت امام خمینی (قدس سره) با دیگر فقها و نوآوری ایشان در این بود که روش دیگری را برای تحقق شاخص‌های هویت اسلامی مطرح کردند. ایشان در عمل بر اساس فقه شیعه به نظام‌سازی پرداختند؛ یعنی نهاد‌های اجتماعی را به شکلی تنظیم و ایجاد نمودند تا هدف‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آن‌ها بر اساس فقه شیعه و اسلام باشد.

جریان اسلام ناب نیز مانند دو جریان دیگر برای مبنای خود سه اصل اجتناب‌ناپذیر را عرضه می‌کند. ابتدایی‌ترین اصل اجتناب‌ناپذیر مبنای جریان اسلام ناب، لزوم تحقق هویت اسلامی برای دستیابی به زندگی بهتر است. همان‌طور که واضح است جریان اسلام ناب و فهم سنتی از اسلام در اصل اول اشتراک نظر داشته و هر دو در مقابل جریان روشنفکری قرار دارند.

باوجوداینکه جریان فهم سنتی از اسلام و اسلام ناب در اصل اول با یکدیگر مشترک هستند ولی در اصل دوم هر یک رأی و نظر متفاوتی دارند. جریان فهم سنتی از اسلام در اصل دوم خویش این راه را پیش گرفت که در فرایندهای جاری جامعه دو پرسه به نام‌های توسعه مادی و تکامل معنوی وجود دارد که دو عرصه جدای از هم می‌باشند. در مقابل جریان اسلام ناب معتقد است که حتماً و لاجرم تأثیرات توسعه مادی بر تکامل معنوی باید موردبررسی قرار گیرد. به عبارت بهتر بررسی تأثیرات توسعه مادی بر تکامل معنوی امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. جریان اسلام ناب بر این باور است که فراهم آوردن زمینه تکامل معنوی در صورت غفلت از توسعه مادی امری بس دشوار و صعب است؛ زیرا گاه برنامه‌ریزی برای توسعه مادی و رفاه‌ روزافزون افراد موجب تضییع تکامل معنوی شده و مانند سدی بر راه تحقق تکامل معنوی است.

جریان اسلام ناب با توجه به این دو اصل، اصل سوم خود را نیز مطرح می‌نماید. اصل سوم مبنای جریان اسلام ناب، اجتناب‌ناپذیری استنباط نظامات اجتماعی اسلام است. به عبارت بهتر با توجه به تأثیر مستقیم و بسیار بالای توسعه مادی بر تکامل معنوی و همچنین با عنایت به غربی بودن الگوهای توسعه مادی در حال حاضر و سیطره آن‌ها بر نظام برنامه‌ریزی کشور ایران باید نظامات اجتماعی اسلام در عرصه توسعه مادی استخراج شوند تا توسعه مادی نه‌تنها ضرری را متوجه تکامل معنوی نکند بلکه راه رسیدن به این هدف را هموار سازد؛ بنابراین در مقام تفقّه باید نظام‌سازی اسلامی به‌عنوان اصل و پایه کارها قرار داده‌شده و مشخص شود که نظامات اسلام برای بخش‌های مختلف جامعه اعم از اقتصاد، فرهنگ و سیاست چیست.

# 3. مراحل تکامل انقلاب اسلامی؛ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعۀ اسلامی و تمدن اسلامی

با توجه به مبنای صحیح نظام مبارک جمهوری اسلامی سؤال مهم آن است که محور برنامه­ریزی بر پایه مفاهیم موجود در هر مرحله از تکامل انقلاب اسلامی چیست؟ با نگاه به مفاهیم محوری انقلاب اسلامی و تحلیل دقیق آن‌ها درمی­یابیم که پایه اصلی برنامه­ریزی انقلاب اسلامی مفهوم «نظام‌سازی اسلامی»[[11]](#footnote-11) است. به عبارت دقیق­تر مقصد نهایی مراحل انقلاب اسلامی بسط و پیاده­سازی «نظام­سازی اسلامی» است. در این صورت برای تحقق اهداف و شاخص­های هویت اسلامی باید زمینه و شرایط نظام‌سازی را موردبررسی و دقت قرار داد.

از دیدگاه امام خامنه­ای (مدظله) به‌عنوان سکان‌دار حرکت انقلاب اسلامی، «نظام­سازی اسلامی» در پنج مرحله محقق خواهد شد. در هر مرحله باید شرایط و زمینه‌ها را برای تحقق «نظام‌سازی اسلامی» مهیا و موانع موجود برای تحقق نظام‌سازی را برطرف نمود. این مراحل طبق آنچه رهبر معظم انقلاب اسلامی بیان می­فرمایند، به ترتیب عبارت‌اند از: 1- مرحله‌ی انقلاب اسلامی 2- مرحله‌ی نظام اسلامی 3- مرحله‌ی دولت اسلامی 4- مرحله‌ی جامعه‌ی اسلامی 5- مرحله‌ی تمدن اسلامی.[[12]](#footnote-12) در ادامه تشریح هر یک از مراحل پنج­گانه فوق و نسبت آن با مفهوم نظام­سازی ارائه خواهد شد:

# 3.1. مرحله انقلاب اسلامی؛ انتقال اختیارات اجتماعی از غیر معتقدین، به دست معتقدین برای پیاده‌سازی شاخص­های هویت اسلامی بر اساس اسلام ناب

در مرحله‌ی اول یعنی مرحله انقلاب اسلامی، باید اختیارات لازم جهت «نظام‌سازی اسلامی» کسب شود. تکمیل زنجیره «نظام­سازی اسلامی» متوقف بر تأمین همه شرایط لازم برای اجرای احکام اسلام است و این امر بدون وجود اختیارات اجتماعی محقق نخواهد شد. در حلقه اول این زنجیره به‌عنوان انقلاب اسلامی که در سال 1357 محقق شد، اختیارات اجتماعی و حکومتی برای تحقق مبنای انقلاب، توسط مجاهدین و فقها کسب شد؛ پیش از وقوع انقلاب اسلامی، اختیارات اجتماعی به دست جریانی بود که به «نظام‌سازی اسلامی» و پیاده­سازی «شاخص‌های هویت اسلامی» (هدف انقلاب اسلامی) معتقد نبودند. با پیروزی انقلاب اسلامی اختیارات اجتماعی به دست فقهای شیعه -به زعامت امام خمینی که قائل به «نظام‌سازی اسلامی» بودند- قرار گرفت. بنابر‌این در گام اول اختیاراتِ لازم برای نظام‌سازی کسب شد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی، مرحله اول انقلاب را گرفتن اختیارات می‌دانند؛ یعنی امام خمینی (رحمه‌الله) در بدو شروع مبارزات خود بزرگ‌ترین کار را ایجاد انقلاب بر مبنای اسلام قرار داد.[[13]](#footnote-13) بر این اساس اولین مرحله انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (رحمه‌الله) شکل گرفت. اختیارات از غیر معتقدین به اسلام گرفته شد و در اختیار معتقدین به اسلام ناب قرار گرفت.

# 3.2. مرحله نظام اسلامی[[14]](#footnote-14)؛ تعریف هویت اجتماعی برای حضور در ساختارها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی

با توجه به تغییر پارادایم‌های اجتماعی در اثر تغییر جهت حرکت جامعه و ایجاد اولین حلقه‌ی تغییر رویکرد (انقلاب اسلامی)، تعریف هویت جدید بر اساس اسلام دومین مرحله درحرکت انقلاب اسلامی است که منجر به تثبیت انقلاب اسلامی شد. مرحله‌ی نظام اسلامی یعنی تعیین، تعریف و شکل­گیری هندسه و قواره‌ی اصلی حرکت به سمت تحقق اهداف اسلامی. ساختارسازی و برنامه­ریزی کلان یکی از مهم‌ترین موضوعات در شروع هر انقلابی است. بررسی­ها نشان می‌‎دهد مهم‌ترین موضوع در ابتدای هر انقلابی، چگونگی هویت بخشیدن و تثبیت آن نظام است.[[15]](#footnote-15)

بنابراین امام راحل (رحمه‌الله) در ابتدای مسیر انقلاب با تنظیم ساختارهای اولیه بر اساس دیدگاه اسلام ناب توجه ویژه‌ای به محرومین و ایجاد امنیت عمومی برای اداره جامعه نمودند و ازآنجاکه امور در زمان غیبت امام زمان به دست فقیه جامع‌الشرایط قرار می­گیرد؛[[16]](#footnote-16) ساختار سیاسی انقلاب اسلامی را بر اساس ساختار ولایت‌فقیه بنا نهادند.

اصول انقلاب اسلامی بر دو پایه بنانهاده شده است. اول مسئله ولایت‌فقیه و دوم حضور مردم در تمام صحنه­ها.[[17]](#footnote-17) به عبارت بهتر تبیین «مردم­سالاری دینی»[[18]](#footnote-18) معنای قانون اساسی ملت ایران است. تمام متغیرهای محوری انقلاب اسلامی برمبنای تعریف این دو پایه و نحوه­ی ارتباط این دو مشخص شده است. اصول حرکت انقلاب اسلامی در مقدمه قانون اساسی و تثبیت و حضور انقلابی مردم ایران در تمام صحنه­های چهار دهه­ی اخیر، مصداق مناسبی از این دو پایه در جمهوری اسلامی است.

امام خامنه­ای (مدظله) این مرحله را به مرحله نظام­ اسلامی تعبیر می‌نمایند؛ یعنی مرحله­ای که حکومت می‌تواند رابطه خود را با مردم و بالعکس شکل داده و پایه­های اصلی حکومت بر مردم را سازمان دهد. نکته حائز اهمیت آن است که مرحله نظام‌ اسلامی به معنای تغییر یا ایجاد ساختار در همه ارکان اداره‌کننده جامعه نیست، بلکه مرحله نظام اسلامی آغازی بر فرآیند تحول ساختارهای نظام به نفع شاخص­های هویت اسلامی است؛ امام خمینی (رحمه‌الله) در مسئله حفظ جهت‌گیر‌ی جامعه نهاد ولایت‌فقیه را پایه‌گذاری‌ نمودند. تغییر ساختار حوزه دفاعی و امنیتی کشور توسط امام راحل (رحمه‌الله) را می‌توان نمونه­ای موفق از «نظام­سازی اسلامی» دانست. راه‌اندازی نهادهایی همچون کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی و بنیاد مسکن نمونه­ دیگر از نظام‌سازی در جهت بسط عدالت اجتماعی و محرومیت‌زدایی بود؛ نمونه نظام­سازی در حوزه تقنین و تنظیم و تصویب احکام اداره جامعه، ایجاد شورای نگهبان بود؛

# 3.3. مرحله دولت اسلامی؛ دستیابی به دولت اسلامی یعنی تغییر ساختارهای اداره جامعه بر مبنای دین

مرحله سومی که رهبر معظم انقلاب برای دستیابی به انقلاب اسلامی، پس از تشکیل حکومت و تشکیل نظام اسلامی ترسیم می­نمایند، دستیابی به دولت اسلامی است. تفاوت مرحله‌ی دولت اسلامی و نظام اسلامی در بسط مفهوم نظام‌سازی به‌صورت اجمالی و تفصیلی است؛ به این معنا که در آغاز انقلاب اسلامی، به دلیل محدودیت در ظرفیت‌ها و شرایط -مانند تهدیدهای بالفعل و بالقوه و یا عدم تثبیت انقلاب اسلامی در فضای بین‌المللی- و همچنین با توجه به ظرفیت‌های محدود فکری، «نظام‌سازی اسلامی» در عمل، به‌صورت اجمالی محقق شد. پس از تثبیت نظام اسلامی، طبیعتاً مفهوم «نظام‌سازی اسلامی**»** را باید به بخش‌های مختلف جامعه بسط داد و بخش‌های محقق شده را نیز باید از اجمال خارج و به‌طور تفصیلی محقق نمود.

# 3.4. مرحله جامعه اسلامی؛ تشکیل جامعه­ای بر مبنای اسلام

مرحله چهارم انقلاب اسلامی مرحله­ای است که شاخص­های هویت اسلامی به‌طورکلی در ساختارهای اداره کشور نهادینه شده است و نوبت آن خواهد بود که جامعه بر مبنای شاخص‌های اجتماعی اسلام طی مسیر نموده و عمل به احکام اسلام، نزد مردم، مطلوب و کارآمد باشد؛ اما چالش مهم اینجاست که چگونه می‌توان یک جامعه را بر اساس شاخص‌های هویت اسلامی، معماری نمود؟

با توجه به احصاء شاخص­های هویت اسلامی در مرحله پیشین و نمایش کارآمدی برنامه‌ریزی بر اساس اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌توان ادعا نمود که بدنه اجتماعی، متأثر از تثبیت کارآمدی شاخص‌های اسلامی در تشکیل جامعه اسلامی مشارکت خواهد نمود و این موضوع، مقدمه‌ای است بر نهادینه شدن سبک زندگی اسلامی.

با این پیش‌فرض، تدوین نظامات اجتماعی اسلام ابزار تحقق «شاخص‌های هویت اسلامی» در جامعه خواهد بود؛ تکمیل نظام‌سازی اسلامی در مرحله جامعه اسلامی که به‌تبع آن امکان عبور از این مرحله‌به‌مرحله تمدن اسلامی فراهم خواهد شد را باید با توجه به تحولات جامعه و محوری‌ترین چالش انقلاب اسلامی در این مرحله انتخاب نمود.

با توجه به احصاء قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و همچنین محورهای پیشرفت جامعه در مرحله دولت اسلامی، می‌توان با طبقه‌بندی چالش‌ها و پاسخ‌های مرتبط با هر چالش، بانکی از مسائل و همچنین استفساریه‌های احتمالی در اداره جامعه را ایجاد نمود تا بر اساس آن نخبگان داخلی و خارجی به مسائل موجود در این بانک پاسخ داده و یا موجب بهینگی راه‌حل‌های مفروض در این بانک شوند.

هم‌اکنون الگوی توسعه با تنظیم مناسبات ساختارهای علمی و پژوهشی و کنترل جهت پژوهش‌ها در سراسر قلمرو گسترده تحلیلی خود، به دنبال یافتن راه‌حل مشکلات موجود در نظامات خود است. ابزارهای در دسترس این الگو سعی در بسط و توسعه شاخص‌های مادی در دنیا دارد و از سوی دیگر کشورها را ازنظر توانمندی پاسخ به‌نظام مسائل خود موردسنجش قرار داده و آن‌ها را بر این اساس طبقه‌بندی نموده و مورد ارزیابی قرار می­دهد.[[19]](#footnote-19) خلاصه آنکه توانایی پاسخ­ به مطالبات اجتماعی جامعه­ی اسلامی زمینه­سازی ایجاد تمدن عظیم اسلامی به محوریت جمهوری اسلامی را در پی خواهد داشت.

# 3.5. مرحله تمدن نوین اسلامی؛ نمایش کارآمدی الگوی اسلامی اداره جامعه در جهان و تکثیر این الگو در دنیا در مرحله امت اسلامی

مرحله امت اسلامی یا تمدن نوین اسلامی نیز زمانی محقق خواهد شد که کارآمدی الگوی پیشرفت اسلامی به عینیت رسیده باشد. یکی از مهم‌ترین وجوه این کارآمدی، تأثیر آن بر دیگر جوامع در دنیا و ایجاد انگیزه در جهت بومی‌سازی و به‌کارگیری این الگو است. در سطح محدود و به‌صورت نمونه در برخی حوزه‌ها می‌توان تکثیر مدل‌های مقتبس از انقلاب اسلامی را مشاهده نمود. فعالیت‌های مبتنی بر مشارکت مردمی در برخی کشورهای منطقه و یا انگیزه لازم در جهت الگوبرداری از نظام سیاسی جمهوری اسلامی ازجمله این موارد است.

مرحله‌ی تمدن نوین اسلامی در حقیقت عینیت یافته‌ی کامل «نظام‌سازی اسلامی» است. این الگو مبتنی بر شاخص‌های هویت اسلامی است و این شاخص‌ها بر پایه فطرت انسان شکل‌گرفته‌اند. یکی از علل جذابیت شاخص‌های هویت اسلامی، توجه ویژه به فطرت انسان به‌عنوان یک عامل غیرقابل‌انکار در انعکاس رفتارهای وی است. از سوی دیگر این الگو برآمده از وحی و مبتنی بر آراء و روایات منسوب به اهل‌بیت - علیهم‌السلام- است. درنتیجه می‌توان ادعا نمود که در مرحله تمدن اسلامی، نظام فکری اهل‌بیت - علیهم‌السلام - زمینه‌ی تکثیر در جهان مستضعفین و دنیای اسلام را فراهم می‌آورد. به همین دلیل نام دیگر مرحله‌ی تمدن اسلامی، امت اسلامی است.

# 4. موضوعات انتقال انقلاب اسلامی؛ شناسایی و تشخیص اولویت‌های هر مرحله و تمرکز بر آن‌ها

بعد از بحث در مورد چیستی و معرفی ویژگی‌های هر یک از مراحل باید در نظر گرفت که در عبور جامعه از هر مرحله‌به‌مرحله بالاتر چه مؤلفه‌هایی مؤثرند و اصولاً چگونه باید به مدیریت تحولات پرداخت که نتیجه آن، حرکت جامعه به سمت مرحله بعدی انقلاب اسلامی و در نتیجه ارتقاء آرمان‌های انقلاب شود؟ به‌طور خلاصه موضوع انتقال از هر مرحله انقلاب به مرحله بالاتر چیست که در صورت رفع موانع تحقق آن موضوع، درک جامعه از آرمان‌ها و جهت‌گیری‌های کلان انقلاب اسلامی افزایش خواهد یافت؟ درک صحیح از این سؤال و ارائه پاسخ شفاف و کلان به آن می‌تواند یکی از بزرگ‌ترین گره‌های ذهنی نخبگان انقلاب اسلامی را بگشاید. وضوح تحلیلی گذشته، حال و آینده تاریخی انقلاب اسلامی بر مبنای جهت حرکت انقلاب، حلقه مفقوده‌ای در بین تحلیل گران جبهه انقلاب اسلامی است که فقدان آن موجب بروز ناپایداری در پیاده‌سازی اصول اساسی انقلاب اسلامی در همه بخش‌ها شده است. عدم تسلط به مؤلفه‌های اصلی مبنای انقلاب اسلامی و در نتیجه ارائه تحلیل‌های متضاد و گاه معارض و در نتیجه اتخاذ راهبردهای ناهم‌سو با جهت حرکت انقلاب اسلامی موجب عدم هماهنگی نخبگان در جبهه انقلاب اسلامی شده و در نتیجه هم‌افزایی خاصی برای پیاده‌سازی اهداف انقلاب ایجاد نمی‌شود.

در مورد موضوع انتقال باید بیان داشت که تعریف مفهومی موضوع انتقال به‌صورت اجمالی آن است که در هر مرحله از مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی، یک مانع خاص و بزرگ بر سر پیاده‌سازی شاخص‌های هویت دینی و حفظ جهت حرکت انقلاب اسلامی وجود دارد که مجموعه‌ی برنامه‌ریزی‌های انقلاب در آن مرحله باید معطوف به حذف آن مانع باشد. درواقع باید بر روی موضوعی که موجب حذف موانع پیاده‌سازی اهداف انقلاب در آن مرحله است متمرکز شد. به بیان ساده، موضوع انتقال یعنی شناسایی و تشخیص اولویت‌های هر مرحله و تمرکز بر آن‌ها؛ عدم فهم موضوعات انتقال و شناسایی غلط این موضوعات در هر مرحله موجب جهت‌گیری غلط در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی خواهد شد. معنای این عبارت آن است که سیر برنامه‌ریزی‌ها و اختصاص منابع مالی، انسانی و اجتماعی به سمتی غیر از تثبیت مبنای انقلاب اسلامی سوق داده خواهد شد و درنتیجه ضرر جبران‌ناپذیری به حرکت انقلاب اسلامی وارد خواهد آمد. پردازش اجتماعی و در اولویت قرار دادن یک از این موضوعات، انتقال نظام به مرحله بالاتر را رقم خواهد زد. بدیهی است که ملاک تشخیص این موضوعات، تعاریف مقتبس از "مبنای انقلاب اسلامی " است.

# 4.1. تئوری مترقی ولایت‌فقیه، اولین موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی

نگاه به تاریخ مبارزات انقلاب‌ها چه در ایران و چه در کشورهای مختلف دنیا نمایشگر آن است که تعیین نوع حکومت و ارتباط حاکمان با بدنه جامعه و همچنین نخبگان به‌عنوان موتور پیش برنده حرکت جامعه همواره به‌عنوان دغدغه محوری رهبران این انقلاب‌ها بوده است. بررسی تاریخ مشروطه در ایران و حوادثی که بر سر تعیین جهت حرکت مشروطه و نقش دین در مدیریت تحولات این حادثه عظیم، مؤید این موضوع مهم است. همچنین در بررسی انقلاب‌های سده اخیر در دنیا نیز اختلاف بر سر نوع حکومت به‌عنوان نماد تنظیم مناسبات حاکمان با بدنه جامعه و طیف نخبگان به‌وضوح قابل‌مشاهده است. تحلیل تاریخ انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه، چین، انقلاب‌های آمریکای لاتین و ... همه و همه نشان از اهمیت این موضوع دارد.

مطالعه تاریخ ابتدای انقلاب به‌وضوح نمایانگر اختلاف عمیق جریان‌های انقلابی در مورد تعیین نوع حکومت است. جمهوری ایران، جمهوری دموکراتیک، جمهوری دموکراتیک اسلامی و ... از برجسته‌ترین خواسته‌های تعیین نوع حکومت از سوی جریان‌های مختلفی و مؤثر ابتدای انقلاب اسلامی بود؛ اما دقت در بیانات و مواضع امام خمینی به‌عنوان بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که ایشان هدف اصلی انقلاب را اقامه کلمه اسلام در جامعه دانسته و معتقد بودند که «اسلام توانایی اداره جامعه را دارد.» اولویتی که امام خمینی همواره خود را ملزم به رعایت آن می‌دانستند، تبیین حکومت اسلامی بود. به همین دلیل ایشان در پاریس، پس از درخواست نخست‌وزیر وقت مبنی بر شرکت در انتخابات، فرمودند: «اسلام خودش حکومت دارد.» درنتیجه در برابر تمامی هجمه‌ها در تعیین نوع حکومت ایستاده و تئوری ولایت‌فقیه را وارد ساختارهای حکومتی نمودند. اگر درس خارج امام خمینی پیرامون تبیین تئوری ولایت‌فقیه در سال‌های پیش از انقلاب و تلاش­های بسزای شاگردان ایشان ازجمله امام خامنه‌ای، شهیدان بهشتی، مطهری، مرحوم آیت­الله ­سید ­منیرالدین حسینی هاشمی و... برای تثبیت تئوری ولایت‌فقیه نبود، ایجاد جمهوری اسلامی به‌عنوان حکومت جایگزین غیرممکن بود. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی در مقابل پیشنهادهای جریان‌های مختلف در مورد نوع حکومت، فرمودند: «جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر»[[20]](#footnote-20) و این به خاطر وجود تئوری جایگزین بود.

# 4.2. دفاع مقدس؛ موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی

مانع دوم در جهت حفظ، تثبیت، ارتقاء جایگاه اهداف انقلاب اسلامی پس از تشکیل «نظام ­اسلامی»، عدم تثبیت آن در داخل و خارج از کشور بود. عوامل استقرار حکومت به‌صورت عمده دودسته‌اند: اولاً پذیرش حکومت تشکیل‌شده در محیط بین­المللی و ثانیاً وجود کادر کار­آمد داخلی و مبتنی بر تفکر محوری حکومت به‌صورت گسترده و در مقام برنامه­ریزی.

با تقدیر خداوند متعال و ایجاد یک حادثه بزرگ و بی‌نظیر، دو مانعِ موجود بر سر راه تثبیت نظام نوپای جمهوری اسلامی برطرف شد. این حادثه عظیم که از آن به دومین موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی یاد می‌شود عبارت است از دفاع مقدس.

با توجه به پیروزی انقلاب اسلامی و گستره جهانی شعارهای این انقلاب، دنیا به دودسته‌ی سلطه­گر و سلطه­پذیر تقسیم شد؛ ایستادگی 8 ساله یک حکومت تازه تأسیس در برابر دنیای سلطه از یک‌سو موجب ایجاد شوق و انگیزه در دل ملت‌های مستضعف شد و از سوی دیگر حس خیزش در برابر نظام سلطه را در دل این ملت‌ها بیدار نمود. از طرفی مواضع مستکبرین دنیا با نظام مبارک جمهوری اسلامی به‌خوبی شفاف شد. همین علاقه­مندی موجب تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران در فضای بین­­المللی شد. از طرف دیگر، وقوع جنگ و ایستادگی انقلابیون در برابر هجمه‌های سنگین استکبار جهانی به مدت 8 سال، موجب رقم خوردن سه اتفاق مهم شد. نخست آنکه حس توانایی «بقا» در دل ملت مسلمان و مظلوم ایران رشد چشمگیری یافت. دوم آنکه نیروهای انقلاب در کوران دفاع مقدس، به‌واسطه فشار جنگ بر امور کشور به توانمندی‌های بی‌نظیری در مدیریت تحولات دست‌یافتند به‌گونه‌ای که این نیروها پس از بازگشت از جنگ، موتور محرک برنامه‌ریزی‌های جهادی انقلاب اسلامی در بخش‌های مختلف شدند. زیر­ساخت توان تکنولوژیک نظام -در هوافضا و موشکی، بخش نانو و بخش‌های مختلف- به لحاظ روحی و عملی در جنگ بنا نهاده شده است.

# 4.3. تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و ترمیم نظام برنامه‌ریزی، موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی

پس از نمایش توانمندی نظام اسلامی در حفظ و حراست از قلمرو و مفاهیم خود و تثبیت این موضوع به‌وسیله پیروزی در دفاع مقدس نوبت به آن رسید که ساختارهای اداره‌کننده جامعه در نظام مبارک جمهوری اسلامی بر اساس مبانی دینی و شاخص‌های هویت اسلامی به برنامه‌ریزی و پیاده‌سازی اهداف انقلاب اسلامی بپردازند. مانع بزرگ در این مرحله وجود نظامات برنامه‌ریزی توسعه در جهت تعیین جهت حرکت کشور و تعیین نقش برای نظامات اداره‌کننده جامعه بود.

نوع برنامه‌ریزی در الگوی توسعه، ضد مبنای حاکم بر مفاهیم انقلاب اسلامی است. الگوی «توسعه غربی» شامل مجموعه مفاهیمی است که منجر به تولید برنامه‌ریزی مدرن می‌شود. در صورت اولویت نقد این مفهوم بر پایه مبنا و مفاهیم انقلاب اسلامی و حرکت به سمت تولید الگوی جایگزین مقدمات انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله نظام اسلامی فراهم می‌شود. به همین علت است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در آغاز امامتشان بر روی مفاهیمی مانند عزت، حکمت، مصلحت و یا عدالت اجتماعی تأکید نموده و به‌نقد مفاهیم توسعه پرداختند تا جامعه و ذهن نخبگان به درک ضدیت مفاهیم توسعه با مبنای انقلاب اسلامی برسد.

نظام اسلامی به دنبال تحقق شاخص‌های هویت اسلامی است و در حال حاضر در مرحله‌ی سوم تحقق این شاخص‌ها و در حال حذف مانع سوم پیش روی انقلاب اسلامی است؛ حذف مانع سوم پیش روی انقلاب اسلامی وابسته به جدیت در فرآیند تولید الگوی پیشرفت اسلامی است. ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که نقطه آغاز فرآیند تولید الگوی پیشرفت اسلامی به‌عنوان سومین موضوع انتقال، نقد نظام معادلات حاکم بر الگوی توسعه است[[21]](#footnote-21).

یکی از ابهامات برخی از نخبگان انقلاب اسلامی در مورد موضوع محوری مرحله دولت اسلامی است. برخی از این نخبگان معتقدند که تولید نرم‌افزارهای اداره جامعه و همچنین ایجاد ساختارهای جدید بر مبنای انقلاب اسلامی از مرحله دوم یعنی مرحله نظام اسلامی آغازشده است.

در صورت عدم توانمندی نظام کارشناسی کشور در جهت تولید الگوی پیشرفت اسلامی و نقد و حذف نظامات مبتنی بر توسعه، انقلاب اسلامی هیچ‌گاه نمی‌تواند از مرحله دولت اسلامی عبور نموده و به مرحله جامعه اسلامی دست یابد و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نقشه راهی است در جهت نیل به این مقصود.

# 4.4. بانک اطلاعات اسلامی، موضوع انتقال از مرحله جامعه اسلامی به مرحله امت (تمدن) اسلامی

در صورت موفقیت در تولید و پیاده‌سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انقلاب اسلامی از مرحله دولت اسلامی عبور نموده و وارد مرحله جامعه اسلامی خواهد شد؛ مرحله‌ای که تمامی مناسبات و ارتباطات اجتماعی بر مبنای شاخص‌های دینی قابل‌تعریف و پیاده‌سازی است. همچنین تحولات بر مبنای احکام اجتماعی اسلام، مدیریت و هدایت خواهد شد.

اما با توجه به این‌که هدف غایی انقلاب اسلامی، ایجاد تمدن یا به تعبیر امام خامنه‌ای، امت اسلامی است، بسنده کردن به تنظیم مناسبات در داخل مرزهای جمهوری اسلامی، مغایر با ایجاد تمدن اسلامی است و درنتیجه پس از ایجاد یک جامعه اسلامی در داخل مرزهای جمهوری اسلامی ایران، باید به فکر بسط و گسترش الگوی جامعه سازی اسلامی در کشورهای اسلامی و سپس در جهان مستضعفین بود. از سوی دیگر دقت در این نکته حائز اهمیت است که نفس ایجاد یک جامعه اسلامی به دلیل کارآمدی آن در هدایت و پیشرفت افراد جامعه، برای دیگر جوامع – اعم از مسلمان و غیرمسلمان - جذاب و محل رجوع خواهد بود لذا جامعه اسلامی با بانکی از سوالات مواجه خواهد بود.

همچنین به‌طورقطع می‌توان ادعا نمود که مفهومی از جامعه اسلامی مدنظر انقلاب است که الگوهای هدایت جامعه در آن، قابل‌استفاده و تکثیر در جهان اسلام و جهان مستضعفین باشد. درنتیجه می‌توان این‌گونه بیان نمود که نسخه اولیه الگوی اسلامی -در دوران جامعه اسلامی- به معماری اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در بخش‌های مختلف اداره جامعه می‌پردازد و سپس بر اساس این الگو و مطابق با شاخص‌های مدون در آن، فرایند تصمیم سازی و اداره جامعه در جهان اسلام و ملت‌های مستضعف در سراسر عالم تغییر خواهد کرد و به این به معنای ارائه ای از بانک اطلاعات اسلامی به کشورهای دیگر است و تعریف دقیق و متقن آن بسیار حائز اهمیت است.

نمونه‌ای از روند تغییر تصمیم دریکی از بخش‌های اداره جامعه در جبهه مقاومت قابل‌مشاهده است. شاخص‌های امنیتی و دفاعی تولیدشده در جمهوری اسلامی که مقتبس از شاخص‌های هویت دینی است، امروز به محور مقاومت منتقل شده است و کشورهای جبهه مقاومت بر اساس مدل دفاعی و امنیتی جمهوری اسلامی در برابر هجمه سنگین استکبار جهانی ایستاده و در حال مقاومت هستند؛ دلیل این واقعیت که غربی‌ها نتوانسته‌اند در جنگی 5 ساله، کشور سوریه را به‌زانو درآورند آن است که ارتش سوریه -با مشورت مستشاران نظامی جمهوری اسلامی ایران- موفق به طراحی یک بسیج مردمی در سوریه علیه متجاوزین شده است. این الگو، پیش‌ازاین در جریان حوادث دفاع مقدس، طراحی و عملیاتی شده بود.

# فصل دوم:

# دوران تحول و شکل‌گیری جریان نوین حکمرانی؛ چالش ها و لوازم تحول در دوران حساس کنونی

# مقدمه

مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری «تحول‌خواهی، تحول انگیزی و تحول‌آفرینی» از مهم‌ترین خصوصیات امام راحل عظیم‌الشأن بوده و برای زنده ماندن انقلاب باید با درس‌آموزی از این ویژگی نرم‌افزاری و عملیاتی امام، رویکرد تحولی و گرایش پرشتاب به «بهتر شدن و حرکت جهشی» را، در همه زمینه‌ها بخصوص «در زمینه‌هایی که بی‌تحرکی یا عقب‌گرد داشته‌ایم با جدیت دنبال کنیم»[[22]](#footnote-22) از سویی دیگر دوران امروز با توجه به شرایط داخلی انقلاب اسلامی و شرایط نظام بین‌الملل در حال شکل‌گیری یک تحول جدی در حوزه حکمرانی است. جمهوری اسلامی در برهه کنونی با توجه به تحولاتی که در ادامه بیان خواهد شد باید بتواند اولاً حکمرانی مطلوب خود را تعریف و ثانیاً این حکمرانی را به محیط اجتماعی جامعه ترجمه سازد چرا که تحولات دوره جدید به شدت پیچیده، سریع و دارای بازیگران متعدد داخلی و خارجی است.

در این بخش تحولات دوران امروز مرور و لزوم تغییر مبتنی بر مدیریت تحولات در جمهوری اسلامی مشخص گردیده است که در این بین نقش نهادهای انقلابی به عنوان نهادهای پشتیبان و پیشبرنده انقلاب اسلامی نقش بسیار مهم، حساس و حیاتی خواهد بود.

# 1. حیاتی‌ترین نیاز انقلاب اسلامی در موقف کنونی؛ ایجاد یک تحول بنیادین در بدنه اجتماعی و سپس حاکمیتی مبتنی بر ذات تحول‌خواهی انقلاب اسلامی

در ابتدا باید گفت انقلاب اسلامی در ذات خود اتفاقی تحول‌خواهانه است؛ تحولی که در قدم نخست به دنبال انقلاب درونی و باطنی امام امت مواج شد و با تحریک غریزه‌های معنوی و سرشت انسانی توده‌ها، طوفانی را در اقیانوس روحی مردم به راه انداخت. هویت ایرانی - اسلامی ایران، کانونی‌ترین ظرفیت تحول انگیزی بود که حضرت امام باید از آن به‌عنوان محور انقلاب روحی مردم بهره‌گیری فرمود.

انقلاب با تکیه بر همین ویژگی ذاتی‌اش دائم در معرض دگرگونی است؛ اما برخی از برش‌های تاریخی یا مواقف اجتماعی، کاملاً اقتضای یک تحول بنیادین را دارا هستند. در تقسیم‌بندی راهبردی انقلاب عموماً ظرف این تحولات را به‌عنوان مراحل صیرورت انقلاب می‌شناسند همچنان که در پیش‌نیاز دوم بدان اشاره شد.

از سوی دیگر، طرحی که انقلاب اسلامی برای سامان دادن به جایگاه خود در جهان اسلام، از خود ارائه داده است و سال‌ها برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های کلان خود را معطوف به آن ساخته است، مسئله «الگوسازی ایران» است. وقتی‌که یک الگوی کامل از یک نظام پیشرفته و کارآمد اسلامی شکل بگیرد، همه ارزش‌های انقلاب با جامعیت به اقطاب جهان اسلام صادر می‌گردد.

همه جذابیت‌هایی که تاکنون انقلاب اسلامی برای ملل اسلامی داشته است، تراز شدن در معیارهای حاکمیتی است؛ امروز شکل‌گیری جریان مقایسه وضعیت علمی و فناوری ایران با کشورهای همسایه بلای جان برخی از حکام مستبد آن شده است و ریشه بسیاری از خصومت‌هایشان با جمهوری اسلامی و فعالیت‌های گسترده رسانه‌ای برای ناکارآمد جلوه دادن ایران را باید در همین افق تحلیل نمود.

لذا تبدیل ایران به یک نظام پیشرفته اسلامی، کانونی‌ترین مطالبه رهبر انقلاب از جوانان در گام دوم انقلاب اسلامی بوده است: «اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به‌سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است؛ باید با همت و هوشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند»[[23]](#footnote-23). این مهم، عمیق‌ترین عنصر در چالش امروز انقلاب اسلامی با جبهه استکبار هست:

«از طرف دیگر، مبارزه جبهه کفر و استکبار با جمهوری اسلامی، برای این است که یک الگو به وجود نیاید. ما بسیاری از مشکلاتی هم که تا امروز داریم، به خاطر همین است؛ [یعنی] کارشکنی‌هایی شده برای اینکه آن الگوی جذاب برای ملت‌ها به وجود نیاید. ما از این کارشکنی‌ها نمی‌توانیم صرف‌نظر کنیم، یا این‌ها را ندیده بگیریم؛ این‌ها وجود داشته، الآن هم وجود دارد؛ بنابراین یکی از زاویه‌های دید ما نسبت به موقعیت کشور، به این قضیه برمی‌گردد که بدانیم جمهوری اسلامی درگیر یک چنین نبرد سیاسی، نبرد فکری، نبرد نرم و جنگ نرم و احیاناً برخوردهای سخت با جبهه‌ی وسیع ظلم و کفر و استکبار است»[[24]](#footnote-24). پرواضح است که پیش‌نیاز واقعی برای تبدیل ایران به الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی و ورود به سومین مرحله از مسیر حرکت، تنها و تنها پدیدار شدن یک تحول بنیادین در بدنه اجتماعی و سپس حاکمیتی است. از همین رو، می‌توان حیاتی‌ترین نیاز موقف کنونی انقلاب را «شکل‌گیری یک تحول» اعلام نمود.

# 2. زمینه‌های ایجاد تحول و لوازم آن

شکل‌گیری تحول عمیق وابسته به وجود قابلیت‌هایی برای تحقق آن است، بسیاری از قرائن قطعی نشان می‌دهد که جامعه امروز ما به‌شدت استعدادها و زمینه‌های رقم زدن یک تحول بنیادین را داراست. وجود همین قابلیت‌ها را می‌توان اصلی‌ترین انگیزه برای صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی دانست. اگر نظر امام جامعه بر این است که زمانه پیش رو، مناسب‌ترین موقف برای دگرگونی است، بی‌شک محوری‌ترین زمینه‌های برای وقوع آن فراهم آمده است.

باید توجه کرد سه عامل نخست عوامل مهم و اساسی است که لزوم تحول در بدنه حکمرانی جمهوری اسلامی را الزامی می سازد و بقیه عوامل نیز در طی سال های پربرکت انقلاب اسلامی باعث آمادگی بیشتر و سرعت در ایجاد تحول را منجر می گردد.

# 2.1.حلول سده جدید شمسی

تغییرات تقویمی فارغ از آنکه حکایتگر دگرگونی‌های واقعی در عالم باشند، قطعاً محمل القائات انسانی هستند. آحاد بشری از مبادی تقویمی به‌عنوان مبادی تحول، معنایابی می‌کنند. این ایام، در آستانه آغاز سده پانزدهم شمسی قرارگرفته‌ایم و طبیعتاً این بستر، القائات شدیدتری برای دگرگونی خواهد داشت. در دوران انقلاب اسلامی این اولین تجربه تغییر قرن محسوب می‌گردد؛ حتماً ارتکازات اجتماعی مردم ایران نیز آمادگی یک دگرگونی را خواهد داشت. این موضوع مابه ازای تجربه ای و بین‌المللی نیز دارد زمانی که هزاره جدید در حال شکل‌گیری بود تمدن غربی حکمروایی جدید خود را شروع کرد و نمونه‌ای از آن را می‌توان در صدور سند توسعه هزاره (MDGs[[25]](#footnote-25)) دید که در سازمان ملل بر سر آن توافق شد و حکمرانی نوین غربی ها آغاز گردید.

# 2.2. ابلاغ بیانیه گام دوم و تثبیت انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در مسیر صیرورت خود، در حال برداشتن دومین گام حرکتی خود می‌باشد. یکی از دلالت‌های قدم نهادن انقلاب در گام دوم، تثبیت آن به‌عنوان یک پدیده اجتماعی است. وقتی صحبت از پشت سر گذاشتن گام اول می‌شود، این معنا متبادر است که شرایط ابتدایی نهضت، استقرار کاملی یافته است و اکنون برای حرکت روبه پیش، به تدابیر متفاوت‌تری نیازمند است که برای تشریح آن بیانیه‌ای با عنوان «گام دوم انقلاب اسلامی» انتشار می‌یابد. تثبیت وضعیت انقلاب و عبور از گام اول آن، بهترین نوید برای یک تحول امیدآفرین است.

# 2.3. فراخوان امام خامنه‌ای برای اجرای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از آغاز قرن پانزدهم

در پی تدوین الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت امام خامنه‌ای همه صاحب‌نظران را برای تکمیل و ارتقای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فراخواندند تا بدین‌وسیله الگوی پیشرفت برای پنجاه سال آینده ترسیم و در نظر گرفته شود. بطوریکه «پس‌ازآن، برای آماده شدن همه‌ی دستگاههای کشور و کمک عمومی مردم برای اجرای الگو، زمانی اختصاص خواهد یافت، بطوری‌که ان‌شاءالله از ابتدای قرن پانزده هجری شمسی اجرای الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی با مقدمات کافی و سرعت مطلوب آغاز شود و امور کشور بر مدار آن قرار گیرد»[[26]](#footnote-26). این امر ملت را بیش‌ازپیش آماده تحول در عرصه‌های فکر، علم، معنویت و عرصه زندگی می‌گرداند.

این فرمان به قدری مهم و اساسی است که برای اولین بار به دنباله برهم زدن شالوده حکمرانی مبتنی بر نظامات غربی در اداره جامعه و قرار دادن پایه های مبتنی بر اساس اسلام ناب محمدی است و اساساً فراتر از یک ابلاغ یا سند بالادستی تلقی می گردد.

# 2.4. ناامیدی از کارآمدی تجدد و توسعه غرب‌گرا

جریان غرب‌گرا یا جریان منسوب به توسعه در ایران، یک جریان به نسبت ریشه‌دار و البته متنوع است که پس از دوره قاجار ظهور و بروز یافت. عمده غرب‌گرایان با تمام تمایزات خاص خود در این اصل اساسی هم‌نظرند که نمی‌توان تصور اداره یک کشور با برنامه‌های اسلامی را داشت که این ناتوانی یا به ذات اسلام یا به اقتضائات تمدنی بازمی‌گردد. تمدن غرب را سرنوشت مختوم قرن می‌دانند و همه فرآیندهای جهانی را در بستر این تمدن تحلیل می‌نمایند.

جریان کارشناسی غرب‌گرا هیچ‌گاه از متن مدیریتی دور نبوده‌اند و عمده گلوگاه‌های تدبیر جامعه را در اختیار داشته‌اند؛ در دهه‌های گذشته تلاش‌های گسترده‌ای برای نزدیکی شدید به غرب به بهانه‌های مختلف صورت گرفته است که امروزه به اذعان همه عقلای ایران این پروژه‌ها نه‌تنها با شکست کامل مواجه شده است بلکه ثمره‌ای جز خسارت محض برای ایرانیان و آشکار شدن هر چه بیشتر دشمنی‌های غرب به ارمغان نیاورده است. از همین رو، این شرایط، بیش از هر زمان دیگری، فرصت را برای رویگردانی مطلق ایران از غرب و غرب‌گرایان فراهم آورده و در این بستر واقعی است که می‌توان همه جذابیت‌های کاذب قرابت با غرب و اداره کشور با دانش و نرم‌افزارهایش را از قلوب و اذهان بدنه اجتماعی زدود و تمام حواس ملت را به سمت مسیرهای بدیل رهنمون ساخت.

# 2.5. آمادگی نسل جدید انقلاب برای قیام

«اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده‌ی ناچیز مایلم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم.»

«اما راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به‌سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشوار گذشته‌ها نیست، باید با همت و هوشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند؛ از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره گیرند؛ نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.»

«دهه‌های آینده، دهه‌های شما است و شمایید که باید کارآزموده و پرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظما ارواحنا فدا است، نزدیک کنید.»[[27]](#footnote-27)

در بیانیه، نزدیک به چهل بار از «جوان ایرانی» نام‌برده شد و در بیست مورد از آن، امید و اعتماد رهبر انقلاب، نثار جوانان و آینده‌سازان ایران گردید. جمله «جوانان باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند» و عبارت «اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را بااحساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید»، مشخص می‌نماید که مهم‌ترین خطاب، برای «اعلان جهاد» و فراخوانی شانه‌هایی است که بایستی برای تحول پیش رو، زیر بار مسئولیت بروند.

روشن است که تحول، غیر از اراده و ایده، عامل و کارگزار می‌طلبد؛ لذا وقتی‌که زمینه ورود چنین نسلی وجود داشته باشد، طبیعتاً یکی از لوازم لاینفک فراهم است؛ از سوی دیگر، خروج از رکود و تحول‌خواهی، ویژگی ذاتی دوران جوانی است و همین خصلت می‌تواند موتور پیشران یک تغییر جدی باشد. در شرایط فعلی، مخاطب گرفتن جوانان و دعوت از آنان برای به دوش گرفتن صحنه انقلاب باز کردن راه به‌سوی جریانی است که ساخت آینده را با تأکید بر حضور تاریخی انقلاب اسلامی جستجو می‌کند. اگر این جریان در وسط میدان بیاید، وقوع تحول قطعی است.

# 2.6. فرسودگی و احتضار تمدن غرب

«یکی از نقاط امید، فرسودگی جبهه مقابل ما است. بنده به‌طور قاطع می‌گویم که امروز تمدن غربی دچار انحطاط است؛ یعنی واقعاً در حال زوال است؛ «عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِی نَارِ جَهَنَّمَ» ؛ امروز لب گودال است، این‌جوری است». «حوادث و تحولات جوامع به‌تدریج اتفاق می‌افتد؛ یعنی زود احساس نمی‌شود. حتی خود اندیشمندان غربی این را احساس کرده‌اند و بر زبان می‌آورند و می‌گویند. این هم یکی از نقاط امید امروز ماست. تمدن غربی، تمدن مادی در مقابل ما قرار دارد و رو به فرسودگی است. این هم یکی از نقاط امیدبخش است»[[28]](#footnote-28).

درست است که غرب در طول دو سده گذشته، با غرور و استکبار سخن از پایان تاریخ می‌زد، ولی امروز با واقعیاتی روبه‌روست که حتی صدیق‌ترین دوستان داخلی آن‌ها هم قادر به انکار آن نیستند. مخدر وابستگی به همین تمدن و ترس از چالش با آن، یکی از موانع اصلی برای در مدار قرار دادن الگوهای پیشرفت انقلاب اسلامی بوده است؛ طبیعی است که با کاهش قدرت نرم آن، شرایط برای قطع امید از آینده داری آن و تکیه و بر ایده‌های بومی آماده می‌شود و این مهم، خودش از پیش‌فرض‌های تحول مورد انتظار در زمانه امروز انقلاب است؛ لذاست که افول تمدنی غرب، یکی از زمینه‌سازان وقوع تحول برای ما است.

# 3. چالش‌های امروز انقلاب اسلامی و الزام تحول در حکمرانی

بی‌تردید شکل‌گیری دوران تحول در راستای عبور از چالش‌هایی است که انقلاب اسلامی با آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند البته بیان این چالش‌ها به این معنی نیست که جمهوری اسلامی در این عرصه‌ها کار نکرده است بلکه به این دلیل است که آنچنان که ارزش‌های والای آرمان‌های انقلاب اسلامی بر تارک نظام جمهوری اسلامی باشد نیست. لذا در این بخش به برخی از چالش‌های امروزین انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود تا نیاز به تحول در این عرصه‌ها بیش‌ازپیش فهم شود و انگیزه‌ای برای عبور از این چالش‌ها باشد.

# 3.1. آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه

در هم تنیدگی آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی موضوعی است که کمتر کسی امروزه آن را از هم تفکیک می‌کند. به‌طور مثال فقر، نابرابری، تورم و بیکاری به‌عنوان مهم‌ترین عوامل اقتصادی بر آسیب‌های اجتماعی مؤثر هستند از سویی دیگر آسیب‌های اجتماعی نیز، با کاهش دادن سرمایه انسانی و بهره‌وری، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد ازجمله آن‌ها می‌توان به طلاق، اعتیاد و جرم اشاره کرد.

# 3.2. القاء ناکارآمدی انقلاب اسلامی در امر مدیریت کشور

انقلاب اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی مهم‌ترین پشتوانه خود را سرمایه اجتماعی می‌داند. در کنار توانمندی‌هایی که کشور در زمینه‌های مختلف ازجمله سطح راهبردی در نظام بین‌الملل، قدرت علمی و پیشرفت و فناوری و... کسب کرده است تهدیدهایی نیز کشور را فراگرفته است. درخطر قرار گرفتن سطح معیشتی مردم و شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی باعث تهدید کاهش سرمایه اجتماعی نظام شده است. فساد نگران‌کننده در تاروپود ساختارهای مختلف نفوذ کرده و موجب افزایش تبعیض و نارضایتی و عدم تحقق عدالت شده است؛ همچنین نظام اداری و اجرایی متورم و به‌هم‌ریخته کشور تهدیدی است که حکمرانی انقلابی را سلب کرده است. بی‌تردید این کاهش سرمایه اجتماعی در نتیجه ناکارآمدی اشباع‌شده مدیریتی کشور و فاصله گرفتن مسئولان از اصول انقلاب ایجاد شده ولی در ذهن عموم مردم این ناکارآمدی به کل انقلاب اسلامی در مدیریت کشور ترجمه می‌گردد.

# 3.3. فاصله گرفتن حاکمیت از بدنه عمومی جامعه

اصلی‌ترین موضوع عقب‌ماندگی در برخی از بخش‌ها به تعبیر مقام معظم رهبری فاصله گرفتن حاکمیت کشور یعنی مسئولین کشور، در عدم شناخت درست از توانایی‌های مردم و عدم استفاده درست از این توانایی‌ها در حل مشکلات جاری کشور است. همان‌طور که مطرح شد یکی از پایه‌های اصلی انقلاب اسلامی مردم‌سالاری دینی است که این موضوع فراتر از دخیل کردن مردم در عرصه‌های سیاسی است بلکه به معنای حضور مردم و انجام کار به‌وسیله مردم در تمامی عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه است. در طول عمر پربرکت انقلاب اسلامی هرزمانی که مردم بکار گرفته شده و نقش‌آفرینی کرده‌اند ظفر و پیروزی نصیب ایران شده است از هشت سال دفاع مقدس گرفته تا فتنه‌های داخلی همچون سال 1388 و ... یقیناً نقش‌آفرینی مردم در پیشرفت جامعه اعم از تحولات اجتماعی و اقتصادی نیز باعث ظفر و پیروزی انقلاب اسلامی خواهد گردید و یقیناً مشکلات کنونی جامعه در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی نیز به دلیل فاصله گرفتن از بدنه عمومی جامعه رخ‌داده است[[29]](#footnote-29).

# 4. جمع بندی و طرح مسئله

«خودِ تشکیل نظام جمهوری اسلامی یک تحول بزرگ، یک پیشرفت شگفت‌آور و عظیم بود که یک حکومت موروثىِ کودتایی فاسدِ وابسته را یک ملتی بتواند تبدیل کند به یک حکومت مردمی، که هیچ تحولی از این بالاتر نیست و خودِ این، بزرگ‌ترین تحول و بزرگترین پیشرفت بود»[[30]](#footnote-30). حفظ و پیشرفت انقلاب اسلامی برای رسیدن به مقصود انقلاب اسلامی که همان تمدن نوین اسلامی است نیازمند عزم و طلب یکایک مردم جامعه برای این منظور است .

عزم یکایک انسان‌ها مبتنی بر آیه‌ی «انّ اللَّه لایغیّر ما بقوم حتّی یغیّروا ما بأنفسهم» در مسائل اجتماعی تأثیرگذار است و نقطه قوت انقلاب اسلامی و اساس پیشرفت در انقلاب اسلامی حکومت مردم و ارتباط عمیق و گسترده حاکمیت با مردم است. امروزه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای خروج از بن‌بست‌ها و تحریم‌های اقتصادی و سیاسی باید در عرصه‌های مختلف جامعه به کنشگری دقیق و درست پرداخته و بتواند با نزدیک شدن به جریان‌های عمومی جامعه، مردم را پای‌کار عرصه‌های مختلف پیشرفت در جامعه بکشاند.

نهادهای انقلابی که زائیده و مولود انقلاب اسلامی هستند هر یک مبتنی بر اندیشه امامین انقلاب اسلامی برای تحقق این کنشگری در عرصه های مختلف به عنوان پیشبرنده و پیش قراول نهادسازی شده اند تا به فراخور تحولات بنیادین سیاسی و اجتماعی در جامعه ظهور و بروز داشته باشند. لذا وظیفه زمینه سازی تحقق حکمرانی مدنظر انقلاب اسلامی را بیش از پیش باید بدوش بکشند.

نهادهای انقلابی با توجه به اقتضائات زمان و در حوزه های مختلف به کنشگری پرداخته اند در برهه های حساس 40 ساله انقلاب اسلامی این نهادهای انقلابی بودند که در کنار سایر دستگاه های دولتی و غیره و بعضاً جلوتر از آنها نقش آفرینی صحیح و بهینه ای ایفا کرده اند برای مثال وضعیت اسفناک روستاهای کشور در زمان انقلاب باعث شکل گیری نهاد جهادسازندگی و دگرگون ساختن چهره روستاهای کشور با خدمات سازنده گردید. یا در زمان هشت سال دفاع مقدس شکل گیری نهاد سپاه پاسداران باعث حفظ امنیت در کشور و برهم زدن معادلات دشمن گردید.

امروزه در دهه پنجم انقلاب اسلامی هر چند نبرد اصلی در حوزه اقتصادی است اما همچنانکه عنوان شد نظام اداری در کشور پاسخگوی تحقق آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی و تامین نیازهای ضروری کشور نیست. لذا در برهه حساس امروزی وظیفه نهادهای انقلابی پیش رونده و پیش برنده بودن در عرصه حاکمیتی جامعه در موضوعات مختلف اقتصادی و اجتماعی است .

ستاداجرائی فرمان امام (ره) به عنوان نهاد انفال ذیل امام جامعه نقش ویژه ای را در بین سایر نهادهای انقلابی در عرصه های اقتصادی و اجتماعی بر عهده دارد این ستاد از زمان تاسیس تا کنون توانسته است در بخش های اقتصادی و اجتماعی ایفای نقش مناسبی را از خود نشان دهد . در گام دوم انقلاب اسلامی و در آستانه ورود به قرن جدید هجری شمسی و در راستای تحولات و چالش های عنوان شده، ستاد اجرائی فرمان امام (ره) می تواند یک نهاد پیش رونده و پیش برنده ارکان حاکمیتی در عرصه اقتصادی و اجتماعی ، الگوساز خوبی برای سایر ساختارهای حاکمیتی باشد. لذا تحول در ستاد اجرائی نشان از تحول در ارتقاء این نهاد به عنوان نهاد الگوساز موضوعات اجتماعی و اقتصادی تعریف می گردد . اثبات این ادعا در فصول بعدی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت .

# فصل سوم :

# ارتقاء حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی؛ استخراج و تبیین مدل مفهومی ارتقاء حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی

# مقدمه

تحول در حکمرانی جمهوری اسلامی به غرض ارتقاء و کارایی انقلاب اسلامی و دست یافتن به آرمان های انقلاب اسلامی آنچنان که در فصل پیشین مرور شد امری است ضروری و اجتناب ناپذیر. در این فصل بالاجمال به دنبال تعریف نرم افزار و مبانی حکمرانی مطلوب هستیم تا بتوان نقش و رسالت سازمان هایی همچون ستاد اجرائی فرمان امام (ره) را به عنوان یک نهاد حاکمیتی در تسریع و زمینه سازی ارتقاء حکمرانی انقلاب اسلامی مشخص کرد. این فصل از 3 بخش اصلی شکل گرفته است : بخش نخست ؛ مبانی حکمرانی در ادبیات جهانی را شامل می‌شود. بخش دوم ؛ ادبیات انقلاب اسلامی در تعریف مرحله سوم یعنی دولت اسلامی و لوازم تحقق آن و در بخش سوم؛ به جمع بندی و تعریف الگوی مفهومی ارتقاء مدل حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی می پردازد.

# 1.تکامل حکمرانی در ادبیات جهانی

هدف این بخش از سند، نشان دادن تکامل حکمرانی در نظام بین المللی است. امروزه در کمتر کشوری به جزء کشورهای کمونیستی از دولت اقتدارگرای مرکزی استفاده می شود و مفاهیم دولت مرکزی جای خود را به مفاهیمی همچون؛ حکمرانی خوب، دولت تنظیم گر، حکمرانی پلتفرمی و اهمیت یافتن نهادهای اجتماعی در نظام حکمرانی داده است. این بخش به صورت خلاصه نشان می دهد که حکومت ها به سمت پررنگ کردن نقش نهادهای اجتماعی غیردولتی در حکمروایی پیش رفته اند و دولت ها بیشتر نقش بسترسازی و تنظیم گری به خود گرفته اند. با این نگاه از سویی دیگر به دلیل سرعت بالای تحولات اجتماعی و اقتصادی در جوامع کنونی فهم نیازهای امروز جامعه دیگر جوابگوی برنامه ریزی دقیق جوامع نیست چرا که همیشه اختلافی بین فهم نیاز و برنامه ریزی وجود دارد **لذا کار دشوار و پیچیده حکمروایی امروز، دست یافتن به نظام نیازهای آینده و احتمالی پیش روی جامعه است تا بتوانند تحولات اجتماعی و اقتصادی را پیش بینی کرده و از مدیریت تحولات جامعه عقب نمانند و به عبارت دقیق تر آینده جامعه را خود خلق نمایند.**

# 1.1.خلق و تطور مفهوم حکمرانی

تحولات نظری مفهوم دولت و تجارب متعدد بین المللی از دولت های رفاه تا دولت های نئولیبرالی و یا توسعه ای، به ظهور مفهوم نوینی با عنوان «حکمرانی[[31]](#footnote-31)» منتج شده است. در مفهوم جدید حکمرانی، حکومت تنها یکی از بازیگران چرخه زمامداری و حکمرانی است. شرکت، سازمان های غیر دولتی،موسسات تحقیقاتی، رهبران مذهبی، موسسات مالی، احزاب، نهادهای نظامی و امنیتی و... سایر بازیگرانی هستند که در فرایند حکمرانی دخالت دارند. هرچه کثرت و تنوع بازیگران بیشتر باشد، حکمرانی به مراتب پیچیده‌تر خواهد بود. در سطح فراملی، علاوه بر بازیگران یاد شده، قدرت های خارجی، رسانه های بین المللی، گروه‌های فشار بین المللی، سرمایه گذاران بین المللی، شرکت های چند ملیتی، نهادهای بین المللی و فراملیتی را باید به لیست بازیگران و کنشگران اضافه نمود.

سیر اندیشه سیاسی در غرب گویای آن است که از قرن پانزدهم تاکنون غرب شاهد پیدایش چندین اندیشه سیاسی بوده است. و این اندیشه‌‌‌‌‌‌‏ها در قالب دولت‏های مدرن و پست مدرن نمایان شده‏اند. و هر دولت، نوع خاصی از دستگاه اداری و اجرایی را پدید آورده است. رایج‏ترین شكل دولت در جهان معاصر، دولت مدرن مشروطه است. امروزه به یك معنا همه كشورها از دولت مدرن مشروطه‌‌‌‌‌‌ برخوردارند. اندیشه مشروطیت،باعث شکل‌‌‌‌‌‌گیری طیفی از اندیشه‌‌‌‌‌‌های سیاسی شده است. طیفی که در یک سر آن لیبرالیسم و در سر دیگر آن کمونیسم قرار دارد. و در میانۀ پیوستار انواعی از دیدگاههای ترکیبی چون لیبرال دموکراسی و سوسیال دموکراسی مشاهده می‌‌‌‌‌‌شود. دستگاه اداری دولت مدرن، علی رغم تنوع اندیشه سیاسی، دستگاه بورکراتیک است. به عبارت دیگر لیبرال‌ها و کمونیست‌‌‌‌‌‌ها هر دو برای اداره امور عمومی از بورکراسی استفاده می‌‌‌‌‌‌کنند.[[32]](#footnote-32)

# 1.2.نظریه حکمرانی خوب

در گذر از رویکردهای حکمرانی ، حکمرانی خوب مفهوم جدیدی است که از پیوند بین سیاست و اداره کردن جامعه یا مدیریت دولتی به وجود آمده است. برای حکمرانی خوب (مطلوب) تعاریف متعدد و متفاوتی ارایه شده است؛ تعریفی که اتحادیه اروپا برای این اصطلاح بیان می کند این است که« حکمرانی خوب، مدیریت شفاف و پاسخگو در یک کشور با هدف تضمین توسعه اقتصادی و اجتماعی عادلانه و پایدار است»[[33]](#footnote-33).

برخی بر این اعتقادند که حکمرانی خوب تضمین می کند فساد به کمترین میزان برسد و دیدگاه‌های اقلیت مورد توجه قرار گیرد و مشکلات اقشار آسیب پذیر در تصمیم گیری ها لحاظ شود. حکمرانی مطلوب به نیازهای فعلی و آینده جامعه اهمیت داده و آنها را مورد توجه قرار می دهد. حکمرانی مطلوب یک حکمرانی محلی و منطقه ای است. شیوه حکمرانی غیر متمرکز موجب می شود که مردم در فرایند تصمیم سازی نادیده گرفته نشوند و ارتباط بین آنها و مقامات محلی به طور مستقیم و نزدیکتر باشد و امکان تأمین بیشتر نیازهای آنها وجود داشته باشد.[[34]](#footnote-34)

حکمرانی خوب به عنوان فرایندها وساختارهایی تعریف می شود که روابط سیاسی،اجتماعی واقتصادی را با توجه به «تعهد به ارزشها،هنجارها واعمال دموکراتیک،خدمات توأم با اعتماد و کارهای مبتنی برصداقت» جهت میدهد.

برنامه توسعه سازمان ملل(UNDP) در سال 1997 حکمرانی خوب را در اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می کند. حکمرانی مشتمل بر سازوکارها، فرایندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و تشکل ها منافع خود ابراز نموده، حقوق قانونی خود را استفاده نموده، تعهدات و تکالیف خود را ایفا و اختلافات را با میانجی گری حل می نمایند.[[35]](#footnote-35)

به عبارت دیگر حکمرانی محصول هر سه نهاد: حکومت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است.

حکمرانی خوب نمی تواند یک نسخه استاندارد باشد. در اینجا الگوی « یک سایز، اندازه همه» مطلوب نیست. در حالیکه اصول بنیادین حکمرانی خوب، جهانی و همگانی هستند، اجرای آنها از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. همه کشورها باید حق داشته باشند، گونه های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی خوب مشخص و تعیین کنند. گونه ای که تجربه تاریخی مد نظر قرار دهد و بر مبنای نظامها، فرهنگها و ارزشهای بومی ساخته شود و منعکس کننده واقعیتهای روزمره باشند.

# 1.2.1.اصول حکمرانی خوب

اگر چه در برخی از متون، حکمرانی خوب (Good Governance) به معنی دولت خوب (Good Government) نیز تعریف شده‌است، اما نمی‌توان این دو مفهوم را مترادف دانست، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجریه خلاصه نشده و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهیم می‌باشند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط لازم برای حکمرانی خوب است. کمیسیون اقتصادی، اجتماعی آسیا و اقیانوس آرام (ESCAP) اصول مهم حکمرانی خوب و عوامل مؤثر در تقویت این اصول را تبیین نموده‌است؛ حکومت‌ها با احترام نهادن به این اصول و اجرایی نمودن آنها، می‌توانند گام‌های مؤثری در روند توسعه پایدار بردارند. ESCAP، اصول حکمرانی خوب را به شکل زیر تعریف می‌نماید:[[36]](#footnote-36)

1. مشارکت:

میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به‌شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) صورت گیرد.[[37]](#footnote-37)به عبارت ساده تر، مشارکت سیاسی عبارت است از میزان بهره مندی افراد جامعه از حق خود برای دخالت در مسائل و تصمیم گیری های سیاسی، که این میزان برای افراد مختلف، متفاوت است. ثبات هر جامعه سیاسی به رابطه سطح مشارکت سیاسی با سطح نهادمندی سیاسی ان جامعه بستگی دارد. میزان نهادینگی سیاسی در جوامع دارای سطح پایین و مشارکت سیاسی، به مراتب کمتر از آن جامعه ای است که از سطح مشارکت بالاتری بهره مند می باشد. در صورتی ثبات سیاسی جامعه حفظ می شود که به موازات افزایش مشارکت سیاسی، پیچیدگی، تطبیق پذیری و انسجام نهادهای سیاسی جامعه نیز فزونی گیرد.[[38]](#footnote-38)

1. حاکمیت قانون:

حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که در بر گیرنده حمایت کامل از حقوق افراد (بویژه اقلیت‌ها) در جامعه بوده و به صورت شایسته‌ای اجرا گردد. لازم است ذکر شود که اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضایی مستقل و یک بازوی اجرایی (پلیس) فساد ناپذیر برای این نظام می‌باشد.

1. شفافیت:

شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه‌است. همچنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، رسانه‌های گروهی به راحتی قادر به تجزیه و تحلیل و نقد سیاست‌های اتخاذ شده در نظام تصمیم‌گیری و اجرایی کشور خواهند بود.

1. پاسخگویی:

پاسخگویی نهادها، سازمان‌ها و موسسات در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر اعضاء خود و ارباب رجوع، از جمله عواملی است که به استوار شدن پایه‌های حکمرانی خوب در یک جامعه منجر می‌شود.

1. شکل‌گیری وفاق عمومی:

همانگونه که بیان گردید، فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله اصول حکمرانی خوب می‌باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون گردد که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی نیازمند شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار می‌باشد.

1. حقوق مساوی (عدالت):

رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به رسمیت شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود. به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند.

1. اثر بخشی و کارایی:

از حکمرانی خوب به عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می‌شود. کارایی و اثر بخشی در مقوله حکمرانی از جمله مباحثی است که با گذشت زمان، اهمیت بیشتری پیدا نموده‌است.

1. مسئولیت پذیری:

مسئولیت‌پذیری را می‌توان یکی از کلیدی‌ترین مولفه‌های حکمرانی خوب به‌شمار آورد. درکنار موسسات و نهادهای حکومتی، سازمان‌های خصوصی و نهادهای مدنی فعال در جامعه نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخگو باشند. باید عنوان نمود که اصول حکمرانی خوب به‌صورت زنجیرای متصل به هم بوده و اجرایی شدن هرکدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول می‌باشد. برای مثال نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون جنبه اجرایی چندانی در جامعه داشته باشد.

# 1.2.2.ارکان حکمرانی خوب

اگر چه وجود دولت خوب شرط لازم حکمرانی خوب است، ولی به هیچ وجه شرط کافی نمی باشد. حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کارکرد همه قوای یک کشور است. در حکمرانی خوب مشروعیت حکمرانی بسیار مهم است. در حکمرانی خوب صاحبان اصلی قدرت مردم هستند و به جای پرداختن به کارآمدی و توانمندی دولت از طریق حجم و اندازه آن به نوع رابطه مردم و حکومت توجه م یشود و رابطه نادرست شهروندان و حکومت کنندگان را از دلایل عدم توسعه می دانند.

چهار رکن اصلی حکمرانی خوب عبارتند از:

1. بخش عمومی و دولت که وظیفه هدایت و راهبری و برقراری حاکمیت قانون را به عهده دارد.
2. بخش های خصوصی که عهده‌دار ایجاد اشتغال، درآمد، تولید، تجارت و وظیفه کسب و کار را بدوش دارند.
3. جامعه مدنی که فراهم کننده فرصت ابراز وجود مردم و شهروندان است.
4. سازمان های محلی که وظیفه بسیج، سازماندهی و اعمال فرهنگ های بومی را به عهده دارند.

تعامل خوب و روان بین ارکان فوق زمینه را برای تحقق حکمرانی خوب در ابعاد مختلف فراهم می آورد. حکمرانی خوب صرفاً انجام وظایف نیست، بلکه چگونگی و شیوه انجام وظایف را نیز شامل می شود. هدفها و روشها، هر دو اهمیت یکسانی برای حکمرانی خوب دارند و لذا هر کشوری می تواند شرایط حکمرانی خوب را با فرهنگ ها، ارزش ها و هنجارهای خود بیامیزد و آن را بومی نماید. حکمرانی خوب نباید همراه خود، فرهنگ و ارزش های خاص را تحمیل نموده یا ارزش های نادرست را دامن بزند.

# 1.2.3.بازیگران عرصه حکمرانی خوب

نهاد دولت مرکب از سه قوه اصلی و سایر اجزاء تشکیل‌دهنده آن است. رسانه ها نقش پیونددهنده بازیگران را ایفا میکنند و اطلاعات را میان آنها توزیع می‌نمایند و جزء مهمی در شفافسازی فعالیت‌ها به‌شمار میروند. نیروی انتظامی نیز اگرچه بخشی از دولت محسوب میشود اما به علت اهمیت و قدرت آن در شکل دادن به رفتارهای جامعه مدنی بهطور مستقل جزء بازیگران آمده است. از این منظر حکمرانی به صورت فرآیندی درمیآید که روابط بین بازیگران شکل دهنده آن است.حال که روشن شد حکمرانی خوب حاصل عمل بازیگران متعدد و متنوعی در جامعه می باشد دیگر نباید انتظار داشت که استقرار حکمرانی خوب از عهده دولت به تنهایی برآید. دیگر نمیتوان توصیه هایی را صرفاً به دولت پیشنهاد نمود و امیدبهبودی و اصلاح داشت. در چنین وضعیتی روابط هم افزا بین بازیگران و همکاری و همراهی آنان با یکدیگر تضمین کننده حکمرانی خوب در جامعه است. برای تحقق حکمرانی خوب پذیرش دیدگاه شبکهای میان بازیگران، وجود سرمایه اجتماعی در مراودات آنان و داشتن آرمان مشترک از الزامات اولیه و اساسی محسوب میشود.

**ساختار شبکه ای میان بازیگران[[39]](#footnote-39)**

**دولت(سه قوه)**

**نهاد مذهبی**

**گروه های ذینفوذ**

**سازمان های نظامی و انتظامی**

**بخش خصوصی**

**تشکل های غیر دولتی**

**رسانه ها**

حکمرانی خوب در رابطه ای شبکه ای و نه سلسله مراتبی میان بازیگران تحقق می یابد و در این رابطه همه اجزا در شبکه با هم ارتباطی هم ارز و همسطح دارند و یکی را بر دیگری برتری نیست . حکمرانی خوب حاصل این نحوه ارتباط در شبکه‌ها است شبکه هائی که متشکل از بازیگران مختلف در جامعه بوده و روح سلطه و برتری جوئی در آن وجود ندارد. تفکر شبکه ای زمانی درونی میگردد که از جهت فرهنگی و ارزشی در جامعه پذیرفته شده باشد. جامعه و نهادهای آن باید تفکر سلسله مراتبی را که ریشهای تاریخی در جوامع دارد فراموش کنند و نگاه تازه ای با ساختار روابط بر مبنای شبکه پیدا نمایند.

# 1.3.دولت تنظیم گر

حکمرانی در واقعیت امروزی خود، مفهومی به مراتب پیچیده و چندوجهی دارد. عبور از دایره سنتی دولت، افزایش نقش بخش خصوصی و نهادهای مدنی در اجرای سیاستهای دولتی، توزیع عمودی قدرت در لایه های فرادولتی بین المللی و سطوح محلی در کنار توزیع قدرت افقی در انواع سازمانهای عمومی و شبه دولتی مدلی چندلایه و تعاملی از اداره امور جوامع مدرن نشان میدهد. این تحولات در کنار تجارب سیاستهای کوچکسازی، آزادسازی و خصوصی سازی دولتها ضرورت وجود نهادهایی به منظور تضمین محیط رقابتی و اجرایی سازی سیاستهای حاکمیتی در بخش خصوصی و عمومی را اثبات میکند، نهادهایی که در ادبیات حکمرانی از آنها به «نهاد تنظیم گر» تعبیر میشود وبه عنوان بخش جدایی ناپذیر از نظام حکمرانی ملی مطرح هستند. تنظیمگری یکی از کارکردهای اصلی نظام حکمرانی نوین بوده و در کنار سایر کارکردها همچون سیاستگذاری، بازتوزیع،تسهیلگری و همینطور کارکرد سنتی ارائه کالا و خدمات چارچوب کلان نظام حکمرانی مدرن را شکل میدهد

در دورانی که دولتها دیگر تنها بازیگران بلامنازع عرصه اداره امور عمومی محسوب نمیشوند و توزیع اقتدار عمومی از نهادهای رسمی به بخش خصوصی، نهادهای عمومی و بازیگران محلی و فراملی به رسمیت شناخته شده است، تنظیمگری ازجمله مهمترین ظرفیتهای حکمرانی مدرن محسوب میشود. هرچند تنظیمگری صرفاً یکی از کارکردهای نظام حکمرانی به شمار میرود و در کنار کارکردهای مهم دیگری چون سیاستگذاری قرار دارد، اما میتوان ادعا کرد که در سالهای اخیر نظام حکمرانی بیشترین توسعه خود در ابعاد اجرایی و پژوهشی را از منظر تنظیم گری داشته است. مسائل مهمی چون ناکارآیی ابزارهای سنتی قانونی در اعمال حکمرانی، توجه حکومتها به سازوکارهای اجرایی سازی سیاستهای کلان، ناکارآیی های بازار که به طور خاص در سالهای پس از بحران 2008مورد توجه قرار گرفت و ناکامی بازار آزاد در تحقق منافع عمومی در بخشهای مختلف اجتماعی و اقتصادی، تنظیمگری را جزء موضوعات دارای اولویت در حوزه حکمرانی قرار داده است. این موضوعات نه تنها مسئله تنظیمگری را در حوزههای مختلف علوم اجتماعی ازجمله علوم سیاسی، اقتصاد، حقوق، جامعه شناسی و علوم رفتاری مورد توجه قرار داده اند، بلکه در حوزههای تخصصیِ خارج از حوزه مطالعات اجتماعی ازجمله پزشکی، حمل ونقل، انرژی، آب و سایر حوزه های سیاستگذاری بخشی نیز تقاضای جدی برای حکمرانیِ کارآتر، عادلانه تر و همراه با مشارکت گسترده تر در سطوح بخشی و ملی، به نوعی تقاضا برای تنظیم‌گری بهتر را ایجاد کرده است. درواقع از منظر علمی الگوی تنظیم‌گری مفهومی بین رشته ای است که از توجه همزمان رویکردهای متفاوت علوم اجتماعی بر مقوله اعمال حاکمیت در حوزه های عمومی خارج از دوگانه سنتی بازار ـ دولت حاصل شده است.

توسعه دولتهای تنظیم‌گر در کشورهای مختلف خاستگاه های مختلفی داشته است، اما در نهایت به شکلی نسبتاً واحد از نهادهای تنظیم‌گر منتهی شد. برای مثال توسعه نهادهای تنظیم‌گر در آمریکا که بسیار پیشتر از انگلستان اتفاق افتاد به‌عنوان افزایش مداخلات دولت تعبیر می‌شد، اما همین روند در انگلستان خاستگاهی متفاوت داشت و به‌منزله ابزاری جهت کاهش تماس مستقیم دولت در رویدادهای اقتصادی و اجتماعی تلقی میشود[[40]](#footnote-40).

# 1.4.ظهور حکمرانی پلتفرمی

با پررنگ شدن نقش تنظیم گری دولت و ایفای جدی تر نقش بازیگران غیر دولتی در حکمرانی خوب، امروزه در ادبیات حکمرانی مفهومی جدیدی با عنوان پلتفرم وارد شده است و امروزه اتخاذ رویکرد پلتفرمی به غالب موضوعات می تواند در بسیاری از مسائل سیاسی و اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی راهگشا و حتی توسعه آفرین باشد.

پلتفرم به مثابه یک رویکرد یا راه حل، به طور خلاصه عبارت است از بستری برای نقش آفرینان که در آن باهم تعامل می کنند. به عبارت دیگر پلتفرم ها از طریق ایجاد تعامل (Interaction) میان عرضه کنندگان بیرونی (بیرون از پلتفرم) و مصرف کنندگان بیرونی (بیرون از پلتفرم) ایجاد ارزش می کنند. نقش محوری پلتفرم ها، ایجاد زیرساخت برای شکل گیری تعامل ها و مهم تر از آن تعیین چارچوب و قواعد حاکم بر این تعامل هاست. گفتنی است ارزش اصلی این تعاملات، نفس ایجاد، بقا و رشد تعامل ها و رشد نقش آفرینان در آنهاست که ایجاد چارچوب و تنظیم گری در پلتفرم ها را موجه و مشروع می کند.

مفهوم پلتفرم به معنای امروزی و جاافتاده آن در دهه اخیر با توسعه فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در دنیای دیجیتال شکل گرفته است. به عبارت دیگر تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی امکان عمومی سازی پلتفرم ها را در مقیاس‌های بسیار کوچک مثل شبکه های داخلی یک شرکت و تا اندازه های بسیار بزرگ که شبکه های اجتماعی جهانگیر و حتی دولت ها را که در قالب مفهوم دولت الکترونیک شکل گرفته، ایجاد کرده است. از ویژگی های مهم پلتفرم ها ایجاد فضا برای خلاقیت های بیشتر، چابک بودن، آمادگی بسیار بالا برای تغییر با شرایط جدید، Scalable بودن (قابلیت بزرگ شدن مقیاس)، تجربه های کاربری بسیار بهینه تر و از همه مهم تر مشارکتی بودن آن است. البته همچنان مهم ترین ویژگی پلتفرم ایجاد زیرساخت و ظرفیت و صیانت از رابطه بین تولیدکنندگان و مصرف کنندگان محصولات یا خدمات به جای تولید و عرضه محصول است.**قلب پلتفرم ها تخصص در عرضه محصول یا خدمت نیست، بلکه معماری مکانیسم وصل شدن عرضه کننده و تقاضا کننده در بهینه ترین حالات ممکن و مطابق با شرایط همواره در حال تغییر است.** به الگوریتم هایی که این مفهوم را پشتیبانی می کنند Marketing Algorithmic یا الگوریتم های تطبیق دهنده می گویند.

دایان کویل، استاد سیاست عمومی دانشگاه کمبریج، می گوید: پلتفرم ها قرار است با تطبیق دادن کارآمدتر عرضه و تقاضا با استفاده از تکنولوژی های روز، هزینه تعامل میان تامین‎کنندگان و دریافت کنندگان کالا و خدمات را کاهش دهند[[41]](#footnote-41).

از پلتفرم های مشهوری که عموم جامعه با آنها آشنایی دارند، می توان شبکه اینستاگرام، فیس بوک، لینکدین، آمازون، اوبر، گوگل و آپارات، سایت با ما، دیوار، شیپور و اسنپ و ... را نام برد.

این محصولات با قدرت تمام توفیق نگاه پلتفرمی را به فرایندها و کسب وکارها و حتی رفتار های روزمره مردم اثبات و در جامعه نهادینه کرده اند. همچنین نگاه پلتفرمی را به مثابه راه حلی برای ساماندهی موضوعاتی که نقش آفرینان بسیار دارند، عملیاتی کرده اند.

امروزه نگاه پلتفرمی به بسترهای شبکه اطلاعات و ارتباطات خلاصه نمی شود هرچند که این نگاه، نگاه غالبی است بلکه نگاه پلتفرمی در اصل مفهوم کارکردهای حکمرانی هم می تواند بسیار راهگشا و راه حلی برای خروج از بن بست های حکمرانی در جوامع پیچیده امروز باشد. به عبارت دیگر قرارگرفتن حاکمیت در جایگاه هماهنگ کننده، ناظر و تنظیم گر، فرصت خروج آن را از بن بست ها و بوروکراسی های خواسته و ناخواسته و ناکارآمدی ها فراهم می‌آورد.

# 1.4.1.بازیگران اصلی پلتفرم

به طور در فهم نگاه پلتفرمی سه بازیگر اصلی را می توان شناسایی کرد[[42]](#footnote-42) :

1.مالک پتلفرم

* مالک پلتفرم، به جای اینکه بر نوآوری به عنوان گران ترین عامل تولید سرمایه گذاری کند، صرفا بستری را فراهم می کند که نوآوران با کمترین هزینه، نوآوری خود را به ظهور می رسانند.
* مالک پلتفرم منابع محدودی را که برای زیرساخت پلتفرم فراهم کرده است دائما با توسعه دهندگان به اشتراک می گذارد (reuse) و این اشتراک منابع، موجب حداکثر بهره برداری از منابع محدود می شود.
* مالکین پلتفرم که صرفا واسطه هستند، به دلیل اثر شبکه ای، به صورت تصاعدی به بیشترین تعداد روابط دست می یابند.
* باز استفاده از منابع، می تواند صرفه اقتصادی چشمگیری را ایجاد کند که به توسعه دهنده این فرصت را میدهد که بر نیازهای کاربران گوناگون سرمایه گذاری کنند و نیز توسعه دهنده را قادر می سازد بهترین خدمتی که می تواند را عرضه کند؛ بدون اینکه کل سیستم پلتفرم متأثر از تصمیمات توسعه ای او شوند.

2. توسعه دهندگان

* توسعه دهندگان برای راه اندازی کسب وکارشان، نیازی به سرمایه گذاری عظیمی که مالکین پلتفرم انجام می دهند، ندارند و می توانند با هزینه ثابت بسیار اندک، کسب و کار خود را آغاز کنند.

3.مصرف کننده نهایی

* مصرف کننده نهایی نیز به دلیل توزیع متقارن اطلاعات، انتخاب آزادانه ایجاد می شود و گویی سازوکارهای قیمت در بازار آزاد شکل می گیرد. مالکین پلتفرم، منابع اولیه را که حکم هزینه های ثابت راه اندازی کسب و کار را دارد به گونه ای فراهم می کنند که ظرفیت های توسعه به سمت توسعه دهندگان انتقال یابد، این منابع، منابع مرزی پلتفرم نام دارد که رابط میان مالک پلتفرم و توسعه دهندگان شخص ثالث است.
* منابع مرزی را نیز می توان در دو گروه منابع مرزی فنی و اجتماعی طبقه بندی نمود. به عنوان نمونه از منابع مرزی فنی می توان به (APIs[[43]](#footnote-43)) و (SDKs[[44]](#footnote-44)) اشاره کرد و از منابع مرزی اجتماعی مشوق ها، حقوق مالکیت معنوی، توافق نامه های میان توسعه دهنده و مالک پلتفرم، خطوط راهنمای پلتفرم و مستندسازی پلتفرم را نام برد. منابع مرزی تعیین‌کننده دسترسی به پلتفرم است و موجب پشتیبانی از خدمات دهندگان که درواقع توسعه دهندگان پلتفرم هستند، می شود و نهایتاً قدرت کنترل و حکمرانی را برای مالک پلتفرم به ارمغان می آورد.

گسترش تفکر پلتفرمی امروزه به مطرح شدن نظریه دولت به مثابه یک پلتفرم شده است مفهوم دولت به‌مثابه بستر یا پلتفرم (GaaP[[45]](#footnote-45))، راه‌های جدید و متنوعی برای ارتباط متقابل مردم و حکومت مطرح‌ کرده است.

مسئله دولت به مثابه پلتفرم این است که چگونه دولت تبدیل به‌ یک پلتفرم باز ‌شود، به طوری که به مردم درون و بیرون از دولت اجازه ‌دهد دست به نوآوری بزنند. چگونه‌ سیستمی ‌را طراحی ‌کنیم که در آن همه‌ی خروجی‌ها‌ از قبل تعیین نشده باشد و در عوض از طریق تعامل بین دولت و شهروندان تکامل ‌یابد، به همان صورت که ‌یک ارائه دهنده‌ی خدمات، جامعه‌ی کاربرانش را توانمند می‌سازد؟[[46]](#footnote-46)

# 1.4.2.ابعاد و مصادیق بکارگیری رویکرد دولت به مثابه پلتفرم[[47]](#footnote-47)

همکاری مردم در عرصه‏‌های مختلف، از مشارکت در عارضه‏‌یابی و ارائه راه‏‌حل‏ها، تا وضع قوانین و سیاست‌های کارآمدتر و اجرای آنها، تا نظارت، گزارش‏‌دهی، پیگیری تخلفات و مشکلات و غیره امکان‏پذیر است. به عبارتی دیگر می‌توان با ایجاد پلتفرم‌های مناسب زمینه تعامل دولت، بخش خصوصی و مردم را فراهم کرد. به‌طور خلاصه برخی مصادیق استفاده از این رویکرد در جدول شماره 2 آمده است.

جدول 2: ابعاد و مصادیق بکارگیری رویکرد دولت به مثابه پلتفرم

| **نقش پلتفرم** | **مورداستفاده** | **متولی/مجری** | **مصداق پلتفرم** |
| --- | --- | --- | --- |
| انتشار اطلاعات عمومی حکومت | عموم مردم و کسب‌وکارهای خصوصی | سازمان‌های دولتی | [Data.gov](http://www.data.gov/) |
| ایجاد اپلیکیشن‌های خدماتی | امور اداری و روزمره مردم و امکان انتخاب خدمات بهتر | دولت به‌عنوان ارائه‌دهنده پلتفرم و توسعه‌دهندگان خصوصی | [USA.Gov](https://www.usa.gov/)  [GOV.UK](https://www.gov.uk/) |
| مطالبه‌گری و نظارت | نظارت بر کار دولت | مردم | [foodandwaterwatch.org](http://foodandwaterwatch.org/) |
| بازخوردگیری | استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از رفتار مردم | مردم، نخبگان و  توسعه‌دهندگان خصوصی | [Google.com](https://tp4.ir/416/Google.com)  [Opower.com](https://tp4.ir/416/Opower.com) |
| سیاست‌گذاری | جمع سپاری‌ها، برگزاری چالش‌ها و مسابقات، ارائه پیشنهادات و ارزیابی سیاست‌ها | مردم و  نخبگان | [IR-VP.com](http://www.ir-vp.com/Content/Important/%D8%B7%D8%B1%D8%AD%D9%87%D8%A7%20%D9%88%20%D9%84%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%AD%20%D9%85%D9%87%D9%85.aspx)  [Challenge.gov](https://www.challenge.gov/list/) |
| گزارش‌دهی | گزارش ایرادات، نواقص و مشکلات | مردم | [Fixmystreet.com](https://www.fixmystreet.com/)  [Seeclickfix.com](https://seeclickfix.com/) |
| اقدامات عملی | حل مشکلات توسط خود مردم | مردم | [Meetup.com](https://www.meetup.com/) |

دولت به مثابه بستر را می‌توان این طور توصیف کرد: دولتی که درهای خود را از لحاظ داده‌ها، سیاست‌ها و کارکردها باز ‌می‏کند‌ و به کارآفرینان بخش خصوصی اجازه می‌دهد که برنامه‌های کاربردی بسازند که انجام کارکردهای مختلف حکومت را به صورت کاراتر و اثربخش‌تر تسهیل نماید. به عنوان مثال فرایند مشارکت مردم و بخش خصوصی در فرایند سیاست گذاری را می توان به شکل زیر نشان داد. دو لایه بسیار مهم این مدل، که قابل توجه است، لایه برنامه های کاربردی (Apps) و اجرا (خدمات رسانی) است که هر دو لایه به بهترین نحوه توسط نوآوران اجتماعی (بخش خصوصی) و یا جامعه مدنی (انجمن ها، سمن ها و سایر افراد) صورت می پذیرد.

# 1.4.5.جمع بندی و نقد حکمرانی پلتفرمی

در مقام جمع بندی می توان دیدگاه حکمرانی پلتفرمی را به شرح جدول شماره 3 نقد و بررسی کرد:

جدول 3: نقد و بررسی حکمرانی پلتفرمی

| **مزیت های اصلی** | **انتقادهای موجود** |
| --- | --- |
| * ساده سازی نحوه ارائه خدمات و تسهیل دسترسی به آنها توسط مکانیسم های طراحی شده داخل پلتفرم. * بهبود کارایی و اثربخشی دولت از طریق حذف لایه‎ها و سطوح مدیریت دولتی و ارجاع آن به پلتفرم یکپارچه و چابک و نقش آفرینی دولت در حد «ناظر و هماهنگ کننده». * تسهیل دسترسی شهروندان به اطلاعات از طریق جایگزینی شهروندمداری به جای بوروکراسی محوری از طریق پلتفرم ها. * ساده سازی فرایندهای کسب وکار در فضای عمومی جامعه. * کاهش هزینه ها از طریق یکپارچه سازی و حذف سیستم های زائد توسط پلتفرم ها * افزایش خلاقیت برای حل مسائل از طریق به کارگیری نقش آفرینان متعدد و مکانیسم های موجود در بازار در محصولات و خدمات عمومی روی پلتفرم ها. | * تمرکز بر مالک پلتفرم به عنوان فراهم کننده اجزا و منابع و ارزش آفرینی مالک * مسئله ایجاد تعادل میان کنترل پلتفرم و توسعه دهندگان پلتفرمها * محدود کردن سطح دسترسی کاربران به دلیل هرج و مرج حاکم بر روابط و تعاملات کاربران با افزایش شبکه های پلتفرمی * طراحی غالب پلتفرم ها توسط جریان سرمایه داری در دنیا * ضعف پاسخگویی با پیچیده تر شدن پلتفرم ها * ضعف در کنترل سازگاری محتوایی توسعه دهندگان و کاربران با خط‌مشی‌های ملی * سواستفاده از پلتفرم ها برای نیل به مقاصد خاص * تضعیف نظام حقوقی کشوری پلتفرمها را سایرین برای او طراحی کرده اند(به عنوان مثال سازوکار مالیاتی) * تهدید امنیت ملی با بروز داده های ارزشمند برنامه‌ریزی کلان و عمومی |

# 1.5.نقش نهادهای اجتماعی در حکمرانی نوین

حکمرانی نوین نیازمند راهبردهای جدید برای گسترش اثربخشی و ارتقای کیفیت است و این دستاورد چیزی نیست که با تصدی‌گری حداکثری یک دولت مرکزی  حاصل شود؛ وگرنه انبان تجربه سنتی حکومت‌های متمرکز  حکایتی از توفیقات آنها می‌داشت. حال آنکه شاهد کارنامه‌ای متفاوت از این مدعا هستیم. تحولات جابه‌جایی قدرت از دولت به نهادهای اجتماعی و مدنی موضوعی است که جهان امروز به‌شدت به آن توجه می‌کند.

هرچند دولت‌ها توانایی کل‌نگری و تکشف خیر عمومی را بیش از همه دارند؛ اما رویکردهای مشارکتی نوآورانه خواهد توانست پیوند بین منافع عمومی را مضاعف کرده و اهداف مشترک اجتماعی را زمینه الفت و چسبندگی بخش‌های متکثر جامعه کنند. به‌دست‌آوردن بخشی از قدرت از سوی کسانی غیر از دولت سوژه‌ای است که در سیاست‌گذاری عمومی حاضر مورد تأکید قرار می‌گیرد. استرداد و استیفای قدرت گرفته‌شده از اجتماع از سوی نهادهای واسطه باید در یک دوره گذار معقول و منعطف محقق شود. نهادهای بینابین شهروندان و دولت مرکزی از‌جمله شوراها و اصناف و سندیکاها و سازمان‌های مردم‌نهاد و نظام صنفی نقش این واسطه‌گری را بازی می‌کنند. دولت‌ها در این راه با پذیرش نقش حکمرانی تنظیمی و سازمان‌های تنظیم‌گر سعی در منظم‌سازی و متعادل‌کردن کارکردهای صنوف و اقشار می‌کنند. استقرار و تأسیس اجتماعات دائم و حرفه‌ای ارتباط با حاکمیت را ساختارمند و اثربخش می‌کند.

کارویژه مثبت این روال، جلوگیری از اعمال قدرت بی‌چون‌و‌چرای دولت بر افراد است که تضییقات حکمرانی سنتی را کنترل کرده و حدود آزادی‌های شهروندان را نیز در قالب‌های نرم می‌ریزند؛ بنابراین مانع از آن می‌شوند تا آزادی‌های فردی، منافع عمومی را تحت‌‌الشعاع قرار دهد و از سوی دیگر به منزله ابزارهای مناسب به دولت‌ها کمک می‌کنند تا سیاست‌های مدنظر خود را در قالب تدابیر حرفه‌ای در جامعه به اجرا بگذارند.

 به دلیل همین نقش واسطه‌ای ارزشمند در تنظیم حدود آزادی‌ها و کنترل عملی اقتدارات دولت «نهادهای حرفه‌ای» از اهمیت برجسته حقوقی و اجتماعی برخوردار شده‌اند. اصلاحات متوالی در تمشیت امر عمومی نیازمند خوانش مدنی‌باورانه از حکمرانی همکارانه است. پیامد اهمیت‌یافتن نقش صاحبان مشاغل آزاد در حیات جامعه، اکرام و احترام به حق تعیین سرنوشت آنها و رسمیت‌بخشی به شخصیت حقوقی مستقل و متمایز آنهاست.

# 1.5.1.مفهوم نهاد

با پررنگ شدن نقش های نهادهای غیر دولتی در این بخش به مفهوم نهاد بیشتر پرداخته می شود. امور اجتماعى در جامعه‌شناسى چند نوع است، برخى از اهمیت، ثبات، قدمت و عمومیت بیشترى برخوردار هستند، و بعضى نسبتاً جدید، محدود و در پاره‌اى موارد خصوصى و فرعى مى‌باشند. امورى که از نظر استمرار، عمومیت و استقرار در جوامع گوناگون، مورد توجه قرار مى‌گیرند «نهادها» هستند.

به‌نظر جامعه‌شناسان، نهادها به منزلهٔ استخوان‌بندى و نسوخ جامعه به شمار مى‌روند و سنگ بناى اصلى جامعه تلقى مى‌گردند. بدین جهت مرکز ثقل و مورد توجه جامعه‌شناسان هستند و در مطالعهٔ جامعه‌شناسی، مقامى بسیار شامخ دارند. زیرا به‌وسیلهٔ نهادها است که زندگى یک جامعه، با تمام پیچیدگى‌ها و تغییرات آن در مقابل بینندگان ظاهر شده، خودنمائى مى‌کند. گذشته از این به‌نظر «گیدینگز» ، نهادها، با ارزش‌ترین قسمت‌هاى میراث نسل‌هاى گذشتهٔ بشر را حفظ کرده‌اند .

# 1.5.2.تعریف نهادهای اجتماعی

براى نهاد اجتماعى (به معناى خاص) تعاریف گوناگون و متنوعى توسط جامعه‌شناسان به عمل آمده و هر کدام از آنها با توجه به خصوصیات، ساخت و کارکرد آن به نوعى تعریف پرداخته‌اند. تنوع تعاریف و مفاهیم نه تنها بیانگر این واقعیت است که مفهوم جامعه‌شناسى از آغاز تا به امروز دگرگون شده، بلکه حاکى از اهمیت آن در حفظ نظام اجتماعى است.

|  |  |
| --- | --- |
| امیل دورکیم[[48]](#footnote-48) | نهادها مجموعه اعمال و افکارى هستند که فرد آنها را ساخته و پرداخته و در برابر خود مى‌یابد و آنها خود را کم و بیش بر افراد تحمیل مى‌کنند. |
| رویتر[[49]](#footnote-49) | نهاد، نظام متشکل شیوه‌هاى عمل و نقش‌هاى اجتماعى مبتنى بر یک یا مجموعه‌اى از ارزش‌ها و دستگاه تنظیم اجراء و داراى مقررات است. |
| هانرى مندراس[[50]](#footnote-50) | نهاد، را مجموعه هنجارهائى که قانونى یا غیرقانونى هر چیزى را در یک سازمان اجتماعى تعیین مى‌کند تعریف کرده است، این مفهوم گاه در معناى وسیع به خود سازمان، اجتماعى تلقى مى‌شود. |
| مالینوفسکی[[51]](#footnote-51) | نهاد عبارت است از اجزاء واقعى فرهنگ که داراى حد قابل ملاحظه‌اى از دوام، عمومیت و استقلال هستند. |
| هاب هاوس[[52]](#footnote-52) | نهاد را مجموعه یا قسمتى از نظام اجتماعى مى‌داند که از طرف جامعه به رسمیت شناخته شده باشد. |
| هانرى پرات | نهاد نمونه و الگوى رفتارى با دوام، پیچیده، منظم و جامع است که از گذر آن نظارت (کنترل) اجتماعى صورت مى‌گیرد و به‌وسیلهٔ آن میل‌ها و نیازمندى‌هاى اساسى اجتماعى تأمین مى‌گردد. |

سرانجام از مجموع تعاریف فوق می توان گفت : «نهادها مجموعه‌اى انتزاعى از الگوها و شیوه‌هاى رفتارى هستند که از آداب و رسوم، ارزش‌ها، هنجارها و اعتقادات سازمان یافته تشکیل شده از جامعه منشاء گرفته و در اثر کنش و واکنش اجتماعى تشخّص و تحقق یافته و به تدریج به تصویب و تثبیت رسیده است. داراى دوام، عمومیت، فناناپذیری، پویائی، نظم و پیچیدگى است و کنترل‌کننده رفتار افراد جامعه بوده، به‌وسیله آن میل‌ها و نیازمندى‌هاى اساسى اجتماعى ما تأمین مى‌گردد. نهاد از طبیعت جامعه برخاسته و کم و بیش خود را بر افراد جامعه تحمیل مى‌کند».

در **اهمیت نهادها** همین اندازه کافى است که بگوئیم، نهادها ترکیب‌کنندهٔ فرهنگ بشر و با ارزش‌ترین ارکان میراث نسل‌هاى گذشته انسان مى‌باشند. این نهادها در زندگى اجتماعى بشر، تأثیر وافر داشته و نیازمندى‌های، حیاتی، نفسانى و جسمانى انسان را رفع و تأمین مى‌کنند. پس منشاء این نهادها، نیازمندى‌ها و محرک‌هاى اصلى و اساسی، مى‌باشند. این نهادها در عین حال که داراى نظم و نسق هستند، در همان حال نظارت‌کنندهٔ کارهاى افراد جامعه نیز مى‌باشند.

نهاد اجتماعی، اصطلاحاً به آن دسته از مؤسساتى گفته مى‌شود که به‌وسیلهٔ آنها کنترل اجتماعى صورت مى‌گیرد و داراى ویژگى‌هاى و خصوصیاتى است که به‌عنوان معیار، تفاوت بین نهادها با دیگر تأسیسات اجتماعى در نظر گرفته مى‌شود.

# 1.5.3.تفاوت نهاد با سازمان

در معناى عام، «نهاد» گاهى بر کلمهٔ «سازمان» نیز اطلاق مى‌شود اما نهاد داراى ویژگى‌هاى است که در سازمان‌ها و مؤسسات کمتر وجود دارد. برخى از این تفاوت‌ها عبارت هستند از:

* نهادها ، اغلب بدون طرح و نقشه قبلی، غیرعمومی، به‌تدریج و به‌مرور زمان شکل گرفته‌اند و از ساده به پیچیده تکامل پیدا کرده، جوابگوى نیازهاى اجتماعى مستمر و دائمى مى‌باشند. در صورتى‌که سازمان، با طرح و نقشه قبلی، عمومى و در زمان معین به‌وجود آمده و به شیوهٔ رسمى سازمان یافته است.
* رابرت مک ایور، بین کلمه «نهاد» و «مؤسسه» نیز تفاوت قائل شده و معتقد است که نهادها عبارت هستند از: اصول و اشکال معین فعالیت‌هاى اجتماعى در حالى‌که «مؤسسه» عبارت از گروهى است که به انجام وظایف استاندارد شده‌اى مبادرت مى‌کنند. از این‌رو مدرسه، آموزشگاه و دانشگاه از نوع مؤسسه به‌حساب مى‌آیند. حال آنکه امور تعلیم و تربیت «نهاد» هستند. انسان مى‌تواند به یک مؤسسه تعلق داشته باشد اما هرگز به یک نهاد تعلق ندارد. زیرا نهادها، برخلاف مؤسسه داراى محل و مکان خاصى نیستند و در سراسر جامعه سارى و جارى است و عمومیت دارند.
* نهادهاى اجتماعی، همان‌طور که گفته شد از استمرار و دوام در طول تاریخ برخوردار هستند و در مقابل تغییرات مقاوم هستند. تغییرات آنها آرام، تدریجى و کند است، حال آنکه سازمان‌ها و مؤسسات، کمتر این خصوصیت را دارا هستند.
* نهادها از طرف جامعه پذیرفته شده، به رسمیت شناخته مى‌شوند، و افراد به ارزش‌ها، اصول، قواعد و هنجارهاى معمول آن پایبند هستند. در حالى‌که این چینن پذیرش و پایبندى در مورد سازمان‌ها کمتر وجود دارد.
* نهادها، از طبیعت جامعه برخاسته و از دوام، عمومیت، فناناپذیرى و پویائى برخوردار است و کم و بیش خود را بر افراد تحمیل مى‌کند. درحالى‌که این ویژگى کمتر در سازمان وجود دارد.

# 1.6.آینده نگاری

بسیاری از حوادث و رویدادهای آینده قابل پیش بینی و مدیریت هستند. دخالت انسان در این روند موجبات تغییر و تحولات مطلوب را ایجاد خواهد کرد. اما در اغلب موارد اشتغال به زمان حال و تلاش در جهت رفع مشکلات موجود، مانع از آن می شود که مدیران و تصمیم گیرندگان به آینده بیاندیشند؛ حال آنکه مشکلات کنونی ناشی از عدم شناخت آینده ای بوده است که اینک «زمان حال» نامیده میشود. به بیان روشن تر، بحران ها و مشکلات کنونی، موجه ترین دلیل برای اندیشیدن پیرامون درباره ی آینده است. ناگفته پیداست که بحران های امروز نتیجه ی قهری نپرداختن به موانع و مشکلات، قبل از بروز آنها به شکل بحران است. عامل دیگری که پرداختن به آینده را اجتناب ناپذیر می‌سازد، در سرعت تحولات نهفته است. تحولات حیرت آور عصر حاضر، ناشی از دگرگونی های شگفت در حوزه ی فناوری و روند شتابناک جهانی شدن می باشد. شاید تحول در فناوری عمده ترین نقش را در ایجاد چنین فضایی ایفا می کند، زیرا تحول فناوری به مثابه تغییر در شئون و ابعاد مختلف زندگی است. باید توجه داشت که حضور عاملانه در روند تحولات آینده، کاهش تهدیدات و افزایش فرصت ها و گزینه ها، نیازمند رویکردی آینده پژوهانه است که امکان کنش گری در رخدادهای آینده را فراهم می سازد. امروزه تغییرات با نرخ سریعتری بوقوع می پیوندند. تغییرات فناوری و متعاقبا تغییر در دیگر جنبه های زندگی، افزایش روز افزون وابستگی متقابل کشورها و ملل، تمرکز زدایی جوامع و نهادهای موجود که بدلیل گسترش فناوری اطلاعات شتاب بیشتری یافته است، تمایل روزافزون به جهانی شدن به همراه حفظ ویژگیهای ملی، قومی، فرهنگی و بسیاری عوامل دیگر، لزوم درک بهتر از «تغییرات» و « آینده» را برای دولتها، کسب و کارها، سازمانها و مردم ایجاب می کند. آینده اساسا قرین به عدم قطعیت است. با این همه آثار و رگه هایی از اطلاعات و واقعیات که ریشه در گذشته و حال دارند، می توانند رهنمون ما به آینده باشند. ادامه «تصمیم گیری صرفا چندین آینده محتمل بر اساس تجارب گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخکامی روبرو خواهد شد. عدم قطعیت نهفته در آینده برای بعضی، توجیه کننده عدم دور اندیشی آنان است و برای عده ای دیگر منبعی گرانبها از فرصتها.

# 1.6.1.شیوه های رویایی با آینده

از دیدگاه مدیریت ۴ شیوه برای رویارویی با آینده شناسایی می شود که عبارتند از:

1. واکنش زده (Passive): منتظر اتفاقات مانده و هیچ واکنشی از خود نشان نمی دهیم و سعی می کنیم آنها را فراموش کنیم.
2. واکنش گرا (Reactive): منتظر اتفاقات مانده و سپس به حل مشکلات فکر می کنیم، و همواره در حال حل مشکلات گذشته هستیم.
3. پیش نگرانه ( Pre - active ): پیشبینی رخدادهای آینده انجام می شود و برای آنها تمهیداتی پیشبینی میشود مانند بیمه آتش سوزی .
4. فعال (Proactive): در این مورد تمام متغیرها در اختیار ماست و برای رویارویی با آینده یک رفتار فعالانه انجام می دهیم.

# 1.6.2.آینده نگری یا آینده نگاری؟

در مطالعه آینده دو رویکرد اساسی و مهم دارد:

1. آینده نگری[[53]](#footnote-53)

2. آینده نگاری[[54]](#footnote-54)

همانگونه که از مفاهیم و ترجمه این دو لغت بر می آید، آینده نگری یا پیش بینی کمی مفعولانه به نظر می رسد و بیشتر در پی کشف و پیش بینی آینده و دیدن آنچه در آینده رخ خواهد داد می باشد و این گونه در آینده پژوهی معاصر از آن یاد می شود؛ حال آنکه آینده نگاری در پی نگاشت آینده است. تلاش خلاقانه و فعالانه به دنبال ساخت آینده مطلوب است و نه فقط کشف و نگرش در آن. در واقع آینده پژوه در هنگام آینده نگاری، پا را از پیش بینی فراتر می‌نهد و به دنبال خلق آینده مطلوب گام بر می دارد، یعنی از میان آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب سعی بر آفرینش آینده مطلوب دارد. آینده پژوه به هنگام آینده نگری با تلاش برای شناسایی سیگنال ها و حتی رمز گشایی آنها در پی یافتن و پی بردن به امور آتی است و به منظور جلوگیری از عدم قطعیتهای آینده از آینده نگری بهره می برد. حال آنکه کلید کلمه آینده - نگاری در قسمت دوم آن است که اشاره به شکل دادن و ایجاد و نگاشت آینده دارد. البته باید یادآور شد که این دو مفهوم اصلی در آینده پژوهی حتما باید در کنار هم وجود داشته باشند و مکمل یکدیگرند. در واقع آینده نگری از تقابل دو پایه فلسفی "چشم انداز پردازانه" و "اکتشافی" بوجود آمده، ولی آینده نگاری از تقابل دو پایه فلسفی "چشم انداز پردازانه" و "تجویزی یا هنجاری" به وجود آمده است. جمله زیر، این ارتباط عمیق بین این دو رویکرد مهم را بهتر نمایان می سازد:

"بهترین راه پیش بینی آینده، ساختن آن است[[55]](#footnote-55)"

# 1.7.جمع بندی و نتیجه گیری

پیچیدگی تحولات امروز جوامع را برآن داشته تا به سمت تعریف الگوهای مناسب حکمرانی گام بردارند. تعدد بازیگران در عرصه حکمرانی و تغییرات سریع در نظام نیازهای جامعه باعث شده تا امروزه کمتر کشوری به دنبال حکومت از طریق قدرت مقتدر مرکزی باشد موضوعی که شکست های آن در طول تاریخ و دنیای امروز به وضوح نشان داده شده است . همچنان که مرور شد در این بخش 5 مفهوم اصلی و کلیدی در حکمرانی نظام توسعه تمدنی غرب مرور شد که عبارتند از : حکمرانی خوب، دولت تنظیم گر، نهادهای مدنی ، حکمرانی پلتفرمی و آینده نگاری.

که 5 مفهوم فوق در واقع عناصر اصلی تکمیل کننده حکمرانی امروز کشورهای توسعه به صورت زنجیروار و شبکه وار تعریف شده اند. و مشخص شد امروزه در سایه نبود الگوی مطلوب حکمرانی برای تمامی کشورها، اکثر حکومت های دنیا به دنبال تحقق حکمروایی خوب هر چند ناقص هستند تا بتوانند از این طریق کارآمدی و قدرت مدیریت تحولات اجتماعی خود را نشان دهند. در این مفهوم تنزل مقام دولت از قدرت مرکزی به عنوان نهاد تنظیم گر، ظهور و جلوه گری بیشتر نهادهای اجتماعی در جامعه و ساخت آینده مطلوب حکمروایی بسیار حائز اهمیت است. با نگاشتی که انجام گردید می توان محورهای زیر را به عنوان نتایج جمع بندی این بخش بیان کرد :

* حکمرانی خوب ، حکمرانی است که 8 اصل کلیدی را دنبال می کند: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخگویی،وفاق عمومی، برابری و تساوی، اثربخشی و کارایی ، مسئولیت پذیری . این اصول 8 اصول به عنوان اصول بنیادین بسیار قابل توجه و دارای اهمیت هستند البته باید هر کشوری این 8 اصل را متناسب با زیست بوم فکری و فرهنگی خود تعریف و بازآرایی نماید چنانکه مفهوم تساوی و برابری در نظام جمهوری اسلامی ایران در کنار ابرموضوع عدالت تعریف می گردد در حالیکه در سایر کشورها به معنای برخورداری همه اقشار و گروه‌ها از آزادی‌های مشروع و غیرمشروع جامعه است.
* در ارکان 4 گانه حکمرانی خوب بخش دولت وظیفه هدایت و رهبری و برقراری حاکمیت قانون را بر عهده دارد و این وظیفه از دولت قدرت مقتدر، وسیع و گسترده به دولت تنظیم گر، چابک و کوچک در حال تبدیل است.مسئله اصلی نحوه انتقال و کاستن قدرت و واگذاری آن ها به گروه های دیگر است و موضوع مهمتر نهادها و گروه هایی هستند که این قدرت و اختیار را در جامعه را به عهده می گیرند.
* نهادهای اجتماعی مدنی و غیر دولتی امروزه نقش ویژه تری را در حکمرانی مطلوب ایفا می‌کنند وظیفه این نهادها ایجاد و فراهم کننده بسترهای مناسب برای ابراز وجود و نقش آفرینی بیشتر مردم به عنوان مالکان اصلی حکمرانی است. موضوع بسیار مهم در این نگاه، تعریف نهادهای مدنی است. شاخص های اصلی این نهادها و سازوکار نقش آفرینی این نهادها در جامعه بسیار پیچیده و قابل مطالعه و بررسی است بطوریکه می توان گفت تعریف دقیق و یکسانی از نهاهای مدنی در جوامع امروزی وجود ندارد و هنوز این رکن اصلی حکمرانی خوب که نهادهای مدنی در جامعه کنشگر اصلی بسترسازی فرصت ابراز مردم هستند کامل شکل نگرفته است.
* نقش تنظیم‌گری دولت در حکمرانی مطرح شده باعث گردیده که امروزه مفهوم جدیدی به اسم حکمرانی پلتفرمی تعریف و طراحی گردد و دولت ها به دنبال اعمال حاکمیت از طریق این پلتفرم ها باشند از سویی دیگر باید توجه کرد در نظام سرمایه داری غرب این سرمایه داران بزرگ هستند که ارکان اصلی دولت را شکل می دهند لذا در واقع مالکان اصلی حکمرانی پلتفرمی در وضعیت کنونی سرمایه داران هستند.
* ظهور و بروز حکمرانی پلتفرمی از بسترهای شبکه اطلاعات و ارتباطات و دنیای دیجیتال بوده است اما رفته رفته این پلتفرم ها در جامعه ارزش آفرین و هنجار آفرین شده اند برای مثال امروزه اسنپ به عنوان یک پلتفرم حمل و نقلی صرف محسوب نمی شود بلکه در حال شکل دادن به نوع جدیدی از ذائقه رفت و آمد در جامعه است و پلتفرم های عرصه های مختلف از قبیل خرید اینترنتی ، شبکه های اجتماعی و ... هر یک نوعی از سبک زندگی خاص خود را به جامعه القا می کنند.
* افزایش آینده پژوهی (با تعریفی که از آن شد و مفهوم آینده نگاری به معنای ساخت آینده) امروزه در ادبیات حکمرانی بسیار مفهوم جاافتاده و کارآمدی است. حکومت های رشد یافته امروز نه به دنبال کشف و پیش بینی روابط و فهم تحولات آینده بلکه به دنبال ساخت آینده مطلوب و مدنظر خود هستند و به دنبال آن تحولات آینده بشری را شکل می دهند همچنان که ورود به دنیای دیجیتال سبک زندگی جدیدی را برای جوامع بشری تعریف کرده است که در این میان دیگر این مردم نیستند که حق انتخاب دارند بلکه این حکومت ها هستند که مسیر زندگی و انتخاب مردم را تعریف می کنند و ذائقه او را شکل می دهند البته در این تعریف به دنبال مذمت این نوع از رفتار حکومت ها نیستیم بلکه به دنبال ترسیم نحوه اعمال حاکمیت دولت ها در نظام حکمرانی امروز هستیم.
* با تامل در سه محور قبلی این نگاه ایجاد می شود که در کشورهای توسعه یافته این سرمایه داران هستند که در حال حاضر وظیفه شکل دادن به ذائقه و سبک زندگی مردم را دارند و در این رویکرد بسیار سخت می توان از منافع سرمایه داری چشم پوشی کرده و به دنبال پیگیری و نقش آفرینی فرهنگ های بومی و محلی در جوامع بود.

جمع بندی صورت گرفته از وضعیت امروز حکمرانی خوب باعث می شود که با تامل بیشتری سراغ دریافت الگو از این مفهوم برای جامعه امروز جمهوری اسلامی ایران پیش رفت البته این به معنای عدم استفاده و استخراج مفاهیم مطلوب از این الگو نیست و به طور اجمال می توان از محورهای زیر برای دریافت مقصود مورد نظر استفاده کرد :

* با تعریف دقیق از نهادهای اجتماعی غیر دولتی در جامعه و تنظیم و طراحی مطلوب نوع کنشگری این نهادها در جامعه می توان زمینه را برای نقش آفرینی این نهادها بیشتر فراهم کرد و در این مسیر **الگوسازی** و استفاده از الگوهای موجود در تاریخ دیروز و امروز جامعه بسیار حائز اهمیت است.
* نگاه پلتفرمی را امروزه نباید به بسترهای شبکه اطلاعات و ارتباطات خلاصه کرد بلکه این نگاه را در اصل مفهوم کارکردهای حکمرانی هم می توان ترجمه و تفسیر کرده و در تمامی بخش های حکمرانی جامعه از آن استفاده کرد .
* آنچه مسلم است در خلق و آفرینش پلتفرم ها در بخش های مختلف حکمرانی جامعه باید تحولات اجتماعی امروز و آینده را لحاظ کرده و گرایش به ساخت آینده مطلوب و گذر از چالش های امروز جامعه باشد.
* در تنظیم ارکان پلتفرم های حاکمیتی باید از تعریف و مالکیت این پلتفرم ها توسط دولت پرهیز گردد چرا که با اصل تنظیم گری و چابک سازی دولت ها در تضاد بوده و باعث بزرگی و حاکمیت بیشتر دولت ها می گردد در افق مطلوبی می توان نهادهای اجتماعی غیردولتی را به عنوان مالکان اولیه این پلتفرم ها تعریف کرده و نقش نظارت و پشتیبانی قانونی را به دولت ها سپرد .
* بی تردید برای جوامعی مثل ایران که فرهنگ و ارزش های دینی و ملی در آن اصل است حتماً در طراحی پلتفرم‌های حکمرانی باید هویت دینی و ملی ، ارزش ها و هنجارهای اجتماعی، سبک زندگی ایرانی اسلامی لحاظ گردد و از ساخت سازوکار مخالف با آن پرهیز گردد.

# **2. حکمرانی در ادبیات انقلاب اسلامی**

جامعه ایران عمر بسیار درازی را در دوران سلطنتی گذرانده است. نظام پادشاهی، یگانه ایده حاکمیتی ایرانیان، چه در دوران پیش از اسلام و چه در دوران پس‌ازآن، محسوب می‌گردد. چند هزار سال زندگی در دوگانه رعیت ۔ سلطان، انگاره‌ای نیست که به‌آسانی از شناسنامه ما کنار رود. درست است که پیدایش انقلاب اسلامی در میدان چالش با همین میراث تاریخی شکل گرفت و به تعبیر رهبر فرزانه، ماهیت انقلاب در به هم زدن صحنه سلطنت بوده است، اما زمانی که یک پدیده نسبت هویتی پیدا می‌کند، بروندادهای بسیار پیچیده‌ای دارد. اکنون در گفتار قاطبه جامعه علمی و عامی ما، نظریه سلطنت از اساس امری غیرعقلایی و غیرشرعی تلقی می‌گردد؛ ولی قراین بسیاری مؤید این مطلب است که دلالت‌های فرهنگی این موضوع در ناخودآگاهمان وجود داشته و اثرات آن در ادبیات و حتی کنشگری‌های اجتماعی‌مان بارز است.

یکی از مسلمات فرهنگ سلطنت، نوع نگاه به مبدئیت اصلاح است؛ در این سازوکار، یگانه عنصر برای حرکت اجتماعی، یک اقتدار فوقانی است. اگر امر ملوکانه یک شخص یا یک گروه محدود، به تغییرات تعلق بگیرد، قدرت مطلقه به میدان آمده، خواست خود را اعمال خواهد نمود. بسیاری از نقدها نسبت به وضعیت موجود و ارائه ایده‌ها برای تغییر، کاملاً این پیش‌فرض را ثابت می‌نماید که ما همچنان گرفتار یک فرهنگ مطلق‌العنان هستیم. نوع انتظارات بسیاری، از ولایت‌فقیه یا سایر جایگاه‌های حاکمیتی، برای اتخاذ تصمیمات یک‌جانبه و پیشبرد اهداف، ریشه در همین میراث حکمرانی دارد. یک شخص باید بفهمد، یک شخص باید تصمیم بگیرد و یک جامعه نیز باید نظاره‌گر، سرزنشگر یا تشویق گر باشد.

این تلقی، جدای از اینکه یک توهم از اصلاح اجتماعی بوده و موجب سرکوبی استعدادها می‌گردد، رأساً در تضاد با روح انقلاب اسلامی است. جوهره قیام لله، یعنی اراده‌های مؤمنان، جامعه را به سمت بندگی بیشتر حرکت دهد. اگر مرید این حرکت توده‌ها نباشد، سیروسلوکی اتفاق نخواهد افتاد و جامعه ایمانی شکل نخواهد گرفت. از همین جهت، تبدیل رویکرد سلطنت به مردم‌سالاری، به‌مثابه پایان دادن به یک انحطاط تاریخی است:

«انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار به‌شدت تحقیر شده و به‌شدت عقب‌مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است، در کانون مدیریت کشور وارد کرد»[[56]](#footnote-56).

# 2.1.نظام سازی اجتماعی؛ مبنای حکمرانی در گفتمان انقلاب اسلامی برای رسیدن به جامعه ای سالم و متعالی

هدف نهایی دین در بینش انقلاب اسلامی، رساندن جامعه بشری ـ و نه افراد برگزیده و یا انسانهای علاقه‌مند ـ به قله تعالی و سعادت است كه در سایه عبودیت خدا و وصل شدن به این حقیقت بینهایت فراهم میشود. اما مهم، «روش» رسیدن به این هدف است و آن در این گفتمان، ایجاد جامعه سالم و متعالی است كه مهد و بستر تربیت همه انسانها باشد. و منظور از ساختن جامعه در این نظرگاه، طراحى و ایجاد مجموعهاى از زیرساختها، سازوكارها، روندها و نهادها ـ و در یك كلمه، «نظام‌سازی» است.

# 2.1.1. فرایند نظام‌سازى و جامعه پردازی؛ تولید نرم افزار و سوخت نظرى براى حركت، نهادسازى و كادرسازى

فرایند نظام‌سازى و جامعه پردازی عمدتاً سه محور اصلى به هم پیوسته و در ارتباط باهم دارد كه شامل «تولید نرم افزار و سوخت نظرى براى حركت»، «نهادسازى» و «كادرسازى» است كه به موازات یكدیگر باید موردتوجه باشد و لازمه آن تحول و پیشرفت در علوم انسانی و فرهنگ و سپس مدیریت و سیاست است. آنچه به لحاظ نرم افزاری به جامعه سازمان میدهد، «مبانی و اصول ارزشی» جامعه، «آرمانها و اهداف» آن و نیز «روندها و فرایندها و سازوكارهایی» است كه اهداف را تحقق پذیر میكند. و همچنانكه در آغاز گفته شد، نظامسازى، طراحى و ایجاد مجموعهاى از زیرساختها، سازوكارها، روندها، ساختارها و نهادها است كه فرایند تحقق «آرمانها» را سازماندهى مىكند. ناگفته پیدا است كه فرایند نظامسازی بدون داشتن قدرت قابل تحقق نیست. لذا نظامسازی پیرو تشكیل یك نظام حكومتی مقتدر و كارآمد میتواند صورت پذیرد.

نظامسازی در سطوح مختلفی صورت میپذیرد. سطح عالی آن طراحی نظام حكومتی است كه اركان اصلی حاكمیت و سازوكارهای كلان مدیریت جامعه را ترسیم میكند. سطح میانی آن طراحی و ایجاد نهادها و سیستمهای كلان در عرصه های اقتصاد، آموزش، فرهنگ، رسانه، امنیت، قضا، سلامت و مدیریت است. و سطوح پایینتر مربوط به خرده سیستمها در هر یك از این عرصه های كلان است. مانند نظام بانكداری، سیستم پولی، نظام كار، تولید، توزیع و تجارت در نظام كلان اقتصاد. و ازآنجاكه اسلام، منبع تبیین مبانی، اصول، ارزشها و آرمانها و اهداف است، نظامسازی در همه این سطوح باید بر اساس آموزه های اسلام صورت پذیرد.

# 2.1.2.فرآیند 5 مرحله ای تحقق اهداف اسلامی؛ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی

«فرایند تحقق اهداف اسلامی»عنوان نظریه ای است كه رهبر معظم انقلاب برای تبیین مراحل راهبردی كه باید تا تحقق اهداف اسلام طی شود اظهار نموده اند. این نظریه، بازتولید دكترین انتظار برای دوره كنونی نهضت انتظار است. ایشان با توجه به شرایط و موقعیت نهضت انتظار در این برهه از تاریخ، برای رسیدن به آرمان دكترین انتظار و اهداف اسلامی، پنج گام ترسیم نموده اند كه گام نخست آن انقلاب اسلامی، یعنی برداشتن مانع بزرگ پیش روی نهضت و حكومت طاغوتی شاهنشاهی بود. این گام مبتنی بر ارزشهای مقدسی بود كه از دین سرچشمه گرفته است.

گام دوم، طراحی سیستم كلان حكومت بر مبنای اندیشه دین و مبانی تفكر ولایت بود. در این طراحی كه تبلور آن در قانون اساسی است، اهداف، اركان و روابط قوا و نحوه جریان حاكمیت و جایگاه ملت در این نظام مشخص شده است.

گام سوم در این فرایند، ساختن ركن قدرت نظام و بازوی اجرایی آن است كه شاید سختترین و ظریفترین مرحله این فرایند است و از همه بیشتر نیاز به بررسی و تبیین دارد. گام چهارم كه مترتب بر مرحله پیشین است، مرحله ساختن كشوری نمونه و الگو بر مبنای اصول اسلامی و مبانی دكترین انتظار است. این مرحله كه در حقیقت بازتولید تمدن اسلامی در شرایط نوین جهانی است، نیازمند اقتدار دولت اسلامی و تلاش همه‌جانبه ملت است. بعد سخت‌افزاری این مرحله شامل زمینه‌های علمی، فناوری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است و بُعد مهمتر آن كه بعد نرم افزاری تمدن نوین اسلامی است، مربوط به ارزشهای متعالی اسلامی و انسانی و پیاده كردن آن در زندگی مردم و كارگزاران دولت اسلامی است كه از آن به «سبك زندگی» تعبیر میشود. مهمترین امتیاز دكترین انتظار و نظریه فرایند در برابر نظریه‌های مطرح كنونی در جهان، همین بعد است.

گام پنجم در این فرایند، برقراری پیوندهای اسلامی میان ملتهای مسلمان و كشورهای اسلامی است. ایجاد امتی یكپارچه در جهان كنونی از مسلمانان كه ارزشها و داشتههای خود را بشناسند و قدر بدانند و بجای تقابل و نزاع با یكدیگر، در برابر دشمن مشترك و استكبار جهانی بایستند.[[57]](#footnote-57)

گامهای دوم و سوم فرآیند، دقیقاً در چارچوب نظامسازی قابل تحلیل است. این گامها همان حركت نظامسازی است كه بسترسازی، نهادسازی و تدوین قوانین و مقررات و سیاست های لازم برای ایجاد محیط رشد و تحقق اهداف اسلامی است.

# 2.1.3.نهادهای انقلابی مولود نظام سازی های نمونه ای در مرحله نظام اسلامی

با توجه به تغییر پارادایم های اجتماعی در اثر تغییر جهت حرکت جامعه و ایجاد اولین حلقه ی تغییر رویکرد (انقلاب اسلامی)، تعریف هویت جدید براساس اسلام دومین مرحله در حرکت انقلاب اسلامی است که منجر به تثبیت انقلاب اسلامی شد. همانطور که بیان شد مرحله‌ی نظام اسلامی یعنی تعیین، تعریف و شکل­گیری هندسه و قواره‌ی اصلی حرکت به سمت تحقق اهداف اسلامی. ساختارسازی و برنامه­ریزی کلان یکی از مهمترین موضوعات در شروع هر انقلابی است. بررسی­ها نشان می‌‎دهد مهمترین موضوع در ابتدای هر انقلابی، چگونگی هویت بخشیدن و تثبیت آن نظام است.[[58]](#footnote-58)

بنابراین امام راحل(رحمه الله) در ابتدای مسیر انقلاب با تنظیم ساختارهای اولیه براساس دیدگاه اسلام ناب توجه ویژه‌ای به محرومین و ایجاد امنیت عمومی برای اداره جامعه نمودند و از آنجا که امور در زمان غیبت امام زمان به دست فقیه جامع‌الشرایط قرار می­گیرد؛[[59]](#footnote-59) ساختار سیاسی انقلاب اسلامی را براساس ساختار ولایت فقیه بنا نهادند.

به عبارت دیگر دومین مرحله از مراحل پنج­گانه انقلاب اسلامی تعریف پایه­های استقرار یک نظام است، قانونی کلان و جامع برای اداره کشور که اصول و مبانی حکومت­داری در هر مملکت را مشخص و نسبت به سایر ممالک متمایز می­سازد که از آن با عنوان قانون اساسی یاد می­شود.

اصول انقلاب اسلامی بر دو پایه بنا نهاده شده است. اول مسئله ولایت فقیه و دوم حضور مردم در تمام صحنه­ها.[[60]](#footnote-60) به عبارت بهتر تبیین «مردم­سالاری دینی»[[61]](#footnote-61) معنای قانون اساسی ملت ایران است. تمام متغیرهای محوری انقلاب اسلامی برمبنای تعریف این دو پایه و نحوه­ی ارتباط این دو مشخص شده است. اصول حرکت انقلاب اسلامی در مقدمه قانون اساسی و تثبیت و حضور انقلابی مردم ایران در تمام صحنه­های چهار دهه­ی اخیر، مصداق مناسبی از این دو پایه در جمهوری اسلامی است.

امام خامنه­ای(مدظله) این مرحله را به مرحله نظام­سازی اسلامی تعبیر می‌نمایند. یعنی مرحله­ای که حکومت می‌تواند رابطه خود را با مردم و بالعکس شکل داده و پایه­های اصلی حکومت بر مردم را سازمان دهد. نکته حائز اهمیت آن است که مرحله نظام­سازی به معنای تغییر یا ایجاد ساختار در همه ارکان اداره کننده جامعه نیست، بلکه مرحله نظام­سازی آغازی بر فرآیند تحول ساختارهای نظام به نفع شاخص­های هویت اسلامی است؛ فرآیندی که به مرور زمان دچار تغییرات گسترده­تری خواهد شد و همه شئون جامعه را در برخواهد گرفت. **پس می­توان این­گونه بیان داشت که مرحله نظام اسلامی، مرحله نمونه­سازی در بخشی از ساختارهای اداره کننده جامعه برمبنای احکام و معادلات اسلامی است**، به گونه­ای که بتوان ساختارهای تغییر یافته را بخشی از الگوی نظام­سازی همه جانبه برمبنای اسلام تلقی نمود.

امام خمینی(رحمه الله) در مسأله حفظ جهت‌گیر‌ی جامعه نهاد ولایت‌فقیه را پایه‌گذاری‌ نمودند. امروزه سیاست‌های کلان جامعه به دست فقیه جامع الشرایط شیعه تنظیم می­شود؛یا تغییر ساختار حوزه دفاعی و امنیتی کشور توسط امام راحل(رحمه الله) را می­توان نمونه­ای موفق از «نظام­سازی اسلامی» دانست. «**نظام‌ساز‌ی اسلامی»** در حوزه‌ی دفاعی و امنیتی در جمهوری اسلامی دارای دو رکن اصلی است: 1.مشارکت مردمی 2.ایمان و انگیزه‌های دینی بالا که در واقع تبلور این امر در بسیج و سپاه قابل مشاهده است. در واقع مدل امنیتی کشور که توسط امام خمینی(رحمه الله) در اوایل انقلاب پایه‌گذاری شد و 8 سال جنگ تحمیلی نیز با همان مدل اداره شد، بر مبنای تئوری‌های دافوس[[62]](#footnote-62) و فرماندهی ستاد نبود. این مدل­ هم­اکنون در محور مقاومت نیز تبلور یافته و کارآمدی خود را بصورت بین­المللی نیز نشان داده است.[[63]](#footnote-63) این مدل، مختص انقلاب اسلامی بوده و مقتبس از مدل­های موجود در دنیا نیست؛ ضمن آنکه نه تنها پاسخ­گوی نیاز کشور در مواقع حساس بوده است در سایر کشورها نیز کارآمدی خود را نشان داده است.

راه‌اندازی نهادهایی همچون کمیته‌ی امداد، جهاد سازندگی و بنیاد مسکن نمونه­ دیگر از نظام­سازی در جهت بسط عدالت اجتماعی و محرومیت زدایی بوده است؛ یا نهادهایی که در حوزه اقتصادی نقش ویژه ای بازی می کردند همچون ستاد اجرائی فرمان امام(ره) و بنیاد مستضعفان.

به عبارت دیگر امام خمینی(رحمه الله) جهت ساختارمند نمودن رسیدگی به امور اولویت دار انقلاب اسلامی در جامعه اقدام به نهادسازی نمودند. هرچند که امروز ضرورت تحول در این نهادها برای ایفای هر چه بهتر وظایف خود کاملاً محتمل به نظر می­رسد امّا ایجاد چنین نهادهایی در ابتدای انقلاب موجبات تحول در امور اولویت دار نظام یک ضرورت بوده است.

به بیانی دیگر هندسه کلی نظام‌سازی اسلامی در مرحله دوم انقلاب اسلامی شکل گرفته و نهادسازی های انجام شده اولاً برای حمل و ارضای نیازهای اجتماعی و اولویت دار انقلاب اسلامی تعریف شده اند و ثانیاً به عنوان الگو برای نشان دادن کارآمدی ادبیات و گفتمان انقلاب اسلامی در نظام سازی اسلامی تشکیل شده اند.

# 2.1.4. مرحله دولت اسلامی؛ نظام‌سازی اسلامی همه‌جانبه حاکمیت مبتنی بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

مرحله سومی که رهبر معظم انقلاب برای دستیابی به انقلاب اسلامی، پس از تشکیل حکومت و تشکیل نظام اسلامی ترسیم می­نمایند، دستیابی به دولت اسلامی است. تفاوت مرحله‌ی دولت اسلامی و نظام اسلامی در بسط مفهوم نظام‌سازی بصورت اجمالی و تفصیلی است؛ به این معنا که در آغاز انقلاب اسلامی، به دلیل محدودیت در ظرفیت‌ها و شرایط -مانند تهدیدهای بالفعل و بالقوه و یا عدم تثبیت انقلاب اسلامی در فضای بین المللی- و همچنین با توجه به ظرفیت‌های محدود فکری، «**نظام‌سازی اسلامی»** در عمل، به صورت اجمالی محقق شد. پس از تثبیت نظام اسلامی، طبیعتاً مفهوم «**نظام‌سازی اسلامی»** را باید به بخش‌های مختلف جامعه بسط داد و بخش­های محقق شده را نیز باید از اجمال خارج و بطور تفصیلی محقق نمود.

با این نگاه می توان گفت، دولت اسلامی به معنای ایجاد ساختارهای لازم و ضروری برای ارتقاء سطح جامعه اسلامی در همه جوانب[[64]](#footnote-64) است. به‌عبارت‌دیگر درصورتی‌که در مرحله نظام اسلامی ساختارها به‌صورت اجمالی برای تثبیت حرکت انقلاب شکل گرفت در مرحله دولت اسلامی با حرکت رو به رشد جامعه و تغییر و تحولات شکل‌گرفته در آن، قوانین متناسب با نیازها و امکانات جامعه باید تغییر و تحول‌یافته و سطح اسلامیت جامعه در ساختارها و برنامه­های کلان جامعه حضور بهتری پیدا کند.

تثبیت نظام مبارک جمهوری اسلامی را می‌توان آغاز مرحله دولت اسلامی محسوب نمود که هم‌زمان با آغاز رهبری امام خامنه­ای است. رهبر معظم انقلاب با کار منظم و دامنه­دار در طول بیست­سال اول زعامت خود این نکته را به تفاهم عمومی رساندند که ساختارهای کنونی نظام برای اداره جامعه بر مبنای دین کفایت لازم را ندارند و نیاز است که ساختارهای اداره کشور کارآمدتر از گذشته شوند.[[65]](#footnote-65) به‌علاوه ساختارهای مبتنی بر توسعه فاقد کارآمدی‌های لازم هستند و نمی­توان از آن‌ها نیز برای اداره جامعه بهره برد.[[66]](#footnote-66) بنابراین تنها راه، تولید الگویی برمبنای اسلام و زیست‌بوم جمهوری اسلامی ایران برای اداره­ی جامعه است.

نقش سازمان های الحاقی به حاکمیت، مانند ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) در فرایند تحول اجتماعی عبارت است از کشف فناوری ایجاد زیرساخت (اعم از رویه های نرم و سازه های سخت ساختاری و منابع انسانی و ...) رفع نیازهای اجتماعی. مهمترین بخش کشف فناوری، ساخت یک نمونه و الگویی است که از طریق بتوان فناوری را شناساند و سپس به درستی و با همه مؤلفه های اثرگذار در آن به بستر دیگری منتقل نمود.

# 2.1.4.1. اصول نظام سازی؛ توانمند سازی ساختارهای متکفل اداره جامعه متناسب با تحولات جامعه

دولت اسلامی بدان معناست که توانمندسازی ساختارهای متکفل اداره جامعه متناسب با تحولات اجتماعی بر مبنای اسلام انجام گیرد. باید توجه کرد که توانمندسازی ساختارها بدون در نظر گرفتن **تحولات جامعه**، توسعه ساختارها را با شکست روبه‌رو خواهد کرد.

# 2.1.4.2. اصل اول ؛ ظرفیت سازی برای ارتقاء ساختارها

هرچند تحقق دولت اسلامی بدون توانمندسازی ساختارها محقق نخواهد شد اما بدون ظرفیت‌سازی برای ارتقاء ساختارها به نفع اسلام، این اقدام با موانع بسیاری روبرو خواهد شد و موجب انحلال ساختارهای فعلی در نظامات مدرن فراهم می­آید.

اساساً تفاوت نظام سازی و سیستم سازی نیز در همین مقوله مهم یعنی **ظرفیت‌سازی** است. اجمالاً می‌توان بیان کرد که باطن سیستم به معنای ارتباط میان متغیرهاست. ریشه تفکر سیستمی عبور از نگاه ماهیتی اشیاء و ملاحظه ربط بین امور است. اگر نظام‌سازی اسلامی را با توجه به تفکر سیستمی و مبنا قرار دادن آن معنا کنیم باید بگوییم ریشه نظام‌سازی اسلامی این است که اگر می‌خواهیم یک هدف اسلامی را محقق کنیم، باید ربط میان تحقق این هدف با سایر اهداف و سایر متغیرهای اثرگذار بر این هدف را ملاحظه کنیم و این نهایت تعریفی است که با استفاده از تفکر سیستمی برای نظام اسلامی ارائه می‌شود. مطالعه متغیرهای مؤثر بر متغیر اصلی و تأثیرات آن جزو اصول اولیه است و از این بابت ایرادی به تفکر سیستمی وجود ندارد؛ اما در فرهنگ دینی هرگاه در مورد مسئله‌ای دینی مانند نماز، نهاد خانواده، جهاد و ده‌ها متغیر دیگر بحث کرده و محقق کنیم ابتدا باید ظرفیت پذیرش حکمی که درصدد تحقق آن هستیم را در فرد به وجود بیاوریم.

بنابراین تا زمانی که ارتقا ظرفیت موردتوجه قرار نگیرد حتی اگر صدها متغیر دیگر را رصد و کنترل کنیم باز نتیجه مطلوب را به همراه نخواهد داشت؛ زیرا تا زمانی که متغیرها وجود داشته و کنترل می‌شوند، مسئله دینی ممکن است به‌صورت صوری محقق شود اما به‌محض اینکه در جامعه آفتی به وجود آمد متغیرهای مؤثر را با مشکل مواجه می‌کند.

**2.1.4.3. اصل دوم؛ تدوین شاخص‌های هویت اسلامی**

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، دولت سازی اسلامی مقدم بر جامعه سازی اسلامی است، چرا که دولت – به معنای حاکمیت و نه به معنای قوه اجرایی - در هر کشوری متکفل تدوین امور جاری، میان‌مدت و بلندمدت افراد آن کشور است؛ درنتیجه اگر در مجموعه دولت، محوریت راهبردها و سیاست‌های تنظیمی بر اساس شاخص‌های تحقق هویت اسلامی نباشد، نمی‌توان در آینده انتظار استقرار سبک زندگی اسلامی را از جامعه داشت و درنتیجه هدایت بنیان بودن جامعه نیز امری ناممکن خواهد بود؛ بر این اساس، دسترسی به جامعه مطلوب اسلامی، نیازمند تدوین شاخص‌های هویت اسلامی و تلاش برای تحقق آن‌ها در مدیریت تحولات اجتماعی و در نهایت جاری شدن آن‌ها در سبک زندگی افراد جامعه است.

**2.1.4.4. اصل سوم؛ ایجاد ادبیات گفتمانی مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی**

الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان محور جریان دولت سازی اسلامی، یک جریان غالب فکری و یک گفتمان رایج در مدیریت تحولات اجتماعی است که قدرت تحلیل مسائل اجتماعی را به همراه دارد. اما در تعیین نسبت میان تشکیل دولت اسلامی و تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت باید بیان داشت که نخبگان انقلاب اسلامی برای تحقق دولت اسلامی، قطعاً نیازمند نقشه راهی مبتنی بر شاخص‌های هویت اسلامی هستند و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت دقیقاً همان نقشه‌ای است که موجب شناخت مسیر صحیح در سیر تشکیل دولت اسلامی خواهد شد. الگوی پیشرفت مجموعه‌ای مفاهیم، تعاریف، روش‌ها، تحلیل‌ها و تئوری‌های مبتنی بر شریعت نبوی است که نظامات اجتماعی اسلام را تبیین و روش تحقق آن را نیز مشخص می‌سازد. نیاز مبرم به ادبیات گفتمانی مبتنی بر آرمان‌های انقلاب اسلامی در مسیر ایجاد دولت اسلامی، اثبات‌کننده لزوم تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به‌عنوان نقشه راه نظام‌سازی همه‌جانبه بر مبنای اسلامی است.

**2.1.5.نقطه آغاز نظام سازی؛ کنترل و هدایت موضوعات موثر بر جامعه**

اگر نظام‌سازی اسلامی را تغییر در ساختارهای موجود اداره‌کننده جامعه بر مبنای مفاهیم و شاخص‌های هویت دینی از طریق تدوین برنامه‌های هماهنگ با اهداف انقلاب اسلامی بدانیم، آنگاه با این پرسش مواجه خواهیم شد که نقطه آغاز تغییرات بر مبنای مفاهیم جدید از کجاست؟

گفتمان انقلاب اسلامی معتقد است که نقطه آغاز نظام‌سازی اسلامی، ذهنیت سازی برای افکار عمومی در جهت تفاهم با جامعه و هماهنگ‌سازی و همراه نمودن افراد برای ایجاد تغییرات مبتنی بر مفاهیم و شاخص‌های هویت دینی است. درنتیجه به اعتقاد این جریان، نقطه آغاز نظام‌سازی، نظام‌سازی ذهنی بوده و نظام‌سازی علمی و یا اجرائی وابسته به نظام‌سازی ذهنی در جامعه خواهند بود. نظام‌سازی ذهنی نیز از طریق تغییر در نگرش‌های محوری جامعه و سوق دادن پسند اجتماعی به شاخص‌های هویت دینی است. این تغییر نگرش از طریق کنترل و هدایت موضوعات مؤثر بر نظام تصمیم سازی افراد به سرانجام خواهد رسید.

موضوعاتی که در جامعه زمینه تغییر مناسبات اجتماعی را فراهم نموده و جامعه را نسبت به افق تعیین شدن دچار عدم تعادل و یا توازن می‌کنند. درنتیجه برای تغییر مناسبات جامعه بر مبنای نظام‌سازی، باید به شناسایی، کشف و تبیین موضوعاتی پرداخت که از یک‌سو برای جامعه به‌عنوان جهت ساز محسوب می‌شوند و از سوی دیگر موجب عدم تعادل در مناسبات اجتماعی می‌گردند.

**2.2. لوازم و پایه‌های اصلی حکمرانی در ادبیات انقلاب اسلامی**

**2.2.1. مردم‌سالاری دینی**

بر مبنای نظریه مردم‌سالاری دینی، عزم و اراده مردمی، پیشران حرکت انقلاب اسلامی است. موتور محرک و منبع قدرت انقلاب، اراده‌های توده‌های مردمی است و اراده‌های حاکمیتی نیز فرع بر اراده مردم است. بر همین اساس، حکومت اسلامی موظف است به خواست مردم احترام بگذارد، از خواست ایشان سر دربیاورد، به خواست آن‌ها میدان بدهد و چیزی غیر خواست مردم را دنبال نکند. به این معنی همواره این مردم‌اند که در مطمح نظر حکومت و کل کشور هستند و به این واسطه، نظام اسلامی به معنای عمیقی مردمی است.

امام به‌عنوان ایده پرداز نظریه مردم‌سالاری دینی، جمله عجیبی را بارها تکرار می‌کرد و آن اینکه:

«مردم رهبرند» «مردم از همه ما جلوترند» و «خمینی دست یكایك شما مردم را می‌بوسد و به یكایك شما احترام می‌گذارد و یکایک شما را رهبر خودش می‌داند که بارها گفته‌ام من با شما یکی هستم و رهبری در کار نیست»[[67]](#footnote-67).

همان‌طور که از پیام تبریک ۱۲ فروردین ایشان هم برمی‌آید، ایشان خواست و اراده فراگیر مردم را مظهر اراده حق‌تعالی می‌دانستند. البته این تعبیر را در دو مرتبه و درواقع، در دو ساحت می‌توان قرائت کرد. هردو قرائت نیز درست است، ولی یکی از آن‌ها عظیم‌تر و عزیزتر است. اول به معنای اینکه مطالبه و خواست مردم، اصل است و ازاین‌جهت درواقع، سررشته سوگیری‌های برنامه‌ها، به دست مردم است؛ دومین ساحت که تصویر جدی‌تر و واقعی‌تری از رهبری مردم ارائه می‌کند، آنجا است که مردم قیام کرده باشند و خواسته‌های مشروع خود را اراده کرده باشند و آماده هزینه دادن برای آن باشند؛ در آن صورت به اعتقاد حضرت امام، اقتدارات حیرت‌انگیز الهی جلوه می‌کند و تحولات و معجزات بزرگ اجتماعی متجلی می‌گردد.

بر مبنای نظریه مردم‌سالاری، امام امت معتقد بود که اگر تصدی‌گری حکومت توسط یک انسان موحد امر موجهی است، تنها برای آن است که خواست و اراده مشروع مردم را در جامعه جاری کند؛ پس مردم‌سالاری بدون ولایت‌فقیه، شعاری عقیم است؛ ولایی بودن به این معناست که باید به اندیشه‌ها و اراده‌های منتخب او توجه کرد؛ حکومتی که به‌صورت ولایی است، یک نسبت است، نسبت ولی با مردم. ولایت اتصال و به هم پیچیدگی تمامی اعضای جامعه به محوریت امام است. این مهم در سیره رهبری امامین انقلاب پرواضح است؛ برای نمونه رهبر حکیم انقلاب اسلامی؛ در دهه گذشته بارها راه‌حل پیشرفت اقتصادی کشور را به رسمیت شناختن قدرت مردم و بها دادن به آن برشمرده‌اند و لذا در نقطه مقابل، ریشه معضلات و پسرفت‌های اقتصادی را در بی‌اعتنایی به مردم و ظرفیت‌های عمومی دانسته و ترویج این بی‌توجهی را خواست رؤسای قدرت‌های مستکبر دنیا معرفی می‌کنند.

لذا در دیدگاه انقلاب اسلامی، مردم‌سالاری و بنا نمودن امورات کشور بر خواست و اراده عمومی، کلید حل تمام مشکلات تاریخی و ملی است؛ هراندازه، جامعه فرهیختگان انقلاب، این معرفت را فهم کرده، در مسیر به فعلیت رسیدن آن قدم بردارند، قطار حرکت انقلاب اسلامی در مسیر صحیح، سرعت خواهد گرفت.

**2.2.1. خلق اراده ملی**

خلق اراده ملی به فعلیت رسیدن نظریه مردم‌سالاری دینی منوط به این است که محور پیشرفت و تحول کشور «اراده ملی» باشد؛ به‌عبارت‌دیگر، مردم‌سالاری دینی همان واردکردن «عنصر اراده ملی» در کانون مدیریت کلان انقلاب است. این ایده، مشخصه عصر جدیدی است که امام (ره) آغازگر آن بوده، آن را به الگویی برای همه جهان مبدل نمود و این به‌نوعی همان حقیقت «استراتژی پیروزی خون بر شمشیر» است:

«خصوصیت این عصر جدید، معنا بخشیدن به ارزش انسان‌ها و حضور مؤثر توده‌های میلیونی مردم است. در دوران جدیدی که به‌وسیله‌ی امام ما آغاز شده است و دایره آن محدود به ایران هم نیست، توده‌های مردم، اصل و تعیین‌کننده و تصمیم‌گیرنده‌اند و آن‌ها هستند که جریان‌ها را هدایت می‌کنند.

به تعبیر دیگر، مشخصه انسانی این دوران و عصر جدید، عبارت از پیروزی خون بر شمشیر است؛ یعنی در این دوران جدید. همچنان که در ایران اتفاق افتاد. آحاد مردم بدون تجهیزات و سلاح، فقط با جسم و جان خودشان به میدان آمدند و فضا را بر حکومت غاصب و ظالم تنگ کردند. این روش، امروز در دنیا روش شناخته‌شده‌ای است. قدرت حضور توده‌های مردم، ولو بدون سلاح، امروز در دنیا معلوم شده است. قدرت‌ها باید بدانند که بعدازاین، در هیچ جای دنیا، علی‌رغم خواست توده‌های میلیونی مردم، نمی‌شود حکومت را ادامه داد. هرچه این موج در دنیا گسترش پیدا بکند، کاربر سلطه‌های غیرقانونی و ظالمانه و غیر بشری، سخت‌تر خواهد شد. این، آن حرکتی بود که امام بزرگوار ما، به برکت آگاهی و ایمان این ملت، در کشور ایران انجام داد و الگویی برای دنیا شد».[[68]](#footnote-68)

براین اساس، اگر در یک امت، قیام صورت نگیرد و اراده ملی برای تحقق امور خلق نشود، مردم‌سالاری حاصل نیست؛ مردم‌سالار بودن انقلاب به این معناست که حصول هریک از مراحل صیرورت انقلاب، درواقع بروزی از صیرورت درونی ملت ایران است. اگر انقلاب ۵۷ محقق شد، به تعبیر امام، جلوه‌ای از بیداری فطری و درونی ملت ایران بود؛ اگر نظام اسلامی با رأی ملی به قانون اساسی، جایگزین نظام طاغوتی گردید، بازهم انعکاسی از خواست قلبی مردم بوده است؛ لذا بر همین منوال گذر از مرحله موقف فعلی نیز به خواست و اراده ملی نیازمند است.

**2.2.3. نقش‌آفرینی حلقه های میانی**

خلق اراده مردمی و ملی از طریق راه اندازی یک حرکت عمومی برای رسیدن مقاصد و چشم انداز انقلاب اسلامی یک ضرورت است «البتّه این حرکت وجود دارد منتها بایستی انضباط پیدا کند، سرعت پیدا کند و پیشرفتش به سمت آن چشم‌انداز محسوس باشد. این حرکت طبعاً‌ با محوریّت جوان متعهّد است؛ جوان‌های متعهّد، محور این حرکتند».

انجام این حرکت عمومی با در نظر گرفتن 4 نیاز اصلی یعنی؛ شناخت دقیق از صحنه درگیری، داشتن جهت‌گیری درست به سمت جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، امیدبخش بودن و داشتن راه‌کار عملی نیاز به تبیین دارد «منتها این [مورد] آخری که مسئله‌ی راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعّالیّت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به‌پیش ببرد. این کارِ چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملّت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگونِ موردنیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند»[[69]](#footnote-69).

# 2.3. بیانیه گام دوم به عنوان سند تمدنی پیش روی انقلاب اسلامی

گام نهادن انقلاب اسلامی در چهل ساله دوم خود باعث گردید تا امام خامنه ای به یمن ورود به چله دوم؛ بیانیه ای را به عنوان سند تمدنی پیش روی انقلاب اسلامی و مردم شریف ایران قرار دهند . این بیانیه با تبیین متفاوت، در عین نوآوری و خلاقیت، با بهره مندی از رویکردی تاریخی و مستند، و با روایتی زیبا و خوش ساخت از اصل انقلاب اسلامی، چالش ها، بحران ها، عبرت ها، دستاوردها و ظرفیت ها، با روند پژوهی سیر به سوی تمدن نوین اسلامی و تکیه بر شناخت مزیت های کلیدی و الزامات جهش در چله دوم انقلاب، ضمن تجویز راهبردهای اساسی، با تصریح به الزامات درونی و حفظ ساحت بیرونی، نوید بخش تحولات عمیق و گسترده ای است. بیانیه گام دوم، نقشه‌ی راه روشنی مبتنی بر امید واقع بینانه و خوش بینی مومنانه است که در پی انتقال هوشمندانه میراث عظیم انقلاب به نسل جدید در کنار وظیفه سازی برای مسئولان و مدیران و مسئولیت آفرینی برای جوانان عزیز، رشید و شایسته تلاش می کند تا این حرکت عظیم الهی را به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور دولت کریمه و ولایت عظمای مهدوی (عج)، متصل کند.

بیانیه گام دوم یک ترسیم کلی از گذشته و حال و آینده انقلاب اسلامی را به تصویر کشیده است و 4 نقطه اصلی در آن مشخص است که عبارتند از:

1. عظمت حادثه انقلاب هم به لحاظ وقوع و هم از لحاظ ماندگاری
2. عظمت راه طی شده و کارکرد انقلاب اسلامی تا به امروز
3. عظمت چشم و انداز و هدف انقلاب اسلامی
4. عظمت نیروی جوان متعهد در رفتن به سمت هدف انقلاب اسلامی .

آنچه که در این بیانیه و در این نوشتار مهم است واپسین بخش بیانیه است که به 7 حوزه مهم موضوعی که انقلاب اسلامی برای پیشروی باید به آن ها اهتمام ورزد مورد اشاره گرفته است که عبارتند از :

**1- علم و پژوهش**

با این بیان که «دانش،‌ آشکارترین وسیله‌ی عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دویست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیانهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمیکنیم، امّا مؤکّداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم»[[70]](#footnote-70).

**2- معنویّت و اخلاق**

«معنویّت به معنی برجسته کردن ارزشهای معنوی از قبیل: اخلاص، ایثار، توکّل، ایمان در خود و در جامعه است، و اخلاق به معنی رعایت فضیلت‌هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتمادبه‌نفس و دیگر خلقیّات نیکو است. معنویّت و اخلاق، جهت‌دهنده‌ی همه‌ی حرکتها و فعّالیّتهای فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتّی با کمبودهای مادّی، بهشت میسازد و نبودن آن حتّی با برخورداری مادّی، جهنّم می‌آفریند»[[71]](#footnote-71).

**3-اقتصاد**

«اقتصاد یک نقطه‌ی کلیدیِ تعیین‌کننده است. اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوّت و عامل مهمّ سلطه‌ناپذیری و نفوذناپذیری کشور است و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌‌ساز نفوذ و سلطه و دخالت دشمنان است. فقر و غنا در مادّیّات و معنویّات بشر، اثر میگذارد. اقتصاد البتّه هدف جامعه‌ی اسلامی نیست، امّا وسیله‌ای است که بدون آن نمیتوان به هدفها رسید. تأکید بر تقویت اقتصاد مستقلّ کشور که مبتنی‌ بر تولید انبوه و باکیفیّت، و توزیع عدالت‌محور، و مصرف به‌اندازه و بی‌اسراف، و مناسبات مدیریّتی خردمندانه است و در سالهای اخیر از سوی اینجانب بارها تکرار و بر آن تأکید شده، به‌خاطر همین تأثیر شگرفی است که اقتصاد میتواند بر زندگی امروز و فردای جامعه بگذارد»[[72]](#footnote-72).

**4- عدالت و مبارزه با فساد**

«این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی و اخلاقی و سیاسی، توده‌ی چرکین کشورها و نظامها و اگر در بدنه‌ی حکومتها عارض شود، زلزله‌ی ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیّت آنها است؛ و این برای نظامی چون جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیّتی فراتر از مشروعیّتهای مرسوم و مبنائی‌تر از مقبولیّت اجتماعی است، بسیار جدّی‌تر و بنیانی‌تر از دیگر نظامها است. وسوسه‌ی مال و مقام و ریاست، حتّی در عَلَوی‌ترین حکومت تاریخ یعنی حکومت خود حضرت امیر‌‌المؤمنین (علیه‌السّلام) کسانی را لغزاند، پس خطر بُروز این تهدید در جمهوری اسلامی هم که روزی مدیران و مسئولانش مسابقه‌ی زهد انقلابی و ساده‌زیستی میدادند، هرگز بعید نبوده و نیست؛ و این ایجاب میکند که دستگاهی کارآمد با نگاهی تیزبین و رفتاری قاطع در قوای سه‌گانه حضور دائم داشته باشد و به‌معنای واقعی با فساد مبارزه کند، بویژه در درون دستگاه‌های حکومتی»[[73]](#footnote-73).

**5- استقلال و آزادی**

«استقلال ملّی به معنی آزادی ملّت و حکومت از تحمیل و زورگویی قدرتهای سلطه‌گر جهان است. و آزادی اجتماعی به‌معنای حقّ تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه است؛ و این هر دو از جمله‌ی ارزشهای اسلامی‌اند و این هر دو عطیّه‌ی الهی به انسانها‌یند و هیچ کدام تفضّل حکومتها به مردم نیستند. حکومتها موظّف به تأمین این دو اند»[[74]](#footnote-74).

**6- عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن**

«عزّت ملّی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن؛ این هر سه، شاخه‌هایی از اصلِ «عزّت، حکمت، و مصلحت» در روابط بین‌المللی‌اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقّق یافته یا در آستانه‌‌ی ظهورند: تحرّک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آنها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه»[[75]](#footnote-75).

**7- سبک زندگی**

آخرین بند بیانیه گام دوم به سبک زندگی پرداخته است که به دلیل پیچیدگی این بخش تنها به این جمله اکتفا شده است « تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیانهای بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملّت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه میطلبد»[[76]](#footnote-76).

مرور 7 عرصه مهم در بیانیه گام دوم در واقع اولویت های اساسی و مهم انقلاب اسلامی در مرحله دولت اسلامی و جامعه اسلامی را برای پیشرفت انقلاب اسلامی مشخص می سازد.

# 2.4. جمع بندی و نتیجه گیری از ادبیات حکمرانی انقلاب اسلامی

مرور ادبیات انقلاب اسلامی در حوزه حکمرانی نشان دهنده این است که اساساً گفتمان انقلاب اسلامی یگانه راه نجات بشریت از انحطاط و اعواج فکری و زندگی امروز بشریت را در رجوع به توحید و عبودیت در معنای گسترده آن می داند. در نظر این گفتمان نه تنها هدف گذاری باید مبتنی بر تعالیم الهی باشد بلکه باید روش های رسیدن به اهداف نیز باید اسلامی تعریف و تنظیم گردند.لذا مبتنی بر ادبیات انقلاب اسلامی در حکمرانی، محورهای زیر را می‌توان استنتاج کرد :

* در ادبیات انقلاب اسلامی صرف تبیین هدف کافی نیست و آنچه بیانش ضرورت دارد ترسیم روش دستیابی به این هدف است. هدف نهایی دین در ادبیات انقلاب اسلامی رساندن جامعه بشری به قله تعالی و سعادت است که در سایه عبودیت خدا فراهم می شود. از سوی دیگر، دین به عنوان دایه دار تربیت و هدایت همه انسان ها در پهنه گیتی و در گستره تاریخ، ایجاد جامعه سالم و متعالی را به عنوان روشی پایه ای برای تربیت همه انسان تعریف می کند.
* در ادبیات انقلاب اسلامی مبنای ایجاد جامعه ای سالم و متعالی؛ نظام سازی اسلامی است و نظامسازى عبارت است از طراحى و ایجاد مجموعه اى از زیرساختها، سازوكارها، روندها، ساختارها و نهادها كه حركت بر مبناى اصول، براى تحقق آرمانها را سازماندهى و در نهایت تضمین مىكند.
* نظامسازی در ادبیات انقلاب اسلامی هر سه سطح؛ طراحی نظام حكومتی، طراحی و ایجاد نهادها و سیستمهای كلان در عرصه های مختلف و طراحی خرده سیستمها را شامل می شود.
* نظام سازی به صورت دفعی و یکباره انجام نمی پذیرد بلکه تدریجی شکل می گیرد لذا مراحل 5 گانه انقلاب اسلامی، نظام اسلامی ، دولت اسلامی ، جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی برای تحقق کامل آن تعریف شده است.
* در مرحله دوم یعنی نظام اسلامی، طراحی نظام حکومتی بر دو پایه اصلی ولایت فقیه و مردم سالاری دینی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طراحی شده است و برای پیشبرد اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی در سال های اولیه و نشان دادن کارآمدی ادبیات انقلاب اسلامی در پیشبرد حکمرانی انقلاب اسلامی، نظام سازی های نمونه ای انجام گرفته است. نهادهای انقلابی مولود این نظام سازی ها هستند که در عرصه های مختلف نقش آفرینی می کنند.
* یقیناً نهادهای انقلابی امروزه با توجه به نیازها و تحولات اجتماعی جامعه باید بازآرایی متناسب را صورت دهند ولی آن چیزی که بسیار حائز اهمیت است همانطور که گفته شد این است که این نهادها برای نشان دادن کارآمدی ادبیات انقلاب اسلامی در نظام سازی اسلامی شکل گرفته اند لذا باید الگوهای موفق خود را روایت و از نو به دنبال ساخت الگوهای نوین باشند تا زمینه تفاهم و شکل گیری اجتماع عمومی جامعه را برای بازتعریف سایر بخش های متکفل جامعه مبتنی بر نظام سازی اسلامی فراهم سازند.
* حکمرانی انقلاب اسلامی با پیگیری مبنای فکری خود یعنی نظام سازی، امروزه در مرحله سوم خود یعنی دولت اسلامی در حال صیرورت و تکامل یافتن است. نظام سازی در مرحله دولت اسلامی ،به صورت همه جانبه و تفصیل یافته در تمامی ساختارهای حاکمیتی و حکمرانی ترجمه و تعریف شده است.
* لازمه نظام‌سازی در مرحله دولت اسلامی؛ تدوین شاخص‌های هویت دینی، توانمندسازی ساختارهای متکفل اداره جامعه از طریق ارتقاء ظرفیت ساختارها و باز طراحی آنها مبتنی بر تحولات اجتماعی جامعه و نهایتاً ایجاد ادبیات گفتمانی مبتنی بر آرمان های انقلاب اسلامی است.
* بی تردید به دلیل نبود توانمندی و ظرفیت ساختارهای متکفل جامعه، نبود پذیرش عمومی در ابتدا و نداشتن طراحی کلان و تفصیل یافته الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در همه بخش های جامعه ؛ نمی توان نظام سازی در مرحله دولت اسلامی را به صورت یکجانبه از همه بخش های شروع کرد بلکه باید به دنبال نقاط شروع و پیشرو باشیم . نقطه آغاز از طریق کنترل و هدایت موضوعات موثر بر جامعه و بخش های اولویت دار جامعه است که با تعریفی که از اصول و پایه های حکمرانی انقلاب اسلامی گردید این موضوعات، موضوعاتی هستند که قابلیت مشارکت مردمی را دارند، قابل ترجمه به اصول و آرمان های انقلاب اسلامی هستند و به عنوان موضوعات مورد نیاز جامعه پذیرش عمومی را به دنبال دارند.
* لوازم و ارکان اصلی حکمرانی در ادبیات انقلاب اسلامی حضور و مشارکت بالای مردمی است که این اصل از طریق تئوریزه کردن مردم سالاری دینی تحقق می یابد. تعریف مفهوم حلقه‌های میانی به عنوان طیفی از نخبگان فکری و اجرائی کشور بخشی از ترجمه مردم سالاری دینی است که در مرحله دولت سازی، حلقه واسط بین مردم و حاکمیت را در خلق اراده ملی و نقش آفرینی مردم بر عهده دارند.
* 7 عرصه ؛ علم و پژوهش، اخلاق و معنویت، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی ، عزت ملی، روابط خارجی و مرزبندی با دشمن و در نهایت عرصه سبک زندگی به عنوان عرصه های مهم و اولویت‌دار انقلاب اسلامی برای جامعه پردازی و تمدن سازی است که پیش روی انقلاب اسلامی برای پیشرفت تعریف و قرار داده شده است این عرصه ها بی تردید با نگاه عبور از چالش های فعلی و ساخت آینده ای مطلوب را برای انقلاب اسلامی تعریف می کنند لذا در مرحله دولت سازی باید موضوعات مبتنی بر این 7 عرصه مورد نظام سازی قرار بگیرند.

# 3.جمع بندی و استخراج و تبیین مدل مفهومی ارتقاء حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی

با مرور ادبیات حکمرانی در نظام توسعه و انقلاب اسلامی باید توجه کرد که جریان آینده حاکمیت جمهوری اسلامی در گام دوم خود اگر به سمت تغییر فرآیندهای حکمرانی پیش می رود نمی تواند به صورت کامل و بدون هیچ تغییری از الگوهای رایج در مبانی توسعه غربی استفاده کند چرا که روح حاکم بر ادبیات حکمرانی در ادبیات انقلاب اسلامی با روح حاکم بر ادبیات حکمرانی نظام توسعه اساساً تفاوت ماهوی دارد. از سویی دیگر عملاً این الگوها دارای معایبی است که در بخش های پیشین عنوان شد و همچنین این الگوها با زیست بوم هویت دینی و ملی انقلاب اسلامی نیز تعریف نشده است. اما این به معنای عدم استفاده از ایده ها و نکات قابل استفاده از این ادبیات و مبانی نیست[[77]](#footnote-77) .

در مقام جمع بندی و نتیجه گیری از ادبیات حکمرانی می توان گفت جمهوری اسلامی ایران در مرحله سوم از صیروت تمدنی خویش یعنی مرحله دولت اسلامی قرار گرفته است و مبنای ادبیات انقلاب اسلامی برای عبور از این مرحله نیز نظام سازی همه جانبه در تمامی ساختارهای متکفل اداره جامعه است اما همانطور که مشخص شد این کار را نمی توان به صورت یکجا و همه جانبه انجام داد بلکه باید از موضوعات اولویت دار و مورد نیاز جامعه شروع کرد که **عرصه های 7 گانه بیانیه گام دوم** حدود کلان این موضوعات را مشخص کرده است. مبتنی بر این نگاه تعریف و توصیف مختار از هر یک از مفاهیم مورد نیاز در شکل گیری حکمرانی انقلاب اسلامی در ادامه آورده شده است.

**پلتفرم های حکمرانی:** اولین مقوله، موضوعاتی است که باید از آنها شروع به نظام سازی کرد به دلیل نزدیکی مفهوم پلتفرم به ریزموضوعات نظام سازی از واژه پلتفرم برای این موضوع استفاده می شود با این تعریف که پلتفرم به معنای ایجاد سازوکار و بستری است که بتوان اهداف و مقاصد مدنظر را به وسیله گروه های توسعه دهنده و مصرف کننده پیگیری کرد. پلتفرم هایی که آینده حکمرانی انقلاب اسلامی باید به سمت ایجاد و بعضاً غنی کردن آنها پیش برود باید ناظر بر ویژگی هایی باشند که از دل ادبیات انقلاب اسلامی تعریف می شود و البته پوشش دهنده معایب پلتفرمهای موجود نیز هستند این پلتفرم ها به طور جد 4 مولفه کلیدی و اصلی را به همراه دارند:

1. از دل نظام اجتماعی جامعه هستند و مردم نقش کلیدی را در افاده و استفاده از آن دارند و به طور مشخص نقش و جایگاه مردم در آن کاملا مشخص و تدقیق شده است این خصوصیت از اصل مفهوم مردم سالاری دینی اقتباس شده و مشارکت بالای مردم را در هر سه سطح طراحی، عملیات و نظارت را خواستار است.
2. شمولیت داشته و گستره بیشتری از جامعه را تحت پوشش خود قرار می دهند. برای اینکه این شمولیت و گستردگی را در جامعه داشته باشند حتماً نظام نیازهای جامعه را شناسایی ، طبقه بندی و اولویت بندی کرده‌اند و این اولویت در واقع اکثر جامعه را تحت پوشش خود در می آورد.
3. این پلتفرم ها در دنیای امروز باید به شدت خلاق و نوآور باشند چرا که به دنبال ساخت آینده ای مطلوب هستند و همچنان که در بحث آینده نگاری عنوان شد باید پلتفرم هایی باشند که بتوانند جریان های نوآور اجتماعی را با خود همراه سازند.
4. اصلی ترین مولفه این پلتفرمها این است مبتنی بر جهت گیری انقلاب اسلامی تعریف و طراحی و اجرا شوند همچنان که در بخش نظام سازی اجتماعی گفته شد حفظ جهت یعنی به دنبال ایجاد دولت اسلامی، جامعه اسلامی و نهایتاً تمدن اسلامی باشند.

با پذیرش این 4 مولفه اصلی که مولفه چهارم در واقع برش سه مولفه پیشین است در ادامه ارکان این پلتفرم ها نیز تعریف می شود.

**مالکیت پلتفرم های حکمرانی :** مبتنی بر ادبیات حکمرانی اصلی ترین نقش در پلتفرم های حکمرانی مالکیت آن است همانطور که عنوان شد نهادهای اجتماعی غیردولتی باید به دنبال ساخت و توسعه پلتفرم های حکمرانی باشند اما با توجه به ضعف نهادهای مردمی و مفهوم حلقه های میانی در ابتدای امر، نهادهای انقلابی به عنوان توسعه دهنده، حمایت کننده و شتابدهنده پلتفرم های حکمرانی پیشنهاد می شود این پیشنهاد ناظر بر چند محور اصلی است :

1. نهادهای انقلابی مولود نظام سازی های نمونه ای در مرحله نظام اسلامی هستند و به عنوان نهادهای ذیل ولی فقیه جامعه یکی از خصوصیت آنها نشان دادن کارآمدی ادبیات انقلاب اسلامی در حکمرانی است لذا یکی از وظایف ذاتی این نهادها ارتقا و الگوسازی حکمرانی انقلاب اسلامی است.
2. نهادهای انقلابی چون غیردولتی هستند از پیچیدگی ها و برورکراسی های اداری ساختارهای دولتی بدور هستند و راحت تر می توانند سازوکار خود را بازآرایی کنند و به طور خلاصه ویژگی هایی که برای نهادهای اجتماعی غیردولتی تعریف شده است را می توان در این نهادها توصیف کرد ویژگی هایی همچون :

* تعریف در نظام اسلامی و داشتن حفظ جهت در تمامی عرصه ها به عنوان یک وظیفه ذاتی
* برآمده از نظام نیازهای جامعه و انقلاب اسلامی و شکل یافتن بدون طرح و نقشه قبلی
* تکامل یافتن تدریجی و آرام آرام
* تحول و بازآرایی متناسب با نیازهای زمان
* تحول و بازآرایی متناسب با تحولات اجتماعی جامعه
* دارای ساختاری انطباق پذیر و منعطف
* دارای قانون و مقررات پذیری و قابل نظارت و کنترل
* داشتن بدنه‌اجتماعی و کنشگری اجتماعی و همراه سازی مردم
* دارا بودن قدرت شبکه‌سازی و شمولیت بخشیدن به موضوعات
* برخوردار بودن از قدرت اجرائی و قدرت تعریف جریان های نوآور

بی تردید باید گفت نهادهای انقلابی در واقع پیشران این حرکت بوده و در ادامه باید با تقویت حلقه های میانی به عنوان نهادهای مدنی یا نهادهای اجتماعی که کنشگری بالایی در جامعه دارند مالکیت و توسعه دهندگی این پلتفرم‌ها را به آن ها واگذار کرده تا در افقی مطلوب، عموم مردم به عنوان مالکان اصلی این پلتفرم ها شناخته شوند . هر چند همچنان که مشخص است این پلتفرم ها به عنوان نمونه هایی در دل نظام سازی اجتماعی تعریف شده اند و در نهایت تمامی ساختارهای متکفل جامعه باید مبتنی بر ادبیات و شاخص های دینی انقلاب اسلامی باز تعریف شوند لذا نهادهای انقلابی به دنبال تعریف و نمونه سازی پلتفرم های حکمرانی برای ساختارهای دولت اسلامی خواهند بود.

**سایر الزامات طراحی پلتفرم های حکمرانی :** با مشخص شدن مولفه های اصلی پلتفرم های حکمرانی و مالکیت و شتابدهندگی آن، برخی از الزامات طراحی و رشد این پلتفرم ها وجود دارد که عدم توجه به آنها باعث به انحراف رفتن مسیر طراحی شده می گردد برخی از این الزامات به شرح ذیل هستند :

* نقش اولیه و اساسی پلتفرم های حکمرانی ایجاد گفتمان انقلاب اسلامی و نشان دادن کارآمدی ادبیات انقلاب اسلامی در ساخت آینده ای مطلوب برای جامعه است.
* در طراحی پلتفرم های حکمرانی حتماً شاخص های هویت دینی برگرفته از ادبیات انقلاب اسلامی لحاظ شده است و این پلتفرم ها ناظر بر 4 مولفه اساسی و تحولات اجتماعی جامعه طراحی و رشد داده می شوند.
* پلتفرم های ایجاد شده و توسعه داده شده حتماً به دنبال ظرفیت سازی در ساختارهای متکفل اداره امور جامعه برای نظام سازی هم جانبه برای رسیدن به دولت اسلامی هستند لذا از تمامی ظرفیت های موجود بالقوه و بالفعل نهادهای اجرائی و غیره استفاده می کنند و مالک یا توسعه دهنده پلتفرم ها بیشتر به دنبال تنظیم گری و شتابدهندگی این پلتفرم‌ها خواهد بود.
* فرداگرایی و آینده نگاری از اولویت های اساسی این پلتفرمها بوده و به دنبال فناوری وتکنولوژی های نوین برای ساخت آینده مطلوب برای جامعه هستند.

شکل 1 در واقع نمودار مفهومی جمع بندی صورت گرفته را نمایش می دهد.



**شکل 1 : مدل مفهومی ارتقاء حکمرانی در گام دوم انقلاب اسلامی**

**پلتفرم صنعت اسباب بازی ؛ مثالی از یک پلتفرم اجتماعی**

ساخت آینده ای مطلوب به دست کودکان این جامعه خواهد بود افرادی که شخصیت و تربیت آنها در دنیای امروز در حال شکل گیری است و تعلیم و تربیت آن ها مقوله بسیار مهم و ضروری برای نظام اسلامی محسوب می شود. یکی از محورهای اصلی تربیت خود در تعریف بازی برای آن است به طور کلی بازی نقش مهمی ‌در بروز و نشان دادن احساسات، ارتباط با دیگران و شکل‌گیری شخصیت کودک دارد. انتخاب اسباب بازی هم یک بخش مهم در بازی کودک محسوب می شود این موضوع آنچنان مهم است که به عنوان یکی درخواست های اصلی رهبر جامعه نیز بوده است[[78]](#footnote-78) در مقام نخست این موضوع با 4 مولفه اساسی سنجیده می شود :

* **شمولیت و گستردگی** : به طور کلان این موضوعی است که تمامی افراد جامعه را شامل می شود و تمامی خانواده‌هایی که به دنبال تربیت درست کودکان خویش هستند دغدغه اصلی انتخاب بازی های مناسب برای کودکان خود را دارند لذا موضوعی است که شمولیت و گستردگی بالایی در سطح جامعه دارد.
* **مردمی بودن :** موضوع بازی و اسباب بازی کودکان به عنوان یک موضوع غیرقابل انکار برای جامعه محسوب می شود لذا تمامی افراد جامعه را می توان با این موضوع درگیر کرده و مشارکت آن ها را در طراحی و پردازش این موضوع بوجود آورد .
* **داشتن نوآوری اجتماعی :** موضوع اسباب بازی در کشور یک موضوع تماماً اجتماعی است و به دلیل ورود فناوری و تکنولوژی عصر جدید در این حوزه ، امروزه تکنولوژی حرف اول را در این صنعت می زند.
* **همراستا با جهت گیری انقلاب اسلامی :** اسباب بازی نقش سرگرمی در تربیت کودک را داشته و تربیت جزو شاخص‌های اصلی ساخت اجتماعی جامعه و سبک زندگی محسوب می گردد لذا کار کردن بر روی این موضوع به عنوان یکی از درخواست های اصلی رهبر جامعه نیز برای شکل دادن به سبک زندگی اسلامی نقش بسیار مهمی را ایفا می کند.

علاوه بر 4 مولفه فوق صنعت اسباب بازی در کشور یک صنعت 350 میلیون دلاری محسوب می شود که تنها 10 درصد این گردش مالی مربوط به تولیدات داخلی است[[79]](#footnote-79) و بقیه آن صادره از کشورهای است که بسیاری از آنها از فرهنگ و بوم و هویت دینی جمهوری اسلامی اطلاعی نداشته یا بر خلاف و ضد آن عمل می کنند. لذا یکی نیازهای اساسی حکمرانی جامعه بسترسازی و ایجاد سازوکاری است که بتواند تولیدکنندگان این صنعت را حمایت و موانع و مشکلات پیش روی آنها را برای تولید بالای اسباب بازی با کیفیت و مقیاس های مطلوب جامعه اسلامی رفع کند.

این صنعت از جهاتی نیاز به گفتمان سازی در جامعه دارد تا ساخت و استفاده از اسباب بازی داخل کشور با لحاظ هویت و فرهنگی دینی و ملی به عنوان یک گفتمان عمومی و رایج در کشور شکل بگیرد.

از سویی دیگر نیاز به شناخت درست و شکل دادن به نیازهای کودکان در این صنعت دارد که نیازمند شکل دادن به شبکه ای از کشنگران اجتماعی برای رصد و پویش نظام نیازهای کودکان این مرزوبوم است.

از جهتی دیگر نیازمند طراحی و استفاده از فناوری های نوین در ساخت است که نیازمند شکل دادن به شبکه ای از کنشگران این حوزه در بخش فناوری و تکنولوژی های روز دنیاست.

در مقامی بالاتر نیازمند درک درست از شاخص های بازی مطابق با شاخص های ادبیات هویت دینی انقلاب اسلامی است تا بتواند اسباب بازی های پویا و سازنده و همراستا با ادبیات انقلاب اسلامی را طراحی کند.

و در نهایت نیازمند بسترسازی برای ارتباطات و تعاملات دوسویه میان تولیدکنندگان و متولیان این عرصه برای هم افزایی و استفاده از محورهای فوق برای طراحی و ساخت و توزیع آن در کشور است.

1. پیام قرآن ج ۹، حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و سایر همکاران. [↑](#footnote-ref-1)
2. همان. [↑](#footnote-ref-2)
3. نبوت از دیدگاه امام خمینی (س). ص 144. [↑](#footnote-ref-3)
4. پیام امام خامنه‌ای به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) 10/3/1369. [↑](#footnote-ref-4)
5. همان. [↑](#footnote-ref-5)
6. همان. [↑](#footnote-ref-6)
7. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی. 14/1/1398. [↑](#footnote-ref-7)
8. بیانات امام خامنه‌ای در دانشگاه شیراز؛ 14/2/1387. [↑](#footnote-ref-8)
9. برگرفته از بیانات امام خامنه‌ای در مدرسه فیضیه؛ 14/7/1379. [↑](#footnote-ref-9)
10. یک حرکت عمومی اگر بخواهد معقول و منضبط و عقلائی و به دور از غوغاسالاری و بلبشو باشد، به چند چیز نیاز دارد: اولاً اینکه شناخت از صحنه داشته باشند. بدانند جمهوری اسلامی با چه کسی روبه‌رو است و فرصت و تهدید و دوست و دشمن را بشناسند. عنصر دوم اینکه حرکتشان جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ به سمت جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی باشد. عنصر سوم، امیدبخشی است. اگر یک نقطه‌ی امیدبخش نباشد، حرکت پیش نمی‌رود. این امید کاملاً برای مردم ما در دسترس است و ملت نشان داده که از عهده‌ی کارهای بزرگ برمی‌آید. عنصر چهارم این است که «راهکار عملی» در هر برهه‌ای از زمان برای کارها وجود دارد. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانشجویان؛/03/1398 [↑](#footnote-ref-10)
11. . بیانات امام خامنه‌ای در دیدار حرم رضوی؛ 1/1/1395 و دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ 12/5/1392 [↑](#footnote-ref-11)
12. . بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانشجویان کرمانشاه؛ 24/7/1390 [↑](#footnote-ref-12)
13. صحیفه امام خمینی (رحمه‌الله)، جلد 21 صفحه 327 [↑](#footnote-ref-13)
14. بیانات امام خامنه‌ای: 26/6/1390 و 14/3/1393 [↑](#footnote-ref-14)
15. بیانات امام خامنه‌ای در جمع دانشجویان 19/5/1390 [↑](#footnote-ref-15)
16. شیخ كلینى، اصول كافى، كتاب فضل العلم، باب 13، ح 5.  [↑](#footnote-ref-16)
17. [بیانات امام خامنه‌ای در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3126)) 14/3/1383 [↑](#footnote-ref-17)
18. [بیانات امام خامنه‌ای ‌در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم 21/3/1387‌](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4029)  [↑](#footnote-ref-18)
19. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانشجویان کردستان؛27/2/1388. [↑](#footnote-ref-19)
20. این‌هایی که می‌گویند جمهوری، اسلامی را دنبال آن نمی‌گذارند و فقط این‌که کلمه که من از اول فریاد زدم که ما همین دو کلمه را می‌خواهیم جمهوری اسلامی، اگر دیدید یک‌کلمه‌ای اضافه شد، بدانید مسیرشان با شما مختلف است. اگر کلمه‌ی اسلام هم پهلویش گذاشتند می‌خواهند شما را بازی بدهند، اگر دیدید که یک کلمه از آن افتاد و گفتند جمهوری، بدانید مسیرشان با شما مختلف است. این‌ها می‌خواهند شما را بکشانند به آن مطالبی که برخلاف اسلام است ... هر کس پهلوی جمهوری اسلامی دموکراتیک بگذارد این دشمن ماست، هر کس جمهوری دموکراتیک بگوید، این دشمن ماست برای اینکه این اسلام را نمی‌خواهد. (بیانات امام خمینی (ره) در جمع فرهنگیان و دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه اهواز صحیفه‌ی نور، ج 6، ص 257). [↑](#footnote-ref-20)
21. « من میخواهم بگویم مجموعه‌ی دانشگاهی کشور ما، مجموعه‌ی نخبگان کشور ما - هم حوزه و دانشگاه - یکی از بزرگترین کارهاشان باید این باشد که نقشه‌ی جامع پیشرفت کشور را بر اساس مبانی اسلام تنظیم کنند؛ دل به الگوی غربی و مدلسازی‌های غربی نسپرند. او نمیتواند کشور را نجات بدهد؛ او نمیتواند پیشرفت کشور ما را تنظیم کند. کسانی که در مراکز برنامه‌ریزی یا در مراکز علمی و تحقیقی هستند و راجع به اقتصاد، راجع به سیاست، راجع به سیاست بین‌المللی و راجع به مسائل حیاتی دیگر کشور کار و فکر میکنند، دنبال این نباشند که فرمولهای غربی را؛ فرمولهای اقتصادی غرب، فرمولهای بانک جهانی یا صندوق بین‌المللی پول را با مسائل کشور تطبیق کنند؛ نه، آن نظریه‌ها، نظریه‌های مفید برای ما نیست. البته از عِلمشان استفاده میکنیم؛ ما تعصب نداریم. هرجا پیشرفت علمی، تجربه‌ی علمی باشد، استفاده میکنیم. از مصالح استفاده میکنیم؛ اما نقشه را بر طبق فکر خودمان، بر طبق نیاز خودمان بایستی بریزیم.» بیانات امام خامنه ای در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ؛ 25/02/1386 . [↑](#footnote-ref-21)
22. سخنرانی تلویزیونی امام خامنه‌ای به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، 14/03/1399. [↑](#footnote-ref-22)
23. بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی؛ 22/11/1397. [↑](#footnote-ref-23)
24. بیانات امام خامنه‌ای در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی؛ 28/02/1399. [↑](#footnote-ref-24)
25. Millennium Development Goals [↑](#footnote-ref-25)
26. فراخوان امام خامنه‌ای برای تکمیل و ارتقای الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت؛ 22/07/1397. [↑](#footnote-ref-26)
27. بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی؛ 22/11/1397. [↑](#footnote-ref-27)
28. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار جمعی از دانشجویان؛ 01/03/1398. [↑](#footnote-ref-28)
29. « هرجائی که مسئولین کشور توانائیهای مردم را شناختند و به کار گرفتند، ما موفق شدیم. هر جائی که ناکامی هست، به خاطر این است که ما نتوانستیم حضور مردم را در آن عرصه تأمین کنیم. ما مسائل حل نشده کم نداریم. در همه‌ی مسائل گوناگون کشور، مسئولین باید بتوانند راه‌هائی را برای حضور مردم پیدا کنند - همچنان که در عرصه‌ی بسیار دشوارِ جنگ این اتفاق افتاد، کسانی توانستند راه را باز کنند -  در زمینه‌های گوناگون هم میشود، در اقتصاد هم میشود. اقتصاد کشور، تولید کشور میتواند به وسیله‌ی همت مردم، با پول مردم، با ابتکارهای مردم، با انگیزه‌های مردم، چندین برابر شکوفائی پیدا کند». بیانات امام خامنه‌ای در اجتماع بزرگ مردم کرمانشاه‌؛ 20/07/1390. [↑](#footnote-ref-29)
30. بیانات مقام معظم رهبری [در دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3383)؛ 25/02/1386. [↑](#footnote-ref-30)
31. Governance [↑](#footnote-ref-31)
32. زمانی، هادی(2006). نظریه های دولت. در سایت.. Hadizamani.com [↑](#footnote-ref-32)
33. حسن رضایی (1398). طراحی و تبیین مولفه ها و شاخص های اساسی حکمرانی اسلامی، پژوهش‌های اندیشکده های حکمرانی. [↑](#footnote-ref-33)
34. همان. [↑](#footnote-ref-34)
35. حمیدرضا برادران شرکا و سعیدی ملک الساداتی (1384).«حکمرانی خوب: کلید توسعه آسیای جنوب غربی» نشریه راهبرد.شماره46 [↑](#footnote-ref-35)
36. کرمانی، مجید؛ مهدی باسخا؛ نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه‌های دولت: مطالعه موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی؛ تحقیقات اقتصادی بهار ۱۳۸۸; ۴۴(۸۶):۱۰۹-۱۳۰. [↑](#footnote-ref-36)
37. حسین رحیمی(1378).« نقش احزاب در توسعه ی سیاسی و امنیت ملی».فصلنامه مطالعات راهبردی.شماره چهارم.ص 135 [↑](#footnote-ref-37)
38. هانینگتون، ساموئل( 1370 ).سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی.محسن ثالثی.تهران:نشرعلم.ص119 [↑](#footnote-ref-38)
39. سیدمهدی الوانی.(1388).«حکمرانی خوب شبکهای از کنشگران جامعه مدنی».مجله مدیریت توسعه و تحول. ص1-5 [↑](#footnote-ref-39)
40. برگرفته از : پاک پرور ، محمد صادق (1399) ؛ سیر رشد و تکامل مفهوم «تنظیم گری» در نظام حکمرانی نوین ، تصمیم سازان اقتصاد ایران . مسیر اقتصاد. [↑](#footnote-ref-40)
41. اکبری ، حامد (1398). لزوم نگاه پلتفرمی به دولت . روزنامه شرق ، شماره 3460. [↑](#footnote-ref-41)
42. برگرفته از مقاله؛ آزادی ، جواد (1398) «پتلفرم چیست؟».دو فصلنامه فرهنگ، سیاست ، اقتصاد.مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع). شماره سوم . [↑](#footnote-ref-42)
43. API مخفف واژگان Application Programming Interface است که به صورت تحت‌الفظی می‌توان آن را به «رابط برنامه‌نویسی نرم‌افزار» ترجمه کرد. به طور خلاصه، API همچون همان UI است با این تفاوت که به جای انسان، یک سیستم کامپیوتری قرار است با آن تعامل داشته باشد. در واقع، از آنجا که می‌توان واژهٔ Interface را به «فصل مشترک» در فارسی ترجمه کرد، می‌توان گفت که API فصل مشترکی مابین دو نرم‌افزار یا اپلیکیشن است. [↑](#footnote-ref-43)
44. Sdk مخفف Software development kit است و معنی آن بسته توسعه نرم‌افزار است. یک sdk مجموعه ای از برنامه‌ها و کتابخانه‌ها و ابزارهایی است که برای توسعه نرم‌افزار یا برنامه برای یک دستگاه مشخص و یا سیستم عامل مشخص مورد استفاده قرار می‌گیرد. از sdk های معروف می‌توانJDK, android sdk و Mac OS X SDK و iPhone SDK را نام برد. [↑](#footnote-ref-44)
45. Government as a Platform [↑](#footnote-ref-45)
46. T. O’Reilly, “Government as a Platform,” *Innov. Technol. Governance, Glob.*, vol. 6, no. 1, pp. 13–40, 2011 [↑](#footnote-ref-46)
47. یخچالی، مهدی(1396) ، دولت به مثابه بستر (اهمیت مشارکت مردم)؛ اندیشکده شفافیت برای ایران. نمایه شده در سایت :

    https://tp4.ir/416/ [↑](#footnote-ref-47)
48. David Émile Durkheim [↑](#footnote-ref-48)
49. E.B.Reuter [↑](#footnote-ref-49)
50. Mendras, Henri [↑](#footnote-ref-50)
51. Branislaw Malionwski [↑](#footnote-ref-51)
52. L. H. Hobhous [↑](#footnote-ref-52)
53. Forecasting [↑](#footnote-ref-53)
54. Foresighting [↑](#footnote-ref-54)
55. پیتر دراکر، پدر علم مدیریت نوین. [↑](#footnote-ref-55)
56. بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی؛ 22/11/1397. [↑](#footnote-ref-56)
57. رک : بیانات امام خامنه ای ؛ 11/10/1369 ، 12/9/1379 ، 21/9/1380 ، 6/8/1383 ، 25/5/1384 ، 6/6/1396 . [↑](#footnote-ref-57)
58. . بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع دانشجویان 19/5/1390 [↑](#footnote-ref-58)
59. . شیخ كلینى، اصول كافى، كتاب فضل العلم، باب 13، ح 5.  [↑](#footnote-ref-59)
60. . [بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3126)) 14/3/1383 [↑](#footnote-ref-60)
61. . [بیانات ‌در اولین دیدار با نمایندگان مجلس هشتم 21/3/1387‌](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4029)  [↑](#footnote-ref-61)
62. مخفف "دانشگاه فرماندهی و ستاد" در ایران که به ارائه‌ی دوره‌های تخصصی آموزش علمی نظامی می‌پردازد. [↑](#footnote-ref-62)
63. 71 بعنوان نمونه می­توان به حزب الله در لبنان، حشد الشعبی در عراق و نیروهای مردمی در سوریه اشاره نمود. [↑](#footnote-ref-63)
64. بیانات امام خامنه ای در دیدار رئیس و اعضاى مجلس خبرگان رهبرى 20/12/1394 [↑](#footnote-ref-64)
65. [بیانات امام خامنه ای در دیدار دانشجویان کرمانشاه](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597) 1390/07/24 [↑](#footnote-ref-65)
66. [بیانات امام خامنه ای در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان](http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3290)  1384/02/19 [↑](#footnote-ref-66)
67. صحیفه امام، ج 14، ص 475. [↑](#footnote-ref-67)
68. بیانات امام خامنه‌ای در مراسم اولین سالگرد رحلت امام خمینی (ره)؛ 14/03/1369. [↑](#footnote-ref-68)
69. بیانات امام خامنه‌ای در دیدار با جمعی از دانشجویان؛ 01/03/1398. [↑](#footnote-ref-69)
70. بیانیه راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی؛ 22/11/1397. [↑](#footnote-ref-70)
71. همان. [↑](#footnote-ref-71)
72. همان. [↑](#footnote-ref-72)
73. همان. [↑](#footnote-ref-73)
74. همان. [↑](#footnote-ref-74)
75. همان. [↑](#footnote-ref-75)
76. همان. [↑](#footnote-ref-76)
77. «ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعه‏ی غربی میشماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم؛ یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعه‏ی کشورهای توسعه یافته‏ی غربی کاملاً وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزو خلقیات و خصال خوب اروپائی‏هاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است؛ در هر جامعه‏ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد». بیانات امام خامنه ای در در دیدار استادان و دانشجویان کردستان‌ ، 27/02/1388 . [↑](#footnote-ref-77)
78. « این اسباب‌بازیهایی که وارد کشور میشود از جمله‌ی همین است[تهاجم فرهنگی] که من چقدر سر قضیه‌ی تولید اسباب‌بازی داخلىِ معنیدار و جذاب حرص خوردم با بعضی از مسئولین این کار که این کار را دنبال بکنند» بیانات امام خامنه ای در در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ؛ 19/09/1392 . [↑](#footnote-ref-78)
79. به نقل از محمدحسین نخ‌چی، دبیر انجمن تولیدکنندگان اسباب‌بازی ایران؛ 22 /10/ 1398 . خبرگزاری جمهوری اسلامی. کد خبر : 83624627 . [↑](#footnote-ref-79)